



تقدیر رهبر معظم انقلاب از کارگردان فیلم سینمایی «ویلایی‌ها»

تولیت مسجد مقدس جمکران:

حوزه هنری در جمهوری اسلامی پرچمدار هنر است

گزارش از مستندهای حوزه هنری در جشنواره حقیقت

گزارش نشست نقد و بررسی «بهت میاد»

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



غزل شاکری / پگاه آهنگرانی / مصطفی زمانی / سعید چنگیزیان

میتاق زووع / شیرین یزدان بخش / احمد هاشمیان / عباس احمدی مطلق و با حضور تینا پاکروان

سارا و ایرا

فیلمی از
مازیار میری
فیلم سینمایی



نحی طرح: همایون اسماعیلان
مدیر فیلمبرداری: حسین جعفریان
مناح سحره ولبی: شوا رشیدیان
مناح چهره پردازی: مهرداد میرکمالی
نویسنده: احمد مرآتپور
مدیرپخش: نری وستهو کارگردان: مریم هارونپور
صداپرداز: ساسان ناظمی
مدیر تولید: حسین اکبری
فیلمبردار: آریز موسوی
عکاس: آریز اتحاد
مناح رنگ: آریز موسوی
مناح صدا: آریز موسوی
مناح تدوین: آریز موسوی
مناح موسیقی: آریز موسوی
سرمایه کننده: مازیار میری، علی سرشتی، احمد هاشمیان





سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره دهم، آذرماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیرمسئول و سردبیر: یزدان عشریه
مجری طرح: آرشد رمضان

تحریریه: محیا رضایی، الناز نعمتی، امید عشریه
عشریه، راحله خدای، نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع
با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام، محمد علی حیدری.

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://t.me/sourehcinema_com)

«کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://t.me/sourehcinema)

درسی که می‌توان از سینمای غرب آموخت

سینمای غرب در هفته‌ها و ماه‌های اخیر شاهد یک جریانی عجیب و قابل تأمل بود. جریانی که پیش از شکل گیری و وقوع آن کمتر کسی در ایران می‌پذیرفت که در سینمای آمریکا و هالیوود تا این حد نسبت به موضوع آزارهای جنسی زنان واکنش نشان دهند. این واکنش‌ها به رفتارهای غیراخلاقی نسبت به زنان آن هم از سوی هنرمندان و سینماگران بسیار پسندیده است.

در سوی دیگر، در حالی که وقتی از سینمای ایران بویژه سینمای بعد از انقلاب صحبت می‌شود از آن به عنوان پرچمدار اخلاق، انسانیت و سینمای شاعرانه، عرفانی و معناگرا توصیف می‌شود کمتر شاهد این گونه واکنش‌های انقلابی هستیم.

حال با توجه به پیامدها و دستاوردهای سونامی رسوایی افراد فاسد و آزارگر در سینمای غرب و واکنش گسترده همه طیف‌های هنری و اجتماعی نسبت به این گونه رفتارهای شنیع چه تحلیل و قضای می‌توان داشت؟ جالب اینجاست که محتوا و فضای بسیاری از آثار سینمایی غرب مملو از جلوه‌ها و نشانه‌های اخلاق گریزانه در جهت حفظ و تقویت بنیان‌های خانواده و روابط خانوادگی است. این درون‌مایه در اغلب فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی آن‌ها موج می‌زند و در مقابل سینمای مدعی و شعارده‌ما در سقوطی آزاد مسیری تنزلی و حشمتاکی را طی می‌کند و در بسیاری از این فیلم‌ها که این اواخر ساخته می‌شوند و کاملاً در سیطره کمدی‌های سخیف و مبتذل قرار دارند نشانه‌گذاری‌های جنسی و جلف در آن‌ها بیداد می‌کند.

شکی نیست که سینمای غرب در حوزه امنیت ملی و اقتدار ملی‌اش سرسوزنی عقب‌نشینی نمی‌کند و اجازه این کار را ندارد. اقتدار و منافع ملی، خط‌قرمزهای سینمای غرب است. و در سال‌های اخیر، گنجاندن رگه‌های از اسلام‌زدایی و اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی هم به صورت آشکار و پنهان در ساختارهای محتوایی و هنری فیلم‌هایشان تنیده شده است. اما نمی‌توان از اقدام جسورانه هالیوود و سینماگران غربی نسبت به پدیده زن‌آزاری و فساد در پشت پرده سینما غافل بود و آن را نادیده گرفت و ستایشش نکرد.

روزگاری شادروان فرج‌الله سلحشور با شناخت از لایه‌هایی از روابط نامطلوب و غلط رایج در پروسه‌های تولید فیلم‌ها انتقاد کردند که صدای خیلی‌ها درآمده بود.

اینکه سینمای ایران پاک و نجیب است شکی نیست اما این به آن معنا نیست که ده‌ها اتفاق ناگوار و رفتارهای هنجارشکنانه و توهین‌آمیز نسبت به زنان سینما را نادیده بگیریم و بخواهیم با هیاهو و پراپاگاندا بر زخم‌های سینما و بیماری‌هایش سرپوش بگذاریم.

موج محکوم کردن سوءرفتارهای «هاروی واینستاین» در طول دوران فعالیتش به عنوان تهیه‌کننده و بنیانگذار دو کمپانی «میرامکس» و «واینستاین»، این روزها سوژه اصلی هالیوود است و تقریباً همه بازیگران و سینماگران هالیوودی به این موضوع واکنش نشان داده‌اند می‌تواند درسی عینی به ما بدهد. «مریل استریپ»، «آنجلینا جولی»، «کیت بلانچت»، «جنیفر لارنس»، «جورج کلونی»، «جسیکا چستین»، «کیت وینزلت»، «لئوناردو دی‌کاپریو»، «چارلیز ترن»، «الیزا شلسینگر»، «بندیکت کامبریج» از جمله چهره‌هایی هستند که تاکنون به جریان رسوایی اخیر سینمای هالیوود واکنش نشان داده‌اند. حتی، آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار نیز در یک نشست فوق‌العاده اعلام کرد که «هاروی واینستاین» را به سبب سوءرفتار اخراج کرده و آکادمی بفتا نیز اخیراً تصمیم بر اخراج این تهیه‌کننده هالیوودی گرفت. انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا نیز چنین تصمیمی دارد. شبکه «بی‌بی‌سی» هم اعلام کرده همکاری خود را با این تهیه‌کننده در سریال جدید «بینوایان» قطع کرده است.

این در حالی است که فیلم‌هایی که با تهیه‌کنندگی «هاروی واینستاین» در طول دوران فعالیت او به عنوان تهیه‌کننده ساخته شدند، در مجموع ۳۴۱ بار نامزد جایزه اسکار و ۸۱ بار نیز برنده اسکار بوده‌اند. او برای تهیه‌کنندگی فیلم «شکسپیر عاشق» در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب جایزه اسکار شد و همچنین برای تهیه‌کنندگی تعداد زیادی از نمایش‌ها هفت بار برنده جایزه «تونی» شده است.

ایا سردمداران سینمای غرب نمی‌توانستند با توجه به پشتوانه‌های مالی و اعتباری و پیشینه معتبر «هاروی واینستاین» همه این گونه نسبت‌ها را شایعه‌سازی و دروغ اعلام نماید و لاپوشانی کند؟

تقدیر رهبر معظم انقلاب از کارگردان فیلم سینمایی «ویلاهای»



چندی پیش، رهبر معظم انقلاب پس از دیدن «ویلاهای»، از کارگردان این فیلم سینمایی قدردانی کردند.

به گزارش سوره سینما، به نقل از هفته نامه خط حزب الله، فیلم سینمایی «ویلاهای» روایتی تازه از همسران فرماندهان دفاع مقدس است که در شهرکی، اطراف جبهه، حوادث گوناگونی را تجربه و روزهای پراضطرابی را سپری می کنند و هر از گاهی با وقایع جنگ از جمله شهادت همسرانشان مواجه هستند. این فیلم اولین تجربه ی کارگردانی است که حالا مورد تقدیر رهبر انقلاب قرار گرفته است.



سینماسازی در سیاهکل و بروجرد «ساحل» و «قدس» آماده می شوند



روزها مشغول احداث زیرساخت های این بنا چون بخش های تاسیساتی، ایمنی، بهداشتی و ... که باید در یک سینمای مدرن و مجهز، به شکلی علمی طراحی و اجرا شوند، هستیم. این سینما ۸۰۰ صندلی ظرفیت دارد و پس از بازسازی یک سالن مدرن به جای این سینما در اواخر بهمن ماه راه اندازی می شود.

کازمی در بخش دیگری از سخنانش از ساخت یک سینما در سیاهکل خبر داد: در یک مجتمع تجاری و فرهنگی، سالنی ۱۲۰ نفره وجود دارد که در مرحله اسکلت متوقف شده و قرار است این سینما با بودجه استانی و مشارکت بهمن سبز کامل، به روز و مجهز شود و به بهره برداری برسد. مدیر عامل موسسه بهمن سبز گفت: بازسازی سینما «قدس» تبریز هم انجام شده، اما مشغول رفع ایرادهایی در کار هستیم. با رفع نواقص این سینما تا یک ماه آینده با ۲ سالن به بهره برداری می رسد.

موسسه بهمن سبز حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سیاهکل و بروجرد سالن سینما می سازد.

به گزارش سوره سینما، محمود کاظمی مدیر عامل موسسه بهمن سبز درباره بازسازی سینما «ساحل» اصفهان گفت: تخریب داخلی این سینما تمام شده و مشغول مراحل مقاوم سازی هستیم. سینما «ساحل» که با پنج سالن و با امکانات ویژه راه اندازی خواهد شد، روبروی سی و سه پل قرار دارد و نمایی که ما برای این سینما طراحی کردیم گوشه چشمی به جغرافیا و آثار تاریخی این شهر و هویت اصیل آن دارد. معماری این سینما کاملاً بومی است و امیدوارم شهرداری و سازمان میراث فرهنگی اصفهان با طرحی که برای نمای «ساحل» داده ایم موافقت کنند.

به گفته وی، سینما «ساحل» نوروز ۹۷ افتتاح خواهد شد. وی ادامه داد: سینما «فلسطین» بروجرد هم تخریب داخلی شده و این



«بیست و یک روز بعد» به شبکه نمایش خانگی سوره آمد

فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی سیدمحمد رضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری به شبکه نمایش خانگی سوره آمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم تحسین شده مردم و منتقدان در جشنواره فجر، توسط موسسه هنرهای تصویری سوره در شبکه نمایش خانگی توزیع شد.

در این فیلم ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین صدیق، جلال فاطمی، رضا استادی، سینا رازانی به همراه دو بازیگر نوجوان سینمای ایران مهدی قربانی و حسین شریفی نقش آفرینی می کنند.

آفرینی می کنند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «مر تزی» نوجوانی پرشور و ماجراجو است که آرزوی فیلمساز شدن دارد. او به دنبال تحقق آرزویش، دست به نگه داشتن قطار می زند! اما بیماری ناگهانی مادرش، سرنوشت آرزویش را تغییر می دهد.

نامزدی بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر و برگزیده ۵ پروانه زرین از سی امین جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان اصفهان، از جمله افتخارات این فیلم است.

«بیست و یک روز بعد» به تهیه کنندگی محمدرضا شفا تولید شده در باشگاه فیلم سوره، تازه ترین محصول سازمان سینمایی حوزه هنری است.



الشیخ الاسلامی

تسلیت حوزه هنری انقلاب اسلامی به ملت ایران به مناسبت حادثه زلزله غرب کشور

در پی حادثه تلخ و مصیبت بار زمین لرزه در غرب کشور که باعث جان باختن جمعی از هم میهنان عزیز و زخمی شدن جمعی بیشتر انجامیده و خسارات بسیاری پدید آورد؛ حوزه هنری انقلاب اسلامی طی پیامی این حادثه را به مردم ایران تسلیت گفت.

به گزارش سوره سینما، متن پیام تسلیت حوزه هنری انقلاب اسلامی در پی شهادت تلخ زمین لرزه غرب کشور چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

با نهایت تأسف و تأثر، حادثه غم بار زمین لرزه در برخی استان های غرب کشور که منجر به جان باختن جمعی از هم وطنان عزیز و مجروحیت تعداد بسیاری از آن ها به همراه خسارات فراوانی شده است را تسلیت عرض می کنیم.

حوزه هنری انقلاب اسلامی ضمن ابراز همدردی با هم میهنان داغدار، این حادثه تلخ و غم بار را از جانب خود و اهالی فرهنگ هنر به ملت بزرگ ایران به خصوص و خانواده های داغدار این حادثه تسلیت گفته و ملتسمانه از خداوند منان برای بازماندگان ایشان طلب صبر جزیل دارد. این نهاد انقلابی از همه هنرمندانی که با هنر خود توان باری رسانی و تلطیف روح آسیب دیدگان این ضایعه تلخ را دارند، اقدام به موقع و موثر را خواستار است.»



«ماجرای نیمروز» در جشنواره «گوآ» هند

فارابی در جشنواره بین المللی فیلم جنایت و مکافات (ترکیه) حضور داشته و برای نمایش در یکی از رویدادهای پانزده گانه ای که طبق تقویم فیافپ از رده رقابتی بین المللی (الف) برخوردار هستند، پذیرفته شد.

گفتنی است در این جشنواره که از ۲۹ آبان تا ۷ آذر سال جاری در کشور هندوستان برگزار شد، فیلم هایی چون «آن سوی ابرها» ساخته مجید مجیدی (در مقام فیلم افتتاحیه)، «بدون تاریخ، بدون امضا» ساخته وحید جلیوند و «نفس» ساخته نرگس آبیاری نیز سینمای نوین ایران را نمایندگی کردند.

فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمدحسین مهدویان در جشنواره بین المللی «گوآ» هند به نمایش در آمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمد حسین مهدویان و تهیه کنندگی سید محمود رضوی در بخش سینمای جهان در چهل و هشتمین جشنواره بین المللی «گوآ» هند به روی پرده رفت.

این فیلم که برنده جوایز اصلی سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر است، پیش از این به پخش کنندگی بنیاد سینمایی

حضور فیلم سینمایی «فصل نرگس» در جشنواره فیلم ایرانی تفلیس

شدند، فیلم‌های «تمشک، رگ خواب و سارا و آیدا» هستند. این جشنواره توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در تفلیس، با همکاری دانشگاه تئاتر و سینمای گرجستان و دانشگاه جواخیشلی از ۴ تا ۷ دسامبر (۱۳ الی ۱۶ آذرماه) برگزار شد.

جشنواره پس از برگزاری مراسم افتتاحیه، با دو زیرنویس انگلیس و گرجی در سالن نمایش دانشگاه جواخیشویلی شهر تفلیس به نمایش درآمد. سایر فیلم‌های ایرانی حاضر در این جشنواره که در روزهای برگزاری جشنواره نمایش داده

فیلم سینمایی «فصل نرگس» به کارگردانی نگار آذربایجانی در جشنواره فیلم ایرانی «تفلیس» کشور گرجستان به نمایش درآمد. به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «فصل نرگس» که پخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد؛ روز اول



تولیت مسجد مقدس جمکران در دیدار با معاونان فرهنگی مراکز استانی حوزه هنری بیان کرد:

حوزه هنری در جمهوری اسلامی پرچمدار هنر است



مواجهه نداشته‌اند، خاطرنشان کرد: جبهه باطل تمام امکانات و قوای خود را به کار گرفته تا بر جبهه حق پیروز شود و در چنین روزگاری در دل جمهوری اسلامی، حوزه هنری پرچمدار هنر است، ابزاری که بالاترین نقش را هدایت انسان‌ها و تربیت نسل جوان دارد و دشمن هم از همین ابزار حداکثری استفاده را می‌برد و بداند که رسالت سنگینی را بر دوش گرفتید و در این مسیر باید با ایمان محکم عاشقانه به فعالیت بپردازید.

وی افزود: امام خمینی (ره) برای ما الگو بودند و ایشان شهدا را نماد کامل هنر و هنرمندی معرفی کردند. اگر مقداری دریچه قلب و ذهن انسان به روی مسائل اسلام ناب باز شود درمی‌یابد که چرا ایشان چنین تعریفی داشته‌اند. اگر بتوانیم چنین زیبایی‌هایی را در قالب هنر به جامعه منتقل کنیم می‌توانیم جامعه را در مسیر الهی رشد و پرورش دهیم.

وی در پایان با اشاره به اینکه دشمنان کار ویژه‌ای برای ضربه زدن به مهدویت در عرصه هنر انجام می‌دهند، بر رشد و حرکت در مسیر معرفی فرهنگ مهدویت با ابزار هنر تاکید کرد.

منفی داشته باشند. حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان با بیان اینکه اگر از صدر تا ذیل تشکیلات هنری و رسانه‌ای ایمان محکم داشته باشند، می‌توانند تراوشات اسلامی را به جامعه ارائه دهند، تصریح کرد: ما در طول تاریخ انقلاب با ریزش‌ها و رویش‌ها مواجه بودیم و بر این اساس باید برای رفع خطر ریزش به دنبال تقویت ایمانمان باشیم.

وی با اشاره به واقعه بلعم باعورا در قرآن کریم و عاقبت وی، اظهار کرد: بر اساس این آیه هنگامی که انسان به دنیا‌گرایی زیاد پیدا کند و حب دنیا وجودش را لبریز کند و در زندگی متذکر خدا نشود، شیطان هم با او هم‌مسیر می‌شود و در نهایت به عاقبت شیطانی گرفتار می‌شود. اگر پول و مادیات شاخص زندگی انسان شود، از همین نقطه سقوط خواهد کرد و می‌توان گفت رمز موفقیت اولیای الهی و پیامبران که هادیان جامعه بودند این است که دنبال اجر، پاداش و مادیات نیستند و خود هدایت یافته هستند.

حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان با بیان اینکه در طول تاریخ، هیچ‌گاه مثل امروز حق و باطل باهم

معاونان فرهنگی مراکز استانی حوزه هنری چهارشنبه ۸ آذرماه با حضور در مسجد جمکران با حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان، تولیت مسجد جمکران، دیدار کردند.

به گزارش سوره سینما، حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان در این دیدار ضمن تبریک نهم ربیع الاول، با اشاره به اینکه جامعه ما برای حوزه هنری انقلاب اسلامی ارزش خاصی قائل است، اظهار کرد: در طول سال‌ها فعالیت حوزه هنری شاهد روند مثبت و رو به رشد این نهاد فرهنگی و هنری بودیم و امیدواریم این رشد تا رسیدن به اهداف عالی ادامه داشته باشد. به اندازه‌ای که در مجموعه این حوزه ایمان و معرفت به مفاهیم و مبانی اسلام ناب وجود داشته باشد به همان اندازه در فعالیت‌های بیرونی مفاهیم اسلامی تراوش پیدا می‌کند.

تولیت مسجد مقدس جمکران با تاکید بر اینکه باید در حوزه هنر، ایمانمان را به اسلام ناب مستحکم کنیم، بیان کرد: مشکلی که برخی مراکز فرهنگی و رسانه‌ای دارند، وجود نیروهایی است که ایمان و باورشان به اسلام ناب قوی و محکم نیست و چنین نیروهایی بازدهی خوبی ندارند و چه بسا بازدهی

دو جایزه جشنواره مدیترانه‌ای کن برای «پری دریایی»



غواص در لوکیشن خلیج فارس ساخته شده است و تاکنون توانسته جایزه بهترین فیلم (موضوع) از فستیوال بین‌المللی فیلم محیط زیست و حیات وحش کلکته، هندوستان دسامبر ۲۰۱۶، نمایش در بخش مسابقه فستیوال فیلم سینماورده مکزیکوسیتی مکزیک فوریه ۲۰۱۷، کاندیدای جایزه بهترین فیلم در فستیوال بین‌المللی فیلم محیط زیست دهلی نو هندوستان نوامبر ۲۰۱۷، کاندیدای جایزه بهترین فیلم در بخش مسابقه فیلم‌های خاورمیانه فستیوال فیلم مدیترانه‌ای کن فرانسه نوامبر ۲۰۱۷، کاندیدای جایزه بهترین موسیقی متن فیلم در بخش مسابقه فستیوال فیلم مدیترانه‌ای کن فرانسه نوامبر ۲۰۱۷، نمایش در بخش مسابقه فیلم‌های مستقل سالتو اوروگوئه اکتبر ۲۰۱۷ و نمایش در بخش مسابقه یازدهمین دوره فیلم سفر روی آب بنگلور هندوستان در کارنامه خود ثبت کند. جشنواره فیلم مدیترانه‌ای کن از تاریخ ۲۵ تا ۳۰ نوامبر (۴ تا ۹ آذر) در فرانسه برگزار شد.

در بخش جوایز ویژه جشنواره مدیترانه‌ای کن، فیلم‌ها و سینماگران ایران در شش شاخه موفق به کسب جایزه شدند.

به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «پری دریایی» به تهیه‌کنندگی محمدرضا عرب از محصولات مشترک سازمان سینمایی حوزه هنری؛ جایزه ویژه بهترین فیلم این رویداد سینمایی را از آن خود کرد.

در ضمن جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره نیز، به امیرمسعود آقابابائیان نویسنده و کارگردان این فیلم تعلق گرفت. برپایه این خبر؛ فیلم سینمایی «پری دریایی» پیش از این شش حضور بین‌المللی داشته است و توانسته جایزه برای بهترین فیلم (موضوع) را در جشنواره بین‌المللی محیط زیست کلکته بدست آورد.

بازیگران فیلم سینمایی «پری دریایی» امیر آقایی، پانته آمهدی‌نیا، شاهرخ فروتنیان، سیروس کهوری‌نژاد و اصغر همت می‌باشند. این فیلم با موضوع حفظ محیط زیست خلیج فارس و تکریم شهدای



راه دل مشت‌ی اسماعیل به سینما حقیقت رسید

پیاده‌روی اربعین می‌گذارد. مشت‌ی اسماعیل در این سفر رفته‌رفته چشم دل باز می‌کند و نصیر پای در راه دل می‌گذارد تا این سفر روحانی، تأثیری بر آینده هر دو آنها بگذارد...

عوامل تولید مستند «راه دل» عبارتند از: پژوهشگر و کارگردان: مهدی زمانپور کیاسری؛ فیلمبردار: سیدحسن سیدی‌پیشانی؛ صدابردار: سیدمحمدصادق قاهری؛ صداگذار: حسن مهدوی؛ تدوینگر: حسین نیکزاد؛ مدیر تولید: اسد الاسدی؛ دستیار کارگردان و عکاس: اکبر روح؛ تهیه‌کنندگان: سمیه زراعت‌کار و مهدی زمانپور کیاسری؛ تهیه شده در: مرکز مستند سوره مهدی زمانپور کیاسری متولد سال ۱۳۵۳ در کیاسر و دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشکده صداوسیما است. وی با مستند تحسین‌شده «مشت‌ی اسماعیل» ضمن حضور در بخش رسمی ده‌ها جشنواره ملی و بین‌المللی، موفق به دریافت سیمرغ بلورین کارگردانی فجر، جایزه بهترین فیلم جشنواره ویزیون دورنل سوییس و جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت شده است.



۳۰ دقیقه‌ای که محصول مرکز مستند سوره است، آمده: «مشت‌ی اسماعیل پیرمرد کشاورز نابینا بر سر دوراهی عمل چشم و بینا شدن و رفتن به سفر پیاده‌روی اربعین که با زمان عمل چشم مقارن شده، قرار گرفته است. او برخلاف همسرش که اصرار دارد چشمش را عمل کند، با دوست و همراه همیشگی‌اش نصیر، پای در سفر

«مهدی زمانپور کیاسری» با آخرین اثر مستندش «راه دل» که به پیاده‌روی اربعین «مشت‌ی اسماعیل» کاراکتر فیلم سابقش می‌پردازد، در بخش مسابقه ملی یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت حضور دارد. به گزارش سوره سینما، در خلاصه موضوع این فیلم



«زیر سقف دودی» و «دوئل» بهترین آثار جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن

خردمندان برنده جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن، محصول باشگاه فیلم سوره وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری است. هشتمین دوره جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن از تاریخ ۵ الی ۱۴ آبان ماه برگزار شد.

سقف دودی» ساخته پوران درخشنده که موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم بلند هشتمین جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن شد، پخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد. همچنین فیلم «دوئل» ساخته محمدرضا

فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» ساخته پوران درخشنده و فیلم کوتاه «دوئل» ساخته محمدرضا خردمندان جایزه بهترین فیلم بلند و کوتاه جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن را دریافت کردند. به گزارش دنیای سینما، فیلم سینمایی «زیر

یتیم خانه ایران، نمایش فیلم ضدانگلیسی در کشور انگلیس



خطر نشان کرد: در پوستر تبلیغاتی اکران این برنامه نیز از عبارتی از فیلم درباره استعمارگری انگلیس با عنوان «روبه پیر استعمار چه زمانی از کشتن راضی می‌شود؟ یک سال، دو سال، صد سال، دویست سال. چه زمانی؟» استفاده کرده بودیم.

نجانان در پایان گفت: اکران این فیلم سینمایی نه تنها نخستین نمایش «یتیم خانه ایران» در شهر لندن بود، بلکه اولین گردهمایی برگزار شده توسط انجمن ایرانیان کالج سلطنتی لندن است که با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در لزوم آتش به اختیار بودن جوانان در انجام فعالیت‌های فرهنگی برنامه ریزی و انجام شد و در حال حاضر، برنامه‌ریزی کردیم تا هم اکران بزرگ‌تری برای این فیلم و با تنوع بیشتری از مردم کشور انگلستان داشته باشیم و هم فیلم را به دانشجویان خارجی مقیم این کشور برسانیم.

عضو انجمن ایرانیان امپریال کالج لندن بیان کرد: نخستین هدف از اکران این فیلم سینمایی آرایه این اثر برای ایرانیان مقیم خارج از کشور بود، زیرا همانگونه که در فیلم بیان می‌شود «یتیم خانه ایران» بازگوکننده واقعه‌ای است که حتی یک صفحه از آن در کتاب‌های تاریخی نیامده است.

این فعال فرهنگی افزود: انتخاب تاریخ هفتم نوامبر برای اکران فیلم «یتیم خانه ایران» هم به علت سخنرانی ترامپ و استفاده او از واژه جعلی برای خلیج فارس و همینطور تروریست خطاب کردن ملت ایران بود که در آن زمان انگلستان تلاش کرد نقش پلیس خوب را بازی کند و با انتشار اسنادی بر لزوم به کار بردن واژه خلیج فارس تاکید کرد. وی با اشاره به همکاری امپریال کالج لندن و «دپارتمان مهندسی شیمی» برای نمایش این فیلم

فیلم سینمایی «یتیم خانه ایران» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی به همت ایرانیان مقیم لندن و بخش بین‌الملل جشنواره مردمی فیلم عمار در امپریال کالج لندن به نمایش درآمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «یتیم خانه ایران» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی به همت ایرانیان مقیم لندن در امپریال کالج این شهر به نمایش درآمد. احمد نجانان مسئول این برنامه و عضو انجمن ایرانیان امپریال کالج لندن گفت: در یک سال و نیم اخیر، فیلم‌های سینمایی مختلفی همچون «آرگو» و «۳۰۰» در امپریال کالج لندن اکران شده بود که تصویری خشن، جنگ طلب و مرتجع از جامعه ایران را برای جهانیان به نمایش می‌گذاشت و جای اکران فیلم فاخر ایرانی که دارای عقبه تاریخی باشد و تصویری درست و روشن از کشور نشان دهد خالی بود.

فیلم کوتاه «گزارشگر» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در اختتامیه جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان درخشید.

به گزارش سوره سینما، فیلم کوتاه «گزارشگر» ساخته محمدرضا خردمندان محصول «باشگاه فیلم سوره» وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری مدال بلورین و لوح تقدیر بخش فیلم‌های کوتاه سی و پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان ۲۰۱۷ را کسب کرد.

در مراسم پایانی این رویداد که دوشنبه شب ۲۹ آبان در میلان ایتالیا برگزار شد چهره‌های مطرحی همچون وزیر فرهنگ و گردشگری ایتالیا، شهردار میلان، پاول ندود، ماسیمو موراتی و مدیران باشگاه‌های آث میلان و اینترمیلان حضور داشتند. از ایران نیز سیدمجتبی علوی، دبیر جشنواره فیلم‌های ورزشی ایران، سیدامیر حسینی، نماینده فدراسیون جهانی Ficts در ایران و احسان شیعه، مدیر شبکه ورزش صداوسیما در مراسم پایانی جوایز برگزیدگان را دریافت کردند.

سی و پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان از ۲۴ تا ۲۹ آبان ماه برگزار شد.



درخشش «گزارشگر» در جشنواره فیلم‌های ورزشی میلان



رئیس حوزه هنری کرمانشاه:

در مناطق زلزله‌زده عشق موج می‌زند



وظیفه خود می‌داند در شرایط حساس هم حضور فیزیکی داشته و با اجرای برنامه‌های مدون فرهنگی در راستای بهبود شرایط روحی و روانی آسیب‌دیدگان این حادثه مخصوصاً کودکان و نوجوانان وارد عمل شود. وی اقدام هنرمندان در سفر به کرمانشاه و مناطق آسیب‌دیده را ستودنی خواند و اظهار داشت: حضور چهره‌های فرهنگی و هنری که پایگاهی اجتماعی در بین مردم دارند می‌تواند کمک شایانی به ترمیم ضربه‌های روحی و روانی افراد منطقه کند.

این مقام فرهنگی اظهار امیدواری کرد حوزه هنری انقلاب اسلامی با برنامه‌ریزی‌های کارشناسی در آینده نزدیک با کمک دفتر مرکزی و حوزه هنری کودک و نوجوان فعالیت فرهنگی خود را در این مناطق آغاز کند.

امین مرادی، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی کرمانشاه، با حضور در مناطق زلزله‌زده سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی، کمک‌ها و محموله‌های حمایتی کارکنان و هنرمندان استان‌های حوزه هنری سراسر کشور را به ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط تحویل داد.

امین مرادی در حاشیه این سفر، از استقبال بی‌نظیر مردم در امر کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده ابراز خرسندی کرد و با بیان اینکه در مناطق زلزله‌زده عشق موج می‌زند، گفت: واقعا مردم ایران اسلامی مخصوصاً هنرمندان به‌عنوان افراد تاثیرگذار در کمک و حمایت و ابراز همدردی سنگ تمام گذاشتند و با ارسال بیش از ۱۵ محموله کالاهای ضروری و مواد مصرفی از مراکز استانی کشور حمایت خود را اعلام کردند.

مرادی در ادامه تصریح کرد: حوزه هنری انقلاب اسلامی به عنوان یک نهاد انقلابی

گزارش نشست های «پدیدارشناسی سینمای ایران»



نشست «پدیدارشناسی سینمای ایران» با حضور دکتر اسماعیل بنی‌اردلان، دکتر اصغر فهیمی‌فر و دکتر سیدمهدی ناظمی در پژوهشکده فرهنگ و هنر حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، اسماعیل بنی‌اردلان عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران که سخنران اول این نشست بود ضمن تأکید بر اهمیت ساختار و فکر در هنر، اذعان داشت که تاریخ ایران، تاریخ هنری است موفق که هم معرفت می‌دهد، هم اخلاقی می‌کند و هم با عموم ارتباط برقرار می‌کند.

وی اضافه کرد: این هنر، در رشته‌های مختلفی متولد شد و رشد کرد و در مسیر خود کاملاً به جزئیات توجه کرد. هنر باید بتواند معانی متعالی را محسوس و ملموس کند و هنر ایرانی به خوبی از عهده این امر برآمده است. اما سینمای دینی در ایران، هنوز موفق نشده است به این مهم دست یابد و این به خاطر این است که سیر کلی هنر در ایران معاصر، از تاریخ جدا شده است و تبدیل به تقلید صرف از غرب و عکس‌العملی هیجانی و عاطفی در برابر این تمدن شده است. راه رسیدن به سینمای دینی این است که ما دوباره در تاریخ هنر خود قرار بگیریم و بتوانیم ابتدا فکر کنیم و سپس از دل فکر خود ساختاری متناسب با آن تولید کنیم. اما تاکنون نتوانسته‌ایم حتی یک فیلم دینی کامل تولید کنیم و تنها برخی از سکانس‌های فیلم‌هایی مانند «دیده‌بان» را می‌توان دینی خواند.

اصغر فهیمی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، سخنران دوم این برنامه بود که ضمن بیان شمه‌ای از تاریخ سینمای دینی در جهان، بیان داشت: هم دین یک سازه غیر یکپارچه است و هم سینما. بنابراین سینمای دینی معانی مختلفی دارد که آن معانی لزوماً برای ما مطلوب نیست. ما به دنبال سینمای دینی متناسب با فرهنگ خود هستیم و این سینما باید بتواند دین را در هر سه بخش فقه، اخلاق و کلام لحاظ کند و حداقل دارای کارکرد اخلاقی باشد. یک سینمای دینی باید بتواند به پرسش‌های مختلفی پاسخ بگوید. مثلاً باید بتواند بگوید که چگونه می‌خواهد تجربه‌ای از ادراک شر به تماشاگر بدهد، بدون آنکه شر را تبلیغ کرده باشد. یا اینکه چگونه می‌خواهد امری رضایت‌بخش و جذاب باشد بدون آنکه دچار ابتذال شود. فهیمی‌فر تأکید کرد تاکنون هیچ‌یک از فیلم‌های ساخته شده در کشور دینی نیستند. سینمای دینی با صرف تروکاژ یا قاب‌بندی‌های ایتالیایی نمی‌تواند تولید شود.

سید مهدی ناظمی، کارشناس ثابت این نشست‌ها هم بیان کرد: اغلب آنچه سینمای دینی خوانده می‌شود در واقع سینمای مسیحی است که آمیخته است با موسیقی و سمبل‌های عالم مسیحی.

وی تأکید کرد: حتی مفاهیمی مانند رنج و عشق، بیشتر مفاهیم مسیحی است تا مفاهیم عمومی دینی. جلسه بعدی پنجمین نشست از سلسله نشست‌های «پدیدارشناسی سینمای ایران» با موضوع «جشنواره در سینمای ایران» با حضور خسرو دهقان، مدرس و منتقد سینما، فرزند مؤتمن، فیلمساز و مدرس سینما و دکتر سید مهدی ناظمی کارشناس ثابت این نشست‌ها، در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری برگزار شد.

خسرو دهقان در این جلسه با اشاره به این که امروز جشنواره‌ها با حضوری انبوه و بی‌سابقه بخشی ضروری از سینما و یا می‌توان گفت مهمان ناخوانده ما شده‌اند، بیان داشت که مسأله غامض

محوری برای سینما نیستند و نباید آنها را بیش از حد جدی گرفت. در یک سینمای طبیعی که گردش مالی درستی داشته باشد، جشنواره نباید اینقدر بزرگ شود که در کشور ما بزرگ است. هیچوقت در روزنامه‌های مشهور دنیا، برنده شدن در یک جشنواره بزرگ سینمای تیتراژ یک نمی‌شود. این برجستگی جشنواره‌ها در کشور ما، هر چند در گذشته فوایدی هم برای چهره ما در جهان داشت، ولی نشانگر غیرطبیعی بودن سینمای ماست.

سید مهدی ناظمی، کارشناس ثابت این نشست‌ها نیز با توضیح تاریخ شکل‌گیری جشنواره‌ها و به ویژه جشنواره‌های سینمایی، بیان داشت که امروز در دنیا سینمای ایران را و کارگردانان مهم را از طریق جشنواره‌های سینمایی می‌شناسند. این هم تصویری محدود از ایران ایجاد کرده است و هم این که صرفاً بخشهایی از سینمای ایران را نشان داده است و مثلاً بازیگران سینمای ایران اغلب دیده نشده‌اند. او تأکید کرد نقش سیاسی داشتن جشنواره لزوماً به معنای توطئه یا پروژه‌ای بودن نیست، بلکه به این معناست که جنس تلقی ما، سیاسی باشد. ▶

هنری یا صنعتی بودن سینما مقدمه بحث از جشنواره است. از نظر من، سینما بیشتر صنعت است تا هنر و این جشنواره‌ها هر چقدر هم زیبا و قابل تحسین باشند، کمکی به صنعت سینمای کشور نکرده‌اند.

او اذعان کرد: من سینمای آقای فرهادی را نمی‌فهمم. ادعای فروش افسانه‌ای ۱۵ میلیارد تومان هم برای فیلم «فروشنده» قابل فهم نیست برای من. درباره جوایز جشنواره‌ها هم باید دقت داشت که هر چند جایزه اول با استانداردهای اسکار هماهنگی داشت، اما بخشی هم بخاطر مرادفات بین اسکار و کن، و شکل عکس‌العملی و سیاستهای متقابل آن دو است.

فرزاد مؤتمن هم در بخشی از نشست بیان کرد: صرف نظر از این که جشنواره‌ها با چه انگیزه‌هایی شروع شده‌اند، همواره عملکردی متکثر و متضاد داشته‌اند و مثلاً بسیاری از جوایز و برخوردهای جشنواره کن از همان ابتدا عجیب بود، اما امروز دامنه این اتفاقات عجیب، بسیار گسترده شده است. برخی از جشنواره‌ها مانند برلین بسیار سیاسی هستند و برخی مانند کن، نگاه اگروتیک برایشان مهم است.

مؤتمن اضافه کرد که جشنواره‌ها موضوع

گفت‌وگوهای سخت «سختانه» با چهره‌های سیاسی اجتماعی در تلویزیون



«سختانه» یک واژه اصیل ایرانی است که در فرهنگ لغت دهخدا به معنای گفتگوی سخت و رودررو است. مجری در این برنامه نماینده افکار عمومی بوده و سختانه به دنبال برنده یا بازنده شدن نیست.

به گزارش سوره سینما، اولین قسمت از برنامه «سختانه» پنج شنبه نهم آذر ساعت ۱۹ با اجرای میلاد دخانچی از شبکه سوم سیما پخش شد.

«سختانه» یک برنامه گفت‌وگو محور است که در آن شاهد گفتگوهای صریح و چالشی با چهره‌های مطرح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور از اندیشه‌های مختلف؛ پیرامون مناقشات فکری و مسائل روز افکار عمومی جامعه ایرانی خواهد بود.

تا کنون شش قسمت از برنامه سختانه تولید شده و تحقیق و طراحی برای تولید ۲۰ قسمت دیگر این گفتگوها در حال انجام است. میلاد دخانچی در این گفتگوها تاکنون با چهره‌هایی همچون حسین الله کرم، ابراهیم فیاض، حسین دهباشی، شهریار زرشناس و سروش دباغ به گفتگوی سخت، صریح و چالشی پیرامون افکار و اندیشه‌ها جامعه پرداخته است.

«سختانه» یک واژه اصیل ایرانی است که در فرهنگ لغت دهخدا

به معنای گفتگوی سخت و رودررو است. مجری در این برنامه نماینده افکار عمومی بوده و سختانه به دنبال برنده یا بازنده شدن نیست.

برنامه «سختانه» با اجرا و سردبیری میلاد دخانچی پنج شنبه‌ها از شبکه سوم سیما به روی آنتن می‌رود.



مدیر بازاریابی و پخش حوزه هنری: اکثر سینماهای کشور ایمن نیستند



فرجی مدیر پخش و بازاریابی حوزه هنری گفت: اهمیت ایمن‌سازی برکسی پوشیده نیست اما متأسفانه به دلیل بافت فرسوده اکثر سینماهای کشور ایمن نیستند.

به گزارش سوره سینما، غلامرضا فرجی مدیر بازاریابی و پخش حوزه هنری درباره پلمپ سینما شاهد گفت: پیگیر رفع پلمپ سینما شاهد که در منطقه ۸ تهران واقع شده است هستیم. نامه‌های مربوطه به دفتر حقوقی شهرداری ارایه شده و همچنان در انتظار پاسخ دفتر حقوقی شهرداری

هستیم. فرجی در ادامه به جلساتی جهت ایمن‌سازی با رئیس سازمان سینمایی اشاره کرد و گفت: انجمن سینماداران رایزنی‌هایی با رئیس سازمان سینمایی داشته تا برای تجهیز و ایمن‌سازی سینماها که بار مالی خواهد داشت اقداماتی صورت گیرد.

وی درباره ایمن‌سازی سینما توضیح داد: متأسفانه به دلیل بافت فرسوده اکثر سینماهای سراسر کشور در مقابل آتش سوزی ایمن نیستند و نتوانستند مجوزهای لازم در این خصوص را از

اداره آتش نشانی دریافت کنند. اهمیت ایمن‌سازی برکسی پوشیده نیست اما متأسفانه به دلیل بافت فرسوده این مشکل در اکثر قریب به اتفاق سینماها وجود دارد.

بنابراین گزارش، سینما شاهد مکان ناایمن در شرق تهران از سوی شهرداری تشخیص داده شده و مدتی است پلمپ شده است.

سینما «شاهد» در سال ۱۳۵۳ در محله نظام آباد تهران و با سه سالن شیدا، شقایق و شاهد و ۴۸۲ نفر ظرفیت در مساحتی بالغ بر ۷۰۰ متر تاسیس شد.



اولین نشست «سینماتک تهران» در حوزه هنری برگزار شد

پس از پایان سخنرانی دانش مستند «راجر استون منو بگیر» به کارگردانی مورگان پهم، دیلن بانک و دنیل دیمارو برای حضار به نمایش درآمد و با استقبال بسیار خوب دوستداران سینمای مستند مواجه شد. این مستند نود دقیقه‌ای مروری است بر زندگی سیاسی استون سیاستمدار و مشاور سیاسی بدنام آمریکایی. مستند «راجر استون منو بگیر» محصول سال ۲۰۱۷ شبکه معروف نتفلیکس است.

پس از اتمام پخش فیلم دانش بار دیگر روی سن حاضر شده و گفت: «راجر استون پیش از انتخابات ریاست جمهوری تأکید کرده بود داشتن ظاهر خوب برای یک کاندیدا مهم است و ترامپ ظاهری خوب و آراسته دارد و به همین خاطر احتمال موفقیت او بالاست. در این مستند که با هم دیدیم استون خیلی از خود تعریف کرد. او خود را از افراد موثر کمپین انتخاباتی ترامپ معرفی کرد در حالی که این موضوع صحت ندارد. او تنها یک دوست و یک مشاور بود و بعد از مدتی از این سمت نیز کنار گذاشته شد.»

دانش در پایان سخنرانی اش درباره فیلم و شخصیت راجر استون عنوان کرد: «راجر استون همانطور که در فیلم دیدیم مدعی بود که ترامپ شخصیت بهتری به نسبت هیلاری کلینتون داشت و به همین خاطر توانست بازی انتخابات را از رقیب اصلی اش ببرد. او همچنان طرفدار جریان فکری ترامپ است. استون معتقد است بدنام بودن بهتر از بی نام بودن است و این موضوع در سیاست‌های رفتاری و کرداری اش کاملاً مشخص است.»

جمهورهای آمریکا مشاوران بسیاری دارند در حال حاضر همه وزیران ترامپ به نوعی مشاوران او محسوب می شوند. در کشورهای اروپایی به این افراد وزیر گفته میشود اما در آمریکا وزرا همگی مشاوران ریاست جمهوری هستند و ترامپ هم پانزده مشاور دارد که علنی هستند و البته مشاورانی نیز دارد که چندان به چشم نمی آیند و پشت پرده کار می کنند. راجر استون نیز یکی از همین افراد است که به صورت رسمی مشاور ترامپ محسوب نمی شود. او در سال ۲۰۱۵ مشاور ترامپ بود اما پس از مدتی از ستاد انتخاباتی او بیرون آمد. عده ای عنوان کردند که او اخراج شده اما خودش مدعی بود استعفا داده است. ترامپ در همان سال در برنامه اینترنتی الکس جونز شرکت کرده و از راجر استون دفاع کرد و او را دوست خود خطاب کرد. به احتمال بسیار زیاد این دو موضوع مهم در مستندی که خواهیم دید مطرح خواهند شد.

دانش با اشاره به حقه های سیاسی استون در کمپین های مختلفی که حضور داشته گفت: «استون دروغگوی ماهری است و از شایعات به نفع خود و جریان سیاسی مطلوبش بهره برداری می کند. برای مثال ترامپ عنوان کرده است که باراک اوباما در آمریکا بدنیا نیامده و مسلمان است و با این حرف و این شایعه که هرگز برایش مدرکی ارائه نکرده توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. این شایعه در واقع ساخته و پرداخته ذهن استون است. او مهارت عجیبی در شایعه پراکنی و فریب افکار عمومی دارد و این موضوع را بارها و بارها به اثبات رسانده است.»

اولین نشست «سینماتک تهران» با هدف نقد و بررسی فیلم های روز جهان، یکشنبه ۱۹ آذرماه در سالن سوره حوزه هنری با حضور برنا دانش کارشناس مسایل آمریکا برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، در این مراسم میهمانانی از اهالی رسانه، دانشجویان رشته سینما و علاقمندان به سینمای مستند حضور داشتند. در ابتدای مراسم دانش برنا روی سن رفته و با اشاره به اینکه شبکه نتفلیکس یکی از شبکه های معروف دنیاست و مستند هایی با کیفیت تولید می کند درباره شخصیت راجر استون اظهار داشت: «در آمریکا به راجر استون می گویند سیاستمدار حقه باز. البته اغلب سیاستمداران آمریکایی کمابیش همین خصلت را دارند اما استون بسیار دغل باز است. راجر استون متولد سال ۱۹۵۲ میلادی است و خودش تعریف می کند وقتی کندی کاندید ریاست جمهوری بوده اولین حقه سیاسی اش را زده است. یعنی در حالی که تنها هشت سال داشته در مدرسه به دانش آموزان و هم کلاسی هایش گفته بود اگر رقیب کندی یعنی نیکسون رئیس جمهور شود تصمیم دارد تعطیلی روز شنبه مدارس را حذف کند و به این ترتیب دانش آموزان را علیه این کاندیدا شورانده و حتی به این ترتیب نظر والدین آنها را نیز عوض کرده است. او خود معترف است این اولین دروغ سیاسی است که عنوان کرده.»

دانش در ادامه افزود: «استون البته بعدها و در سنین جوانی مشاور نیکسون شده و به او درباره مسایل سیاسی بسیار کمک می کند. معمولاً رئیس

گزارشی از مستندهای حوزه هنری در جشنواره حقیقت

روایت فرار سرباز «ادوارد» از کمپ اشرف تا زندگی و مرگ محمدرضا شاه

نصیر، یار همیشگی مثنی اسماعیل، او را همراهی می‌کند و در موقعیت‌های مختلف، عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های مثنی اسماعیل ثبت و ضبط شده است. این مستند در بخش کوتاه ملی جشنواره حضور دارد.

یزدی در مورد این فیلم بیان داشت: کار کردن با مهدی زمان پور کیاسری برای ما لذت‌بخش بود. سوژه‌ی مستند مثنی اسماعیل است که قبلاً هم یک کاری راجع به او ساخته است. به نظرم مستند «راه دل» جز بهترین مستندها با موضوع اربعین است. البته در این باب، کسانی مثل آقای چاووش علم‌دار هستند. اگر چه مستند با موضوع اربعین به تعداد فراوان داریم اما مستند خوب در این موضوع، خیلی کم است و به نظرم راه دل یکی از بهترین کارهاست.

مستند «ابوایست» پرتره‌ای از مجید انتظامی است که به زندگی هنری و شخصی او می‌پردازد و زندگی‌نامه مجید انتظامی را روایت می‌کند. «ابوایست» به معنی نوازنده ساز «آبوا»، از سازهای تخصصی مجید انتظامی است. این مستند ۲۴ مرداد ماه و در مراسم بزرگداشت استاد مجید انتظامی در حوزه هنری رونمایی شد و پس از آن نیز در برنامه به اضافه مستند نیز پخش شد. این مستند بلند ۱۰۰ دقیقه‌ای به کارگردانی امیر صادق محمدی تولید شده است و در بخش ملی یازدهمین جشنواره سینما حقیقت حضور خواهد داشت.

مدیر مرکز مستند سوره درباره‌ی این مستند گفت: مستند ابوایست جزو کارهای پر زحمت است که امیر صادق محمدی انجام داده است. این مستند، اولین کار آقای صادق محمدی به عنوان کارگردان است. او این کار را خیلی دقیق و درست انجام داد. با اشخاص زیادی تماس گرفت. نتیجه‌ی این زحمات او هم این بود که کار را خیلی‌ها پسندیدند و خود استاد انتظامی هم آن را دوست داشتند. (۱۵)

تسним

پخش می‌شود. اولین نمایش و رونمایی این مستند ۱۲۰ دقیقه‌ای در جشنواره سینما حقیقت خواهد بود. این مستند در بخش شهید آوینی حضور خواهد داشت و به رقابت با دیگر آثار می‌پردازد.

محسن یزدی، تهیه‌کننده‌ی این مستند درباره‌ی این فیلم گفت: مستند ارثیه پدری جز معدود کارهای تاریخی بلند است که درباره‌ی محمدرضا شاه ساخته شده است. این مستند با کمک آرشیوهای دیده نشده و یا کمتر دیده نشده روایتی جذاب از زندگی محمدرضا شاه را ارائه می‌دهد. به نظرم ساخت چنین کاری قبلاً نمونه نداشته است. اگر چه زمان مستند بلند است، اما جز کارهای خوب آرشیوی تاریخی است که امیدوارم مورد استقبال قرار بگیرد. البته ما انتظار داشتیم که در بخش ملی جشنواره حقیقت هم حضور داشته باشد اما به نظر می‌رسد که سلیقه و نظر داوران چیز دیگری بوده است.

مستند بعدی، مستند «راه دل» ساخته‌ی مهدی زمان پور کیاسری است. سوژه‌ی این مستند، مثنی اسماعیل است که قبلاً نیز در مستند «مثنی اسماعیل» در برابر دوربین مهدی زمان پور رفته بود. مثنی اسماعیل پیرمرد زحمت‌کش و روشن‌دل کیاسری است که علی‌رغم این نابینایی که شاید محدودیت به حساب بیاید، نه تنها کارها و امور شخصی خود را انجام می‌دهد بلکه از عهده کارهایی برمی‌آید که حتی افراد سالم هم از انجام آن عاجز هستند.

او اکنون، بر سر دوراهی عمل چشم و بینا شدن و رفتن به سفر پیاده روی اربعین که با زمان عمل چشمش مقارن شده، گرفتار شده است. او به حرف دلش گوش می‌کند و زیارت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) را در پیش می‌گیرد. مستند «راه دل» روایت حضور مثنی اسماعیل در راهپیمایی بزرگ اربعین است. در این راه،

مرکز مستند سوره حوزه هنری هم چون سال‌های گذشته در جشنواره سینما حقیقت حضور دارد و ۴ مستند آن توانسته است به بخش مسابقه راه پیدا کند که با دیگر آثار به رقابت خواهند پرداخت.

یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» که از فرمایشات حضرت علی (ع) است، طی روزهای ۱۹ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد. این جشنواره به نوعی ویرترین سینمای مستند در کشور است که امسال هم چون سال گذشته در دو بخش ملی و آوینی برگزار خواهد شد.

مرکز مستند سوره حوزه هنری هم چون سال‌های گذشته در این جشنواره حضور دارد و ۴ مستند آن توانسته است به بخش مسابقه راه پیدا کند که با دیگر آثار به رقابت خواهند پرداخت. مستندهای «راه دل»، «ادوارد»، «ارثیه پدری» و «ابوایست» ۴ فیلمی هستند که با همکاری این مرکز تولید شده و در جشنواره حضور خواهد داشت.

مستند «ادوارد»، روایتی از یکی از سربازان مسیحی جنگ است که سرنوشته متفاوتی برای او رقم خورده است؛ از زندگی در زندان ابوغریب تا حضور در اردوگاه اشرف و کنار آمدن با باورهای اعتقادی سازمان منافقین. او اکنون در آلمان زندگی می‌کند و داستان زندگی خود را در برابر دوربین محمدباقر شاهین روایت می‌کند. این مستند بلند در هر دو بخش ملی و آوینی حضور دارد.

محسن یزدی درباره‌ی تولید این مستند گفت: ادوارد سوژه‌ی بسیار خوبی دارد و به نظرم پرداخت خوبی روی آن صورت گرفته است. کارگردان جوان این فیلم، سخت‌کوشی زیادی روی این کار انجام داد و برای این فیلم زحمت زیادی کشید و البته هوش بسیار خوبی هم در کار مستند دارد. به نظرم در میان مستندهایی که تاکنون درباره‌ی گروه منافقین درست شده است، این مستند بهترین کار باشد.

مستند «ارثیه پدری»، جدیدترین فیلم مهدی نقویان، مستندساز جوان کشور است. این مستند، روایتی از محمدرضا پهلوی در گذر زمان است که در ۱۵ سکانس روایت می‌شود. روایت داستان از زمان تاج‌گذاری محمدرضا شروع شده و تا هنگام مرگ او در کشور مصر ادامه پیدا می‌کند. سیر روایت داستان در این فیلم، به صورت خطی است و هم‌پا با گذر زمان، کل وقایع شرح داده می‌شود. از جمله اتفاقات مهمی که در فیلم و در این ۱۵ سکانس روایت می‌شود می‌توان به چگونگی به قدرت رسیدن او، محبوبیت محمدرضا شاه پس از فتح آذربایجان، خروج انگلیس از قرارداد‌های نفتی و ملی شدن صنعت نفت، ازدواج او با فرح و ... اشاره نمود.

مهدی نقویان تکنیک جدیدی را برای ایجاد جذابیت در ساخت این مستند استفاده کرده است. در ابتدای هر سکانس از فیلم، دقایقی از یکی از فیلم‌های قدیمی که موضوعی مرتبط با آن حادثه دارد، انتخاب شده و





اضافه شدن بیش از ۳۴۰۰ صندلی به ظرفیت سینماهای حوزه هنری در هشت ماه اخیر

ظاهر نشده و به نظر می‌رسد به استثنای موارد «شاذ» در داخل کشور هم هنوز قدرت تأثیرگذاری و اقتدارش را در تبیین مفاهیم و ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی به دست نیاورده است.

نکته قابل تأمل اینجاست که برغم رهنمودهای موكد رهبری انقلاب در خصوص اهمیت سینما همچنان، این حوزه مهم پویا و شکوفا نشده است و هنوز نتوانسته است جای خود را در سید استفاده خانوارها باز نماید. نگاهی به سخنان مهم رهبری در این زمینه نشان می‌دهد که مانند بسیاری از بخش‌ها در حوزه سینما هم مطالبات ایشان بر زمین مانده است. رهبری سینما را کلید پیشرفت کشور معرفی می‌کنند. ایشان در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۹ آذر ۹۲ از سینما به عنوان رسانه‌ای که در بعد رسانه‌ای یک ناز است نام می‌برند: الان هیچ چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری؛ «سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانه‌ای فوق العاده‌ای است، یعنی واقعا الان هیچ چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری». موضوعی که رهبر انقلاب مطرح می‌کنند نه صرفاً یک اظهار نظر معمولی، بلکه یک نقشه راه است. پیامی روشن برای تمام کسانی که کار رسانه‌ای می‌کنند و می‌خواهند در دنیای ارتباطات سهمی برای تفکرشان باشد. یا می‌فرمایند: «من می‌گویم الان کلید دست شما

فضای فیزیکی سینما یکی از علت‌های مهم روگردانی مردم از سینما دانسته‌اند.

تردیدی نیست که سینما به مثابه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه و ابزار فرهنگ ساز در جهان امروز مطرح است و قدرتها و کشورهای مختلف برای تأمین منافع و اهداف فرهنگی و اجتماعی از آن استفاده می‌کنند. در این میان، غرب توانسته با هوشمندی و اقتدار بیش‌ترین بهره‌برداری و حتی، سوء استفاده را از آن بنماید. در این راستا، سیاست جهانی سازی فرهنگی که به معنای واقعی کلمه باعث امحای فرهنگ‌های ملی و هویت‌های بومی می‌شود محوری‌ترین راهبرد سینمای غرب است.

در این زمینه، به موازات گسترش و فراگیری بی‌حد و حصر سینمای غرب انتظار می‌رفت سینمای ایران که با ارتزاق از منبع غنی انقلاب اسلامی و گفتمان آن دچار تحول و جهش‌های اساسی در رویکردها و ساختارهای محتوایی و حتی، تکنیک و فن‌آوری شده بتواند همپای عرصه‌های علمی، سیاسی، نظامی و بین الملل در سینمای منطقه و جهان هم، جایگاه پرنفوذ و اثرگذاری داشته باشد. اگرچه نمی‌توان درخشش سینمای بعد از انقلاب اسلامی را در فضای فستیوال‌های بین المللی نادیده گرفت ولی باور این است که هنوز این سینما در قامت سینمای جریان ساز

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری در نشستی عنوان کرد: موسسه بهمن سبز ۱۴ سالن و ۹ سینما با ظرفیت بیش از ۴۰۰۰ صندلی را در سال ۹۵ بازسازی کرده و قرار است در سال ۹۶ هم همین تعداد صندلی به ظرفیت سینماهای کشور بیفزاید.

به گزارش سوره سینما، در تازه‌ترین آماری که از سوی محمود کاظمی مدیرعامل موسسه بهمن سبز از مجموعه‌های اقماری حوزه هنری اعلام شده در هشت ماهه سالجاری حوزه هنری بیش از ۳۴۰۰ صندلی به تعداد صندلی‌های سینماهای کشور اضافه کرده و قطعا، این رقم تا پایان سال از مرز ۴۰۰۰ عبور می‌کند. محدودیت سالن‌های سینمایی معضلی اساسی و آشکار در سینمای ایران است. در شرایط فعلی تنها حوزه هنری با همکاری برخی از دستگاه‌های اجرایی در استان‌های مختلف پیگیر جدی این موضوع است. مضافاً، اینکه در چند کالانشهر هم شاهدیم برخی از سرمایه‌گذاران در بخش «مال‌سازی» و «ساخت مجتمع‌های تجاری چند منظوره» بعضاً، سالن‌هایی را برای بهره‌برداری سینمایی پیش‌بینی می‌کنند.

رشد و تقویت سینما، ضرورت توسعه زیرساخت‌های سینمایی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که کارشناسان و متخصصان، نامناسب بودن

ایران قرار دارد.

هند که نزدیک‌ترین رقیب آمریکا است، بیش از ۱۵ هزار سالن سینما دارد و از این لحاظ در رتبه دوم ایستاده است. فرانسه، آلمان، اسپانیا، مکزیک و انگلستان بالاتر از چین و ژاپن دارای بیشترین سالن‌های سینما هستند و کشور ما در رتبه‌های پایین این جدول قرار گرفته در حالی که کشورهای به‌مراتب کوچک‌تری چون تایلند، تایوان، مالزی و بلژیک بالاتر از ایران قرار گرفته‌اند.

کارشناسان معتقدند ابعاد تأثیرگذاری سینما و دیگر تولیدات تصویری به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و نقش آن‌ها در ترویج افکار، رفتار، ارزش‌ها و باورها در بین مخاطبان را می‌توان به نوعی با تعداد مخاطبان آن (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) ارزیابی کرد.

یکی از شاخصه‌های مهم رشد و توسعه فرهنگ و هنر در هر کشوری، وضعیت سینما آن است. سینما در جوامع شهرنشین بدل به یکی از مختصات و مولفه‌های مهم آن شده است.

اغلب کشورها جنبش و انقلاب سینمایی را در پیش گرفته‌اند. کشور ترکیه به بیش از ۲۰ کشور جهان فیلم‌های سینمایی خود را می‌فروشد که درآمدی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار برای کشورش به ارمغان آورده است.

ژنگ مائو چون رییس سازمان سالن‌های سینمایی چین اخیراً عنوان می‌کند: در چین روزانه ۲۱ سالن سینما ساخته می‌شود و تا سال ۲۰۱۷ تعداد سینماهای این کشور به ۸۰۰۰۰ هزار خواهد رسید و در این زمینه از کشور آمریکا پیشی خواهد گرفت. در کشور ما هم از سوی برخی نهادها همچون: حوزه هنری و سینما شهر عزم و اراده جدی برای ایجاد یک نهضت در توسعه زیرساخت‌های سینمایی کلید خورده که نتایج این نگاه: بازسازی سینما آفریقا در شهر مقدس مشهد در استان خراسان رضوی، بازسازی و تبدیل سینما قدس شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی از سینمایی یک سالنه به سینمایی دو سالنه، بازسازی کامل سینما «فلسطین» شهر همدان به صورت دو سالنه، بازسازی و بهره‌برداری سینما «فلسطین» شهر اصفهان و اولین پردیس سینمایی اصفهان به نام «چهارباغ» با چهار سالن، بازسازی سینما «آزادی» شهر ارومیه در آذربایجان غربی که در حال انجام است، بازسازی سینما «آزادی» شهر آبادان، به روزرسانی و نوسازی سینماهای «پیام» و «شاهد» در شهر تهران، همچنین، بازسازی سینما بهمن تهران و... از مجموعه‌هایی که سازمان سینمایی حوزه هنری رقم خورده است. طبیعی است اقدامات به عمل آمده جای قدردانی دارد ولی مطالبه و انتظار در این عرصه بالاست و شایسته است دستگاه‌های اجرایی مختلف همپای حوزه هنری وارد گود شوند. (۱)

می‌شنویم و کاش، دستگاه‌هایی که در چارچوب وظایف شان توجه به توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و سینما به عنوان یک راهبرد اجرایی گنجانده شده پا به پای مسئولان حوزه هنری وارد عمل می‌شده‌اند.

با نگاهی به تعداد سالن‌های سینما در کشور و مقایسه آن با وسعت و جمعیت موجود، فقط ۵ درصد شهرهای کشور سینما دارند و ۹۵ درصد شهرهای ایران فاقد سینما هستند. بجز این واقعیت تاسف‌بار فرهنگی، باید به عدم تجهیز و وضع نامناسب مجموعه‌های نمایشی و فیلم‌هایی که جذابیت‌ها و مولفه‌های لازم را برای فروش ندارند هم به عنوان مشکلات و معضلات اصلی اکران سینمای ایران اضافه کرد. ایران به لحاظ مساحت، هجدهمین کشور جهان و دومین کشور خاورمیانه محسوب می‌شود و از نظر تعداد نفرات هم، بالغ بر ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد، اما طبق بانک اطلاعات سالن‌های سینمای فعال کشور مندرج در وبسایت رسمی انجمن سینماداران ایران، فقط ۲۷۳ سالن سینما در ایران وجود دارد. این در حالی است که اگر برخی فرهنگسراهای کشور را هم - به دلیل این که یکی دو سئانس یا بیشتر در روز یا هفته فیلم‌های روز را نمایش می‌دهند، جزو سالن‌های نمایشی به حساب آوریم، حدود ۳۳۰ سالن سینما در ایران وجود دارد که در مقایسه با فراوانی جمعیت و پهنای وسعت کشور، عدد بسیار کم و ناچیزی است. این در حالی است که طبق استانداردهای جهانی ایران به بیش از ۹۶۰۰ سالن سینما نیاز دارد. آمار دیگر نشان می‌دهد از ۳۱ استان موجود کشور و ۴۰۲ شهرستان و ۱۱۶۷ شهر ایران (براساس آخرین تقسیمات کشوری در خرداد ۱۳۹۱ مندرج در درگاه ملی آمار ایران)، فقط ۷۲ شهر سالن سینما دارند یعنی با یک بررسی ساده از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور به این نتیجه می‌رسیم که تقریباً ۳۵ میلیون نفر به سینما دسترسی دارند و ۴۵ میلیون نفر اساساً، دسترسی به سینما در شهر خود ندارند که عدد قابل تاملی است.

حال این آمار را مقایسه کنیم با کشوری همچون آمریکا. این کشور تا سال ۲۰۱۲ بیش از ۳۹۶۶۰ پرده سینمای سرپوشیده و روباز داشته و سالیانه ده‌ها سینما به این مجموعه افزوده می‌شود و این رقم به بیش از ۴۰ هزار سالن رسیده است. با توجه به جمعیت ۳۱۹ میلیونی آمریکا، به ازای هر هشت هزار تن، یک سالن سینما در این کشور وجود دارد که اگر قرار باشد سینماهای ایران با این کشور مقایسه شود، باید با جمعیت ۸۰ میلیونی کشورمان، بیش از بیش از ده هزار سالن سینما داشته باشیم. یا در کشور همسایه - ترکیه - تعداد سالن‌های سینمایش ۸۶٫۶ درصد افزایش در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۲۰۱۴ به ۲ هزار و ۳۵۶ مورد رسیده است. این در حالی است که این کشور به لحاظ وضعیت تولید فیلم در رتبه پایین‌تری از



اسینماگران است. من شأن سینما را این می‌دانم، من می‌گویم امروز کلید پیشرفت این کشور، به میزان زیادی دست شماست.

اهمیت رشد و تقویت سینما، ضرورت توسعه زیرساخت‌های سینمایی کشور و نقش و جایگاه ممتاز سینماگران در این سخنان پیداست. متأسفانه، نه تنها نسبت به جمعیت و مقایسه با سایر کشورها ما در زمینه سینما رشد طبیعی و معمولی را نداشته‌ایم حتی، دچار رکود و عقب افتادگی هم شده‌ایم. در این زمینه، هر چند دلایلی چون: افت کیفی فیلم‌ها و جدافتادگی با نیازهای جامعه، افزایش قیمت بلیت، دسترسی به انواع فیلم‌های قاچاق و... مطرح است ولی به اذعان کارشناسان و متخصصان نامناسب بودن فضای فیزیکی سینما یکی از علت‌های مهم رویگردانی مردم از سینماهاست. موضوعی که نه دستگاه‌های دولتی و نه بخش‌های خصوصی در این زمینه خوب عمل نکردند و به جز اقداماتی که حوزه هنری انقلاب اسلامی در این زمینه ارائه داده سایر نهادها و مراکز به اقتضای رسالت و مأموریت شان ظاهر نشده‌اند.

در یکی دو سال اخیر، همواره، در گوشه و کنار از جریان بازسازی، نوسازی و ساخت پردیس‌های سینمایی توسط موسسه بهمن سبز که از موسسات و مراکز وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری است



درباره مستند «قائم مقام»؛

چه کسی بنای «حصر» را در تاریخ جمهوری اسلام گذاشت؟

نکته مهم در این اثر، سلوک سیاسی آقای منتظری در دو مقطع تاریخی قبل و پس از قائم مقامی است. واکنش‌های سیاسی آن مرحوم بشدت شبیه واکنش‌های سیاسی میرحسین موسوی در التهابات سیاسی سال ۱۳۸۸ است.

مستند قائم مقام از مستندهای سیاسی قابل اعتنایی است که با تم تاریخ نگارانه‌ای در مورد رویدادهای دهه شصت و سلوک سیاسی آقای منتظری ساخته شده است. پرونده‌ای که پس از انتشار فایل صوتی بی‌بی‌سی، در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷ و سخنان ایشان، بسیار زودتر باید گشوده می‌شد تا برخی فایل‌های تاریخی دوباره مورد ارزیابی حقیقت‌جویانه قرار بگیرد و مردم از حقایق سیاسی دهه شصت مطلع شوند.

مسئله اعدام‌های ۱۳۶۷ موضوعی بود که رقابتی انتخاباتی ابراهیم رئیسی از جمله حسن روحانی در تربیون‌های تبلیغاتی و توسط رسانه‌های غیررسمی مخصوصا کانال‌های تلگرامی هوادارش، زمینه تضعیف رئیسی را در انتخابات ۱۳۹۶ فراهم آورد. این تغییر وضعیت به این دلیل است که نسل جوانی که رای خود را به صندوق حسن روحانی انداخته است، اطلاعات جامعی و واقعی از دهه شصت ندارد، اگر آگاهی رسانی انقلابی نسبت به دهه شصت به صورت دقیقی صورت پذیرد، هیچگاه اعدام‌های ۱۳۶۷ را نمی‌توان نقطه ضعفی برای افراد مرتبط با آن پرونده محسوب کرد. حسن روحانی با سبقه انقلابی قابل اعتنا اگر در

مقامی بود که با آن پرونده ارتباط پیدا می‌کرد، حتی بانی قطعی اعدام‌های ۱۳۶۷ می‌شد؛ نه حسن روحانی، هر مسوولی از انقلاب بود به منافقین مسلح که بر محاربه اصرار داشتند بیش از این مهلت نمی‌داد. باید تاریخ را در مورد سازمان مجاهدین خلق به صورت تصویری و با استناد مقبول به نسل امروز ارائه کرد، تا با صراحت بیشتری از آن ماجرا نوشت. اما نکته جالب این است بسیاری از چهره‌های سیاسی مرتبط با اعدام‌های ۱۳۶۷ در صف اصلاح طلبان ایستاده‌اند و رویکردهای پیشین خود در دهه شصت را نقض می‌کنند. به همین دلیل گشوده شدن پرونده آقای منتظری از هر زاویه‌ای که به آن بنگریم ضرورت بود که با مستند قائم مقام مرتفع شد.

این مستند قابل بحث، اثبات می‌کند هیچکدام از سیاستمداران فعلی نباید با ترس و لرز از اعدام‌های سال ۱۳۶۷ سخن به زبان جاری کنند. اگر این عمل انقلابی اتفاق نمی‌افتاد، قطعاً سازمان مجاهدین خلق در داخل کشور یک جنگ بزرگ داخلی، شبیه داعش به راه می‌انداخت و ایران در همان دوران دهه شصت به سادگی تجزیه می‌شد.

تردیدها درباره اعدام‌های ۱۳۶۷ برخاسته از یک جریان خائن و ضد ملی است. در این مستند، سندهای فراوانی ارائه می‌شود مبنی بر اینکه بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق که پذیرفتند، پس از آزادی هیچ اقدام مسلحانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی

انجام ندهند، به سادگی از حبس‌رهای یافتند و نکته مهمتر این است که در مستند «قائم مقام» با اتکا به یک سند تاریخی نشان می‌دهد وابستگان سازمان مجاهدین که در عملیات مرصاد کشته شده‌اند بیش از یک پنجم آنان از زندان‌های مختلف در ایران آزاد شدند. مستند قائم مقام اثبات می‌کند افراد اعدام شده، در مقام محاربه ایستادند و به صراحت اعلام می‌کردند در صورت آزادی اقدام به عملیات نظامی خواهند کرد. مهمترین دستاورد مستند قائم مقام شیوه اغنایی مولفان است که گره اعدام‌های ۱۳۶۷ را به سادگی باز می‌کند. موضوع مهم این است که بسیاری از مسئولین با یک ترس کاذب سال‌هاست که دلشان نمی‌خواهد که در مورد این مسئله صحبت کنند. اما مستند قائم مقام به خوبی برای متولدان پسا دهه هفتاد اثبات می‌کند، اگر اعدام‌های ۱۳۶۷ نبود، شاید امروز ایران یکپارچه‌ای وجود نداشت. چون دهها و صدها تروریست بالقوه را نه می‌توانستند در زندان مهار کنند و نه می‌توانستند آن‌ها را آزاد کنند.

اما نکته مهم‌تر در این اثر، سلوک سیاسی آقای منتظری در دو مقطع تاریخی قبل و پس از قائم مقامی است. واکنش‌های سیاسی آن مرحوم بشدت شبیه واکنش‌های سیاسی میرحسین موسوی در التهابات سیاسی سال ۱۳۸۸ است، در تاثیر پذیری سیاسی از خانواده. در مستند قائم مقام بحث تفصیلی مهدی هاشمی اول، نمونه تمثیلی از مهدی هاشمی دوم است.

در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت در سال ۱۳۷۶ به ریاست محمد خاتمی رئیس جمهور وقت، دستور به حصر «آقای منتظری» می‌دهد!

این مسئله یک کلید تاریخی است و البته سؤال اینجاست که چرا یکی از شعارهای کلیدی حسن روحانی در مخالفت با حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی است؟ چرا خاتمی با حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی مخالف است، در صورتیکه خودش در مقام رییس شورای عالی امنیت ملی دستور به حصر آقای منتظری می‌دهد. قائم مقام فراتر از مستندی که فقط آنرا تماشا کنیم و لذت ببریم، از تصاویر بکر و آرشو بسیار مناسبی در آن استفاده شده است.

«قائم مقام» موضوع حصر سیاسی را با مثال واضح و آشکار آقای منتظری برای مخاطب حل می‌کند. اصلاح طلبان و میانه‌روها همواره در تاریخ انقلاب به این دوگانگی متهم‌اند و پس از دوم خرداد اقدام به تظہیر گذشته خود کرده‌اند. مثل موضوع تسخیر لانه جاسوسی و سیاست‌های «آمریکادوستی» فعلی آنان است. یکروز از دیوار سفارت بالا می‌روند و روز دیگر سخن از تعامل با کدخدا را بر زبان جاری می‌کنند. این دوگانگی که در بسیاری از اصلاح‌طلبان در راس قدرت وجود دارد، تقریباً کپی شده از روی سلوک سیاسی آقای منتظری است.

اما نکته پایانی این است که طی چند سالی بازخوانی تاریخ دهه شصت از ویژه‌نامه‌های رسانه‌ای و مکتوب، وارد فضای تصویری اعم از مستند و فیلم سینمایی شده است. وقتی مخاطب ماجرای نیمروز را تماشا می‌کند و از آن لذت می‌برد به عنوان یک اثر ارزشمند هنری، در پشت این اثر، به خوبی به توانایی کسی که قلب تاریخ در دهه شصت را به سختی و با مرارت شکافته و در اختیار محمد حسین مهدویان و پرویز امینی فیلمنامه‌نویسان ماجرای نیمروز گذاشته، می‌توان پی برد.

این چهره محبوب، مرد بازخوانی تاریخ در دهه شصت کسی نیست جز حسن روزی طلب؛ که وجودش برای جریان انقلابی بسیار مغتنم است و آنچنان که شایسته است از این مرد زحمت‌کش عرصه تاریخ و رسانه تجلیل نشده است.

وقتی مستند قائم مقام را تماشا می‌کنیم، عمق تاریخی این مستند را باید به حسن روزی طلب نسبت دهیم، کما اینکه بخشی از هویت ماجرای نیمروز را می‌توان به این بزرگمرد نسبت داد. در مستند «قائم مقام» با اینکه نام محمد علی صدری‌نیا به عنوان کارگردان هنری ثبت شده و زحمت فراوانی برای ساخت این اثر کشیده، اما مثل ماجرای نیمروز، در پشت این تابلوی زیبای هنری، حسن روزی طلب را در حال نگارش تاریخ می‌بینیم و این مجال، فرصتی برای قدرشناسی از این چهره فعال رسانه‌ای است. ●

خبرگزاری مشرق



کروبی به همراه دو نفر از سیاسیون دهه شصت در مورد تندروی آقای منتظری، نامه‌ای مشترک به ایشان می‌نویسند تا او دوباره به مسیر وفای به قانون اساسی و تاسی از ولایت فقیه باز گردد.

نسل چهارم و پنجم انقلاب، شناخت دقیق و معینی از هویت سیاسی «حسن روحانی» ندارد. حسن روحانی در مقام یک اعتدال‌گرا از روی مانع بلند انتخابات ۱۳۹۲ پرید و رئیس جمهور شد. مرتبه دوم در انتخابات سال ۱۳۹۶ به مراتب رای بالاتری نسبت دفعه اول آورد اما اهرم بلند حسن روحانی، رفع حصر سران فتنه ۸۸ بود. وقتی مستند قائم مقام را ببینیم، در خواهیم یافت «اول حصر کن عالم» حسن روحانی است.

در مستند «قائم مقام» باز هم بدون هیچ سوگیری به تعریف تازه‌ای از حسن روحانی رئیس جمهور خواهیم رسید. او را مستقل از شعارهای اعتدال‌گرایانه و اتصال اصلاح طلبان‌اش خواهیم شناخت. اگر مستند زیبا و درجه یک «مصاف» را به یاد آوریم، در آن مستند حسن روحانی را مرد اقتدارگرایی در لباس روحانیت شناختیم که در شرایطی که رئیس جمهور وقت نسبت به اعلام واکنش، نسبت به فتنه ۱۳۷۸ تردید داشت از تربیون نماز جمعه با قاطعیتی بدون ملاحظه، به نبرد با فتنه گران گرفت. همین مسئله در مستند «من روحانی هستم» تکرار شد. در مستند «قائم مقام» در مورد سخنان ۱۳ رجب آقای منتظری، باز هم می‌توانیم عملگرایی و انقلابی‌گری حسن روحانی را مرور کنیم. او

مثلی در فرهنگ ایرانی رایج است که می‌گوید «خود کرده را تدبیر نیست» اما در مورد مهدی هاشمی اول و مهدی هاشمی دوم باید نوشت «جرم کرده را تدبیر نیست». آقای منتظری و جبهه سیاسی، علمی و مذهبی خود را با پرونده سیاسی - تروریستی مهدی هاشمی معاوضه کرد. بزرگی می‌فرماید تسلسل تاریخ غیر قابل کتمان است و باز تکرار تاریخ کمتر از ربع قرن در مورد مرحوم هاشمی و مهدی هاشمی دوم، میرحسین موسوی و همسرش، مهدی کروبی و اطرافیان‌ش اتفاق افتاد. شاید بزرگترین و مهم‌ترین سؤال در همین مجال می‌توان با سران فتنه مطرح کرد و افرادی که زوال سیاسی آقای منتظری را به چشم دیده‌اند اما تحت تأثیر یک رویداد ملودراماتیک، در تأثیرپذیری خانوادگی، در سال ۱۳۸۸ در دام‌های بزرگتری افتادند؟!

قائم مقام اثبات می‌کند، داستان‌ها ملودرام قابل تکرار انواع و اقسام مهدی‌های هاشمی بر اساس تئوری تسلسل و باز تکرار تاریخ ادامه خواهد داشت.

«قائم مقام» با مبنا قرار دادن کاراکتر آقای منتظری، راجع به سایر شخصیت‌های جدا افتاده از انقلاب تفسیر و قضای متفاوت به مخاطبش ارائه می‌دهد. سلوک سیاسی آقای منتظری بشدت شبیه محمد خاتمی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی است. اما فیلم در چشمگیرترین لحظاته‌ش، مخالفت میرحسین موسوی را با اعوجاجات سیاسی آقای منتظری به نمایش می‌گذارد و در بخش مهم دیگری از مستند در خواهیم یافت مهدی

طنز، هراس و هیجان با آیت الله منتظری

آرش فهیم

اشاره می‌کند، برای افراد و جوانانی که هیچ شناختی از ماجرا ندارند، بسیار گنگ است؛ یعنی مخاطبی که نمی‌داند مهدی هاشمی که بوده و چه کرده، نمی‌تواند به عمق فاجعه پی ببرد. بنابراین لازم بود ابتدا هاشمی و فعالیت‌های او معرفی می‌شد، در آن صورت، پشتیبانی منتظری از مهدی هاشمی - که برادر داماد وی نیز بود - برای بیننده جوان و حتی شیفتگان و پیروان منتظری نیز تکان‌دهنده می‌شد. همچنین طرح برخی از مطالب طی مستند، خام و ناکامل باقی می‌ماند. برای نمونه، در بخش‌هایی از روایت، اتهامات ناروایی از سوی نزدیکان منتظری به مرحوم احمد خمینی نسبت داده می‌شود؛ از جمله اینکه یکی از آنها مدعی می‌شود برخی از مطالبی که از امام درباره منتظری نقل شده، در اصل متعلق به فرزندش بوده و او حرف‌های خود را به امام راحل نسبت داده است! اما در ادامه پاسخی به این ادعاها که نوعی ناجوانمردی علیه احمد خمینی است، داده نمی‌شود. البته این کمبودها که در مقایسه با کیفیت و قوت کار، جزئی و کم به نظر می‌رسد، به محدودیت زمان فیلم برمی‌گردد؛ چرا که باید حجم گسترده‌ای از مطالب در محدوده‌ای که در حوصله مخاطب بگنجد، به تصویر کشیده می‌شد.

تاریخ انقلاب اسلامی پر از حوادث مکتوم و ناگفته است. حالا که مخالفان انقلاب با دژخیم ماهواره‌ای خود در پی تاریخ‌سازی و جعل وقایع هستند، باید با شتاب بیشتری علیه این دژخیم شورش کرد. مانند «قائم مقام» که روایتی ضد ماهواره‌ای از تاریخ است. ای کاش همه آنهایی که دستی بر دوربین و دلی در گرو حقیقت و عدالت دارند، دست به کار شوند تا جلوی به یغما رفتن تاریخ را بگیرند.

آنچه از سیر تحول آقای منتظری نمایش می‌دهد، موجب حیرت و گاه وحشت می‌شود. تماشای اینکه یک فرد ملقب به فقیه عالی‌قدر و در کسوت جانشینی رهبری انقلاب به جایی می‌رسد که علیه هویت و مبانی فکری و عقیدتی خود قیام می‌کند، مخاطب را دچار شگفتی و هراس می‌کند.

به جز موضوع فیلم، یعنی «آیت الله منتظری» که بسیاری از ناگفته‌های زندگی او برای اولین بار در این فیلم فاش می‌شود - آن هم از سوی نزدیکان و حامیان از جمله فرزند او - کارگردان و به ویژه تهیه‌کننده این اثر نیز افرادی جالب هستند. کارگردان این مستند، محمدعلی صدری نیاست که به دلیل برنامه طنز اینترنتی «دکتر سلام» مشهور شده است؛ اما تهیه‌کننده این فیلم، یک تازه‌وارد در عرصه رسانه است. مهدی صفارهرندی، فرزند حسین صفارهرندی، سردبیر سال‌های گذشته روزنامه کیهان و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم است. آنچه در این میان جلب توجه می‌کند، عمر سازندگان این اثر است که به حدود ۳۰ سال می‌رسد. در دورانی که مستندسازهای حرفه‌ای و کارکشته حوصله یا جسارت ورود به جعبه سیاه رخدادهای مهم و حساس سیاسی و رمزگشایی از آنها را ندارند، نسلی که در دوران انقلاب حضور نداشتند، در پی کشف و ثبت حقایق تاریخی هستند. مستند «قائم مقام» در ساختاری استقرایی طراحی شده است. به این معنا که در هر فصل، یکی از چالش‌های منتظری با نظام را از آغاز و به طور ریشه‌ای روایت می‌کند و این مخاطب است که خود باید به شهود برسد و درباره آن قضاوت کند. هر چند برخی از فصول فیلم، دچار ضعف اطلاعاتی هستند. برای نمونه، فصلی که به ماجرای حمایت منتظری از سیدمهدی هاشمی

تاریخ انقلاب اسلامی پر از حوادث مکتوم و ناگفته است. حالا که مخالفان انقلاب با دژخیم ماهواره‌ای خود در پی تاریخ‌سازی و جعل وقایع هستند، باید با شتاب بیشتری علیه این دژخیم شورش کرد. مانند «قائم مقام» که روایتی ضد ماهواره‌ای از تاریخ است.

ثبت تاریخ در روایتی مستند، توأم با هیجان، کمدی و هراس، خلاصه‌ای از فیلم بحث‌برانگیز این روزها با عنوان «قائم مقام» است. این مستند درباره سیر تحول یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ ایران است؛ مستندی که به گفته سازندگان آن، روایتی منصفانه و البته بدون سانسور از زندگی مبارزاتی و فعالیت‌های سیاسی آیت الله حسین علی منتظری از پیش از انقلاب تا لحظه فوت است. حضور چهره‌هایی چون عمادالدین باقی، هاشمی رفسنجانی، محمد منتظری، سیدمحمد خاتمی (البته تصاویر آرشیوی)، داماد آیت الله منتظری و برخی از شخصیت‌های سیاسی مطرح دیگر کشور در کنار تصاویر به جا مانده از سوژه، مخاطب را به سفری در اعماق گذشته‌ای نه چندان دور می‌برد. این فیلم، مستندی است پر از نکات و لحظات دراماتیک از تاریخ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و شخصیت‌های تراز اول آن. موقعیت‌هایی مانند بیان خاطرات ناطق‌نوری از حرف‌های خاص آیت الله منتظری به ویژه وقتی سعی می‌کند لحن و بیان منتظری را تقلید کند، دیدن حسام‌الدین آشنا با لباس روحانیت، بخش‌هایی از سخنرانی‌های پرشور منتظری، چگونگی سر درآوردن فیلم‌ها و بیانیه‌های وی از رسانه‌های دولتی انگلیس، افرادی که حکم حصر منتظری و دستور جمع‌آوری عکس‌های او از اماکن عمومی را صادر کردند و...، موقعیت‌هایی ناب هستند که گاه جنبه طنزآمیز می‌یابند و گاه تنبه‌آمیز. این فیلم





مدیر عامل موسسه بهمن سبز:

چه کسی جواب ۱۱ روز تعطیلی سینما شاهد را می‌دهد؟

مدام ما را از بخشی به بخش دیگر می‌فرستند. وی گفت: چه کسی جواب ۱۱ روز تعطیلی سینما را می‌دهد؟ چرا پس از تحمیل این هزینه‌ها کسی پیگیر باز کردن سینما شاهد نیست؟ مسبب اصلی همه این اتفاقات چیست؟ چه کسی ضرر و زیان ما را تقبل می‌کند؟ اگر بحث ایمن‌سازی سینماها مهم است چرا دولت و موسسه سینماشهر در این راه قدمی بر نمی‌دارند؟ آیا همه سینماهای فعال طبق آیین نامه عمل می‌کنند و مهر تایید آشنشانی و شهرداری دارند؟ محمود کاظمی افزود: سینما شاهد با قدمت بیش از ۵۰ سال کوچکترین خطری برای مردم ایجاد نکرده اما پردیس سینمایی کوروش چندی پیش با مشکل حریق مواجه شد ولی چنین سرنوشتی پیدا نکرد. به هر حال حادثه در هر جایی ممکن است رخ دهد ولی چرا فقط سینما شاهد باید در گیر این باز یها شود؟ می‌گویند تا عوارض نوسازی پرداخت نکنید امکان بازگشایی وجود ندارد واقعا مساله نگرانی از بحث ایمن سازی است یا تامین در آمد؟ عوارض دقیقا چه نقشی می‌تواند در ایمن شدن یک سینما داشته باشد؟ چرا باید ضرب الاجل یک مکان فرهنگی را تعطیل کنند در حالیکه همیشه می‌گوییم تعداد سینماهای ما کم است و مردم نیاز به سالن‌های بیشتر دارند؟

وی در پایان اشاره کرد: تعطیلی یک مکان فرهنگی وجهه خوبی ندارد. ما به تمامی آنچه گفته شد عمل کردیم تا در سینما بسته نباشد تمامی هزینه‌ها را متقبل شدیم ولی اگر واقعا این مساله برای همه انقدر جدی است باید بودجه برایش در نظر بگیرند و برای روی پا ماندنش همه کمک کنند نه اینکه فقط مانع راه شوند. ^①

اطفای حریق، فراهم کردن کپسول آشنشانی و نصب پمپ و لوله‌های فشار قوی آب به این مهم توجه داشتیم. به هر حال حفظ جان مردم در اولویت ما قرار دارد و این مساله‌ای نیست که نیاز به تذکر داشته باشد.

کاظمی با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد سینماهای جدید و قدیمی فاقد نکات ایمنی هستند، ادامه داد: در اولین نامه‌ای که روزهای اول آذر به دست ما رسید نوشته بودند باید تا تاریخ ۷ آذر ماه نقشه سینما را در اختیار کارشناس مربوطه قرار دهید و علاوه بر نصب کپسول، حضور یک آشنشان در سه شیفت الزامی است که هزینه‌اش به عهده سینما خواهد بود. ضمن اینکه یک تعهد محضری از ما مطالبه کردند مبنی بر اینکه همه نکات رعایت می‌شود.

وی عنوان کرد: بعد از دریافت این نامه پیگیری انجام امور بودیم که متوجه شدیم ۳ روز قبل از موعدی که خودشان به آن اشاره کرده بودند سینما شاهد را تعطیل کردند. با این حال بر اساس آنچه از ما خواسته شده بود تمامی مطالبات را انجام دادیم ولی پس از ۱۱ روز همچنان در سینما بسته است چون شهرداری می‌گوید آشنشانی باید نامه دهد و وقتی به آشنشانی مراجعه می‌کنیم می‌گویند از شهرداری باید پیگیری کنید.

مدیر عامل موسسه بهمن سبز با اشاره به اینکه بعد از ۱۱ روز پیگیری هیچکس پاسخ روشنی نمی‌دهد، گفت: آشنشانی ما را موظف کرد یک نفر را ۳ شیفت در سینما داشته باشیم و برای این منظور تا کنون ۷ میلیون تومان هزینه کردیم. نزدیک به ۶ میلیون هم هزینه بقیه اموری شد که پیش از این خواسته بودند همه اینها در کمترین زمان ممکن انجام شد ولی کسی به باز شدن این سینما کوچکترین اهمیتی نمی‌دهد و

سینما شاهد تهران علی‌رغم رعایت تمامی نکات ذکر شده مبنی بر ایمن‌سازی ساختمان به دلیل بی‌توجهی شهرداری پس از ۱۱ روز همچنان تعطیل است.

به گزارش سوره سینما، در اولین روزهای آذرماه ۹۶ خطاریه‌ای از سوی آشنشانی و شهرداری منطقه ۸ به دست مسئولان سینما شاهد رسید مبنی بر اینکه اگر تا تاریخ ۷ آذر ماه نکات مطرح شده برای ایمن‌سازی و تجهیز سینما لحاظ نشود این مکان فرهنگی تعطیل خواهد شد اما قبل از فرارسیدن موعد مقرر در تاریخ شنبه ۴ آذرماه این سینما به دستور شهرداری رسماً از فعالیت بازماند و علی‌رغم اینکه متولیان تمامی دستورات را رعایت کرده و متحمل هزینه شده‌اند سینما شاهد هنوز اجازه از سرگیری فعالیت ندارد.

محمود کاظمی مدیرعامل موسسه بهمن سبز در گفتگو با خبرنگار سوره سینما در این باره توضیح داد: از طرف شهرداری و آشنشانی بعد از حادثه ساختمان پلاسکو و زلزله‌های اخیر نامه‌هایی به دست ما رسید مبنی بر اینکه شرایط ایمن‌سازی باید در این محل فراهم شود. این در حالی است که بسیاری از سینماهای شهر هر کدام بیش از ۵۰ سال قدمت دارند و تا کنون از هیچ کدام شان چنین درخواستی نشده است. از طرفی سینما شاهد علی‌رغم عمر بنای خود همیشه محلی امن برای مشتریان و عابران بوده و هیچ خطری آن را تهدید نمی‌کند.

وی افزود: با این وجود اوایل آذر ماه نامه‌ای به دست ما رسید که سینما شاهد باید ایمن‌سازی شود. در حالیکه سینما از قبل تمامی موارد ایمنی را رعایت کرده بود و ما هر بار با تصحیح تاسیسات، نصب سیستم اعلام و

کارگردان «ابوایست»:

مجید انتظامی هنرمندی خودساخته است

اعضای ارکستر قبل از اینکه شروع به نواختن کنند ساز خودشان را با ابوا کوک می کنند. این ساز مثل رهبر می ماند اول او می نوازد و همه با آن همراه می شوند. محمدی گفت: نوازنده ها می گویند هر نوازنده ای از

نظر خلق و خو شبیه سازش می شود و این بین خودشان یک مثل معروف است. ابوایست ها نیز به خاطر ویژگی های این ساز غالباً درونگرا می شوند. این ساز شادی نیست ساز انزوا، ادراک عمیق و درد است. مجید انتظامی هم فردی است که رنج را درک می کند. به هم رسیدن انتظامی و این ساز باعث شد «ابوایست» را انتخاب کنم و سعی کردم ویژگی های ساز را در لایه های زیرین مستند و ارتباطش با سوژه بیاورم.

وی عنوان کرد: به خاطر راضی کردن ایشان و همچنین مسایل مالی تولید این اثر ۵ سال طول کشید و خوشحالم که در جشنواره سینما حقیقت هم پذیرفته شده است. این کار به خاطر ارزش و اعتبار سوژه اش حتما دیده می شود. تا چند ماه پیش شاید دریافت جایزه هم برایم مهم بود اما بعد از بزرگداشتی که برای ایشان برپا شد و این مستند بین اهالی هنر به نمایش درآمد احساس کردم آنچه از خروجی این کار می خواستم را گرفتم. مستند «ابوایست» زندگینامه مجید انتظامی را روایت می کند. مجید انتظامی متولد ۱۸ اسفند ۱۳۲۶ در تهران آهنگساز،

نوازنده ابوا و مدرس موسیقی است و از آهنگسازان برجسته سینمای ایران به شمار می آید. او از دهه ۱۳۵۰ برای بیش از ۸۰ اثر سینمایی موسیقی متن نوشته است و با دریافت ۴ سیمرغ بلورین برای فیلمهای «بای سیکل ران»، «روز واقعه»، «ژانس شیشه ای» و «دیوانه ای از قفس پرید» مشترکاً به همراه حسین علیزاده و محمدرضا علیقلی برنده بیشترین سیمرغ بلورین در

بخش بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر است. ۱۵

دارد و اندیشه اش نسبت به تصویر و هماهنگی آن با موسیقی واقعا قابل توجه بود. او همه این اندیشه ها را به راحتی در اختیار ما قرار می داد و فرصت مغتنمی برای استفاده از این دانش بود.



وی همچنین درباره دلیل نامگذاری این مستند با عنوان «ابوایست» توضیح داد: ساز اصلی مجید انتظامی ابوا است. ابوا ادامه سرنای ایرانی است و چون نواختن آن انرژی زیادی از انسان می گیرد در زمره سازهای سخت قرار دارد. این ساز صدای تیزی دارد و همه

امیرصادق محمدی که با مستند «ابوایست» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در یازدهمین جشنواره سینماحقیقت حضور دارد مجید انتظامی را هنرمندی خودساخته توصیف کرد.

امیرصادق محمدی کارگردان مستند سینمایی «ابوایست» در گفتگو با خبرنگار سوره سینما درباره چگونگی تولید این اثر بیان کرد: بنا به حرفه فیلمسازی ام مدتی به کلاس موسیقی متن که مجید انتظامی تدریس می کرد رفتم و تا قبل از آن او را به واسطه فعالیت های هنری اش می شناختم و آشنایی نزدیکی نداشتم.

وی افزود: این کلاس توجه من را به رفتار و خلق و خوی ایشان جلب کرد و احساس کردم مجید انتظامی ویژگی های منحصر به فردی دارد که برجسته ترین آن خودساختگی است. به نظر من این خصیصه واقعا کمیاب است و معمولاً به همین راحتی تبدیل به هنر والا نمی شود اما او به واسطه سختی هایی که در کودکی کشید و تحمل مشکلات شدید یک دوره بیماری به نگاهی متفاوت در زندگی اش رسید.

محمدی اشاره کرد: با توجه به اینکه او پسر عزت الله انتظامی است اما جالب است بدانید برای رسیدن به جایگاه کنونی اتفاق ویژه ای از سمت پدر برایش نمی افتد و او خودش زندگی را پیش می برد. زمانی که ساخت این مستند برایم مهم شده بود شخصا فکر می کردم پدر تاثیر خاص و شگرفی بر پسرش داشته باشد اما همه چیز بر پایه استعداد و توانایی مجید انتظامی استوار شد. این هنرمند شرایط خوبی برای زندگی در خارج از کشور دارد اما هیچ وقت به آن فکر نمی کند.

وی ادامه داد: علاوه بر همه اینها تواضع مجید انتظامی مثال زدنی است و هیچ ردپایی از غرور در رفتار و منش او دیده نمی شود. اولین ارتباطات هم به واسطه همین خصوصیات شکل گرفت و این انگیزه را در من به وجود آورد که مستندی از زندگی ایشان را جلوی دوربین ببرم. وقتی این پیشنهاد را مطرح کردم ایشان گفت خودت را اذیت نکن من فیلم می خواهم چکار؟ این پاسخ شان از سر تواضع بود و سخت می شد راضی اش کرد.

امیرصادق محمدی اضافه کرد: مستندهای دوستانم را برایش می بردم و ایشان خیلی راحت نظراتش را بیان می کرد. به کار خودمان که رسیدیم من به واسطه سن کم و غرور جوانی اوایل برداشت درستی از این اظهار نظر نداشتم اما کم کم احساس کردم چه نگاه عمیقی



سینمای ایران، مردم گرایی یا عامه پسندی

یک منتقد سینما در سخنانی اعلام کرد: امروز نگاه به سینمای ما، نگاه دولتی است و همین باعث می شود سیاست در انتخاب فیلم ها نقش ایفا کند، طوری که سیاست در فیلم موثرتر از هنر است و این مسئله باعث می شود مخاطب از فیلم ها استقبال نکند.

به گزارش سوره سینما، داوود موثق کارگردان سینما در برنامه شهر فرهنگ با موضوع «سینمای ایران، مردم گرایی یا عامه پسندی» گفت: در شرایط بحرانی فعلی سینما هر کارگردانی که بتواند تماشاچیان را جلب سینما کند، هنرمند است و باید طبق سلیقه تماشاگر عمل کند.

وی افزود: اگر بتوانیم سلیقه مخاطب را بالا ببریم، فیلمساز می تواند فیلم بهتری تولید کند.

موثق گفت: شورای پروانه تمام مراحل ساخت فیلم را طی می کند و ما در شرایطی هستیم که باید قوام و دوام سینما را حفظ کنیم.

اگر فیلمساز بتواند از عناصر موفق گذشته استفاده کند و با عوامل جدید تلفیق کند، مشکلی پیش نمی آید. این کارگردان سینما ادامه داد: ما باید از همان نقطه صفر یعنی شورای پروانه فیلمسازی آغاز کنیم، در حال حاضر جوهره همه فیلمها کاملاً شبیه هم هستند و در قسمت پخش هم، دوباره فیلمها سوژه های تقریباً

واحدی دارند.

موثق گفت: اکنون فیلمسازی مشکلات زیادی دارد؛ بنیاد فیلمسازی وام نمی دهد و برای پخش و دیگر مراحل هم مشکلات افزون شده است. تلویزیون هم دیگر فیلم های سینمایی را پخش نمی کند و در حالی که سیستم حقیر شده، ما بزرگ به آن نگاه می کنیم.

جبار آذین منتقد سینما دیگر میهمان برنامه در ادامه گفت: سرمایه اصلی سینما تماشاگر است و توجه به فرهنگ و شعور مخاطب شرط اصلی تولید فیلم است اما نباید به نازلترین شکل تن داد.

آذین افزود: سینمای کنونی ما به انواع مشکلات و معضلات دچار است.

او گفت: تعدادی از سینماگران ما خود را در جایگاهی قرار دادند و فیلم هایی تولید کردند که کپی فیلم های قبل از انقلاب است و دیگر اکنون تاریخ مصرف ندارد و نیاز کنونی جامعه ما را پاسخگو نیست.

آذین گفت: فیلم فارسی داروی قلبی برای درمان سینماست.

وی افزود: اشکالی ندارد با سلیقه مخاطب فیلم ساخته شود اما نه مخاطب ۵۰ سال گذشته.

آذین تاکید کرد: امروز نگاه به سینمای ما، نگاه دولتی است که در هیچ کشوری این گونه نیست و همین امر باعث می شود سیاست در انتخاب فیلم ها نقش ایفا کند و کسانی در فیلم دست اندرکارند که تخصصی در فیلم ندارند و سیاست در فیلم موثرتر از هنر است که معمولاً با استقبال مخاطب روبرو نمی شود زیرا به جای اینکه حرف دل مخاطب را بزند، حرف دولت را انتقال می دهد.

آذین در خاتمه خاطر نشان کرد: البته باندهای سینمایی هم در کاهش کیفیت فیلم ها تاثیر بسزایی دارند. ■

آب گل آلود سینما، خواب سنگین مدیران و یکه تازی فیلمفارسی سازان!

جبار آذین

خویش در صدد کودتای فیلمفارسی، ضد سینمای ایران اند. و این همه در حالی است که متولیان سینما در اوج غفلت اند و سینماگران حرفه ای و با سابقه و جوانان خوش فکر سینما، هیچ نوع حامی مالی و معنوی در سینما و تولید آثار سینمایی ندارند و از ما بهتران و نالایقان و کارنابلدها در سینما، صاحب پست و مقام و بودجه و امکانات تولید و اکران فیلم اند. سینما با سرعت به سرانجام سقوط نزدیک می شود، آیا کسی هست برای درمان و اصلاح سینما وارد میدان شود؟!

سینمای موسوم به فیلمفارسی، با فرصت طلبی و سواستفاده و مطرح کردن فیلمک ها و فیلمفارسی سازان، فضا را با تبلیغات و توجیه فیلم های کپی شده و شبه فیلمفارسی خود و فیلم نماهای دوران ابتدال سینما در رژیم گذشته و فیلمفارسی های تولید شده در اوایل رخداد انقلاب و دوران گذار جامعه، آلوده تر کرده و به نیش قبر و به زعم خود احیای سینمای منحل ضد اخلاقی، ضد ارزشی و ضد انسانی فیلمفارسی مشغول بوده و به خیال

در حالی که اوضاع مدیریت، تولید و اکران و مناسبات سینمایی کشور، همچنان آشفته و بحرانی است و در شرایطی که برخی مدیران و سینماگران و رسانه های دولتی و ارگانی و هواداران آن ها مشغول جدل و افشاگری و زیرآب زنی و روشنگری ضد یکدیگراند و دوغ و دوشاب بدجوری قاطی شده است و باندهای سینمایی با خیال راحت و زیرکی به صید پول های تولید و اکران فیلم ها سرگرم هستند، گروهی از اخلاف، بازماندگان و کارچاق کن های

محمد حسن یادگاری، کارگردان مستند «بهت میاد»

در حوزه مد و لباس مقلد هستیم نه مولد!

مستند «بهت میاد» از جمله جدیدترین تولیدات مرکز مستند سوره حوزه هنری است که محمد حسن یادگاری کارگردانی آن را بر عهده دارد. این اثر با موضوع تاریخ مد و پوشش در ایران و مدل مواجهه جامعه ایرانی با آن از شهریورماه سال ۹۵ در پروسه تحقیق و پژوهش قرار گرفته و بتازگی تدوین آن به پایان رسیده و قرار است عصر دوشنبه ۱۳ آذرماه در حوزه هنری رونمایی شود. به بهانه رونمایی از این مستند گفت‌وگویی کوتاه با محمد حسن یادگاری، کارگردان این اثر داشتیم.

احسان سالمی



نداده است. درواقع تمایل چندانی برای ایجاد یک سیاست‌گذاری نظام‌مند برای این موضوع در داخل کشور وجود ندارد.

منابع موجود در ارتباط با این موضوع چگونه است؟
این سوال از این نظر مهم است چون وزارت ارشاد چند سالی است که کارگروهی در ارتباط با موضوع مد و لباس تشکیل داده و خروجی‌هایی در زمینه برگزاری نمایشگاه لباس هم داشته ولی آیا در حوزه‌های پژوهشی و سیاست‌گذاری نیز فعالیت‌هایی داشته و شما در تحقیقات خود از این منابع استفاده کرده‌اید؟

واقعیت این است که فعالیت‌های صورت گرفته تا به امروز خیلی معطوف به موضوع «مد» نبوده و من نیز نمی‌خواهم در اینجا در ارتباط با کیفیت کارهای صورت گرفته در این حوزه حرفی بزنم بلکه همه حرف ما این است که ما در حوزه مد، لباس، آرایش و زیبایی تا به امروز فرهنگ مقلدی داشته‌ایم، نه مولد! این در حالی است که ما در طول تاریخ بویژه در دوره صفویه فرهنگ مولدی در این حوزه داشتیم بعد از درک این موضوع باید بتوانیم درباره راهکارها و اینکه چه باید کرد، صحبت کنیم.

پروژه‌های بعدی شما در حوزه مستندسازی چیست؟

مستندی به نام «فوتبال علیه دشمن» است که پروژه‌ای پژوهشی و راوی محور محسوب می‌شود. این کار، مستندی آرشیوی است که در آن، تاریخ فوتبال را از منظر اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار داده‌ایم و قرار است همین هفته از شبکه مستند پخش شود. در کنار آن نیز سؤزهای در ارتباط با تاریخ معاصر داریم که مربوط به کودتای ۲۸ مرداد است. در ارتباط با موضوعات اجتماعی مثل مواد مخدر و مسکن نیز ایده‌هایی داریم که البته نگاهم به آنها نیز بر مبنای توجه به بسترهای تاریخی آنهاست. 🌐

بیشتر توجه قشر خاکستری به این اثر است. ما سعی کردیم بر موضوعی دست بگذاریم که واقعا کمتر کسی به آن پرداخته است؛ بحث بازار لوازم آرایشی، بحث مدلینگ و اثرگذاری‌های تاریخی این حوزه که همواره رویکردهای فرهنگی در آن وجود داشته است، مثل سبک‌هایی که در زمینه پوشش و مدل مو همواره وجود داشته است. ما در این مستند از اثرگذاری چهره‌هایی مثل فرح و گوگوش بر مدل‌های ارائه شده در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ایران و سیاست‌گذاری پشت آن پرداخته‌ایم، البته این تغییر و تحولات در دوره‌های بعدی و همچنین قبلی آن نیز وجود داشته که ما در این مستند به آنها نیز پرداخته‌ایم.

شما در بررسی اتفاقات پیش آمده در حوزه مد و حجاب به دوره قبل از انقلاب بیشتر از سال‌های پس از انقلاب پرداخته‌اید و در واقع آن را به شکلی مصداقی‌تر بررسی کرده‌اید اما روایت شما از دوره بعد از انقلاب کلی‌تر و بدون ذکر مصداق است. دلیل این موضوع چیست؟

دلیل این موضوع را باید در تفاوت این دو دوره به لحاظ وجود سیاست‌گذاری نظام‌مند در آنها دید. در دوره قبل از انقلاب از دوره قاجار گرفته تا دوره پهلوی بویژه اواخر آن، یک سیاست‌گذاری نظام‌مند در ارتباط با موضوع مد و حجاب وجود داشته است. واقعیت این است که ما حتی در زمینه چادری شدن خانم‌ها در سال‌های بعد از انقلاب هم شاهد یک سیاست‌گذاری نظام‌مند نیستیم. برای همین خیلی راحت نمی‌توان در ارتباط با این موضوع در سال‌های بعد از انقلاب به تعیین مصداق پرداخت چرا که شرایط به شکلی آشفته بوده و نمی‌شود آن را به همان شکل که دوره قبل از انقلاب را تحلیل می‌کنیم، مورد تحلیل و بررسی قرار بدهیم. موضوع، موضوعی بشدت سخت است چون اساسا هیچکس کار پژوهشی چندانی در ارتباط با این موضوع انجام

چه شد که محمدحسین یادگاری تصمیم گرفت مستندی با موضوع مد و حجاب بسازد؟

موضوع حجاب یکی از مسائل مهم فرهنگی بعد از انقلاب است و با نگاهی به وضعیت فعلی جامعه نیز می‌توان به این نکته پی برد که این موضوع الان نیز یکی از مسائل فرهنگی جامعه است. ما تحقیقاتی را در حوزه علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی انجام دادیم و خطوطی را در زمینه تغییر و تحولات عرصه مد و لباس در داخل کشور و اثراتی که از جریان‌های خارج از کشور بر این تغییر و تحولات موثر بود، پیدا کردیم و این در واقع مقدمه‌ای برای ورود ما به این موضوع شد.

مخاطب «بهت میاد» چه طیفی از زنان جامعه هستند؟

از همان ابتدا نکته مورد اهمیت برای ما انتخاب رویکرد برای ورود به موضوع بود چرا که نگاه‌هایی که به مقوله مد و حجاب وجود دارد از مدل گشتارشادی آن شروع می‌شود و تا نگاه و مدل مورد نظر رسانه‌هایی همچون «من و تو» نیز گسترش می‌یابد. یعنی در این حوزه افراط و تفریط‌های مختلفی وجود دارد ولی ما در این مستند بیشتر مخاطب قشر خاکستری را مدنظر قرار دادیم. مخاطبی که بیشتر متأثر از شرایط پیرامون‌شان پوشش خود را انتخاب می‌کنند و نه صرفاً از روی اعتقاد یا باور به موضوعی خاص. زمانی ممکن است چادر پوشیدن برای جامعه مد باشد و آنها نیز چادر می‌پوشند. دوره‌ای دیگر روسری مد جامعه می‌شود که آنها سراغ روسری می‌روند و... ما بیشتر سعی کردیم به این مخاطب توجه کنیم چرا که آن مخاطبی که حزب‌اللهی است و سراغ حجابی مثل چادر رفته، درواقع توانسته در اوضاع آشفته فعلی در عرصه حجاب، راه خود را پیدا کند و آن مخاطبی هم که اساساً هیچ اعتقادی به حجاب ندارد، تأثیر چندانی از اثر ما نخواهد پذیرفت؛ هدف

یادداشت رئیس حوزه هنری مازندران
به بهانه پیروزی جبهه مقاومت اسلامی
بر علیه داعش:

صبح پیروزی نزدیک است



نابودی داعش نه فقط شکست یک گروه تکفیری بلکه شکست چندباره نظام سلطه در مقابله با جبهه مقاومت با محوریت انقلاب اسلامی ایران است.

از این جهت «محوریت انقلاب اسلامی ایران» را مطرح می‌کنم تا بر این نکات تأکید نمایم که اولاً جنبش‌های انقلابی-اسلامی معاصر ملهم و متأثر از انقلاب اسلامی ایران و تفکرات امام خمینی (ره) است و ثانیاً یکی از مهم‌ترین اهداف و احتمالاً هدف نهایی نظام سلطه در طراحی این قبیل جنگ‌ها و آشوب‌ها، ایران اسلامی است.

نبرد تمام عیاری که بین داعش به عنوان نماینده‌ی نظام سلطه با جبهه مقاومت اسلامی در گرفت گسترده‌تر از آن بود که بتوان آن را جنگی نیابتی نامید و یا به آن گروه پلید فقط صفت تکفیری اطلاق کرد. جنگ در عراق و سوریه، جنگی مستقیم و زمینی رودرروی دو نظام، دو نوع تفکر و دو نوع ایدئولوژی بود.

جنگی که از سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ میلادی با عاملیت ناتوی فرهنگی و با وظیفه مبارزه ایدئولوژیک و فرهنگی علیه انقلاب اسلامی آغاز شد و نظام سلطه با محوریت صهیونیسم بین‌الملل به طرق مختلف و با روش‌های ترکیبی نرم و سخت این جنگ و دشمنی را ابراز کرد و از به کار بردن هیچ کید و فتنه‌ای علیه این ملت و مملکت فروگذاری نکرد.

بدون تردید پیروزی جبهه مقاومت انقلاب اسلامی بر جبهه صهیونیستی-امریکایی (با همه عده و عده‌اش) بر وحشت فزاینده غرب سکولار خواهد افزود و بیم آن‌ها را از صدور انقلاب اسلامی ایران و در واقع نتایج آگاهی بخش انقلاب اسلامی ایران در میان مسلمانان، بیش از پیش خواهد کرد.

معتقدم یکی از وجوه کار فرهنگی بصیرت‌افزا، تحلیل دقیق و بیان همین مسئله است که پس از این شکست خوارکننده، نظام سلطه بیکار نخواهد نشست و همه توان و امکانات خود را علیه انقلاب اسلامی و جوهر و جان این انقلاب یعنی ولایت فقیه که رکن اصلی این پیروزی درخشان برای جبهه مقاومت اسلامی بوده است به کار خواهد بست.

بنابراین نباید سرسست پیروزی شد و تنگه‌های احشکن را نباید رها ساخت، جنگ به روزهای حساس و دشوار خود رسیده است، حالا دیگر اسلحه، دست‌های چدنی با دستکش مخملی یا جنبش‌های رنگین‌کمانی و موجی نیست. هنگامه بصیرت است و بیداری، «مالک» می‌خواهد و «عمار»، باید هوشمندانه و آگاه‌تر از قبل در صحنه ماند و پایداری کرد که دفاع همچنان باقی است و تا محو نظام سلطه و اسرائیل غاصب ادامه خواهد یافت که صبح پیروزی نزدیک‌تر از همیشه است؛ ان شاء الله. ﴿﴾

سینا دلشادی



مهدی نقویان:

تاج‌گذاری شاه تامر گش

رادر «ارثیه پدری» روایت کردم

نمایش می‌دهیم. در حقیقت اسم هر سکانس مرتبط با اتفاقات زمانی حکومت او است. من از چنین تکنیکی در مستند «رمز و راز ملکه» استفاده کردم که در آن از نمایش‌نامه‌های شکسپیر استفاده شد. هم چنین مستند «گاو خشمگین» را همراه با فیلم‌های هالیوودی، به کمک چنین تکنیکی ساختم.

این کارگردان مستند درباره موضوع تعدادی از این سکانس‌ها گفت: در هر مقطع زمانی، یک ویژگی رفتاری شخصی محمدرضا شاه، بیش‌تر خود را نشان می‌دهد، بنابراین برای نمایش فرار او از کشور، اسم «فرار از تله» را انتخاب کردیم. همچنین عنوان‌های «تنگنا» و «سلطان قلب‌ها» را برای دو مقطع زمانی از حکومت پهلوی انتخاب کردیم. مقاطع مهمی که برای نمایش انتخاب کردیم، چگونگی به قدرت رسیدن او، محبوبیت محمدرضا شاه پس از فتح آذربایجان، خروج انگلیس از قرارداد‌های نفتی و ملی شدن صنعت نفت، ازدواج او با فرح و... است.

نقویان درباره روند تولید این مستند ۱۲۰ دقیقه‌ای گفت: اکثر تصاویر این مستند، آرشیوی است اما تصاویر گرافیکی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. هم چنین عکس گرافیک و موشن گرافیک نیز وجود دارد. اولین نمایش و رونمایی «ارثیه پدری» در جشنواره سینما حقیقت خواهد بود.

مهدی نقویان کارگردان این مستند است و مهدی فیاضی کیا نویسنده آن است. پیمان توسلی صداگذار این فیلم است و حسن جعفری آن را تدوین نموده است. این مستند به تهیه‌کنندگی مرکز مستند سوره و اداره کل فیلم و نمایش بسیج تولید شده است. ﴿﴾

تسنیم

مهدی نقویان در جدیدترین مستندش سراغ تاریخ پهلوی دوم رفته است. او زندگی محمدرضا شاه را از زمان قدرت گرفتنش در ایران تا مرگش در مصر به تصویر کشیده است. مهدی نقویان کارگردان مستند است. در کارنامه هنری او آثار زیادی دیده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به مستندهای «برادران»، «رمز و راز ملکه»، «گاو خشمگین»، «بازی»، «زخم تازه» و... اشاره کرد که بسیاری از آن‌ها مورد توجه جشنواره‌های مختلف قرار گرفته است.

پس از اعلام مستندهای راه‌یافته به بخش شهید آوینی جشنواره سینما حقیقت، مشخص شد که مستند «ارثیه پدری» به کارگردانی مهدی نقویان نیز در این بخش پذیرفته شده است.

مهدی نقویان درباره داستان این مستند به خبرنگار خبرگزاری تسنیم گفت: داستان این مستند، روایتی از محمدرضا پهلوی در گذر زمان است که در ۱۵ سکانس روایت می‌شود. در حقیقت، از زمانی که او در ایران به قدرت می‌رسد تا هنگامی که در مصر می‌میرد را به تصویر کشیدیم. سیر روایت داستان در این فیلم، به صورت خطی است و هم‌پا با گذر زمان، کل وقایع را می‌بینیم.

وی ادامه داد: برای جذاب‌تر شدن فیلم اقداماتی انجام دادیم، برای مثال در هر یک از سکانس‌های فیلم، ارجاعی به فیلم‌های زمان شاه (فیلم‌فارسی) داده‌ایم و آن را براساس نام آن فیلم قدیمی، اسم‌گذاری کرده‌ایم. بنابراین ۱۵ سکانس فیلم ما، با نام ۱۵ فیلم‌فارسی آغاز شده و قبل از ورود به هر سکانس، تکه‌هایی مرتبط از آن فیلم را



در نشست نقد و بررسی «بهت میاد» مطرح شد:

مشکل ما در مساله پوشش، تعاریف خودمان است نباید تک بعدی نگاه کرد

و هر آنچه مد می شد را می گفتند به زودی می گذرد. وی افزود: به نظر من این مستند کاملاً پتانسیل سریال شدن دارد چون نکات بسیاری برای طرح دارد که به دلیل محدودیت زمانی امکان گنجاندن آن وجود نداشت. بسیاری از افراد هم از مصاحبه در این مستند شانه خالی کردند چون حرفی برای گفتن نداشتند. مراجع نیز می گفتند باید به قرآن و احادیث رجوع کنید اما جوانان امروز قبول نمی کنند. در حالیکه رسانه های غربی برای همه چیز با جزییات برنامه ریزی کرده است ما نسبت به پوشش زنان بی توجهیم و یادمان باشد اگر ما این موضوع را جدی نگیریم پای بیگانگان را باز خواهیم کرد.

پس از این سخنرانی مستند «بهت میاد» نمایش داده شد و بعد از آن نشست نقد و بررسی با حضور مسعود کوثری پژوهشگر حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه شناسی و حمید قبادی دبیر کارگروه مد و لباس برگزار شد. کوثری در ابتدای سخنان خود بیان کرد: بحث مد، وضعیت لباس و پوشش یک فرایند جدایی ناپذیر از اتفاقات جهان است و تنها به

وی افزود: این مستند به موضوعی می پردازد که پیش از این درباره آن کار نشده بود و صرفاً تاریخ شفاهی آن را روایت می کرد. کلید واژه اصلی این مستند مد و زیبایی است که متأسفانه به شکل جدی کمتر به آن پرداخته می شود. موضوعات اجتماعی و فرهنگی هم از نظر حمایتی نادیده گرفته می شوند هم در بحث سرمایه گذار غالباً به مشکل بر می خورند. من هم می توانستم موضوعات ساده ای که وقت کمتر و بودجه بهتری داشت را کار کنم اما مساله اصلی من دغدغه های دیگری است که نیاز به نگاه متفاوت دارد. سپس شیرین معصومی مدیر تولید پروژه نیز در بیان نکاتی گفت: طرح اولیه این مستند مربوط به سال ۹۱ است و ما بیش از ۵ را به تحقیق و پژوهش های سخت پرداختیم. همیشه شاگردان من دغدغه این را داشتند که زیبا به نظر برسند و برای این مهم هیچ مرجعی نداشتند. من به عنوان کسی که به سبک پوشش ایرانی اسلامی معتقد است می گویم باید در این زمینه یک اندیشه و روش درست داشته باشیم اما متأسفانه سیاستگذاران این عرصه خیلی دلسوز نبودند

مسعود کوثری پژوهشگر و حمید قبادی دبیر کارگروه مد و لباس به پهنانه نمایش مستند «بهت میاد» درباره مد و پوشش اظهار نظر کردند.

به گزارش سوره سینما، جلسه نمایش و نقد و بررسی فیلم مستند «بهت میاد» به کارگردانی محمدحسن یادگاری ۱۳ آذرماه با حضور دکتر مسعود کوثری پژوهشگر حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه شناسی و حمید قبادی دبیر کارگروه مد و لباس در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد.

قبل از نمایش مستند محمدحسن یادگاری کارگردان بیان کرد: خوشحالم که این مستند با حمایت و همکاری جایی مثل حوزه هنری ساخته شد چون نوع برخورد با مساله مد و زیبایی، ارائه حجاب و مسایلی از این قبیل به درستی تعیین تکلیف نشده و ما نیاز به رویکردی داشتیم که خطوط قرمزها را بداند تا بتوانیم مستندی را با موضوع حجاب و پوشش نمایش دهیم. اینکه یک سازمان آزادانه و جدی به این مقوله بپردازد خیلی مهم است چرا که ما در حال حاضر برای پخش تلویزیونی این مستند به مشکل خوردیم.



مد ایرانی و اسلامی نیست و همانطور که واژه اش هم می گوید از فرانسه آمده است. مشکل ما در مساله مد و پوشش تعاریف خودمان است و همیشه هم نمی توان همه چیز را تقصیر غربی ها انداخت. وی اشاره کرد: نگرش درون جامعه باید به برخی مسایل تغییر کند تا دیگران هم راه نفوذ نداشته باشند. اگر در مجامع بزرگتر به زن فرصت بروز توانایی هایش را بدهید او دیگر فرصتی برای آرایش و تقلیدهای کورکورانه از مد را پیدا نمی کند. هر محدودیتی از این طرف بیرون زدن از سمت دیگر را در پی دارد. عرصه های ما در جامعه بدون مرز شده اند و مردم جامعه ما دیگر نمی دانند تفاوت لباس پوشیدن در بازار با مهمانی و سرکار چیست. قیادی نیز در پایان بیان کرد: مد یک فرایند است که بر اثر عوامل مختلف شکل می گیرد و اگر تک بعدی به آن نگاه کنیم اشتباه است. برخی مسایل در قالب پوشش و آرایش بروز می کنند ولی دلیل دیگری دارند. ما باید عامل موثری این جریان را بررسی کنیم تا به نتیجه گیری درستی برسیم. ➔

که تبدیل به قانون شده است و از این بابت نکته قابل تاملی است. قیادی در تکمیل این جلسه بیان کرد: مد ۲ عنصر ثابت دارد اول اصول علمی تعریف شده در دنیا و دوم عناصر محتوایی و مفهومی. مدسازان دنبال یکسان کردن ظاهر و پوشش و سبک زندگی هستند. کوثری در ادامه گفت: مد در حال حاضر یک مساله تاثیر گذار است و همیشه هم از جای دیگر نیامده است. به عنوان مثال ما در دوره تیشرت هایی داشتیم که با خوشنویسی تزیین شده بودند یا زمانه هم عکس شهدا را روی لباس چاپ می کردیم و دیگران هم از آن استقبال کرده بودند. همین که عناصر می توانند تبدیل به مصالحه شوند مد شکل می گیرند. خلایقیت همیشه برای سایرین جذاب است و می توانند برای دیگران الهام بخش باشند. وی ادامه داد: ما چارچوب هایی برای خودمان چیده ایم که امروز هم گرفتارمان کرده است. اول مانتوی سیاه وارد کردیم بعد که خواستیم آن را با رنگ ها درهم بی آمیزیم دچار مشکل شدیم. اتفاقا مانتو اصلا

کشور ما مربوط نمی شود. من داوری در فیلم را خیلی نپسندیدم و به نظرم نتیجه گیری راه گشا نیست. در هر دوره مد از یک جایی نشأت گرفته و هیچ نقطه ثابتی برای آن وجود ندارد. مد یک مصالحه است که همیشه می تواند اتفاق بیفتد. قطعاً برای برخی سودآور است و پول زیادی به جیب می زنند اما فرایند مد جزو جدایی ناپذیر است. وی افزود: قضاوت این اثر درباره مد را سرگردان احساس می کنم و به نظرم به این سادگی نمی توان درباره آن پاسخی داد کاش مستند خود را درگیر پاسخ نمی کرد چون شروع آن که با طرح موضوع همراه بود خیلی خوشایند و جذاب بود اما از جایی به بعد ریتم تغییر کرد. به هر حال همینکه کسی جسارت کرده و این موضوع پرداخته موضوع کمی نیست. قیادی نیز در ادامه بحث مطرح کرد: مساله مد همیشه وجود داشته اما قدیم ترها راحت از آن عبور می کردیم ولی امروزه پی بردیم که می تواند یک شاخصه برای استقلال فرهنگی و اقتصادی باشد. به همین خاطر تا جایی توجه مان را پیش برده ایم



ایجاد زیست بوم اولویت حوزه هنری در زمینه انیمیشن است

خیلی درست است در صورتی که این طور نیست. یک انیمیشن ساز وقتی موفق است که اگر کاری را برای خردسال ساخت، آنها او را تشویق کنند نه این که افرادی مثل استاد و فعال انیمیشن و خبرنگار و مدیر فرهنگی تو را تشویق کنند از طرف دیگر قرار دادن آن را در تولید برای صنعتی شدن سم است.

اساساً چیزی به عنوان کمپانی انیمیشن سازی در ایران وجود دارد؟

یک کمپانی یعنی شرکتی که سطحش چه از نظر ابزار چه از نظر فنی و چه از نظر سرمایه و دارایی ها در وضعیت بالایی قرار داشته باشند. اگر تولید انیمیشن را به مناقصه بگذارند و ضمانت نامه بانکی بخواهد، کدام شرکت است که از پس یک ضمانت چند میلیارد تومانی برآید؟ هیچ شرکت انیمیشن سازی توانایی همین ریسکی را ندارد بنابراین من فکر نمی کنم در کشور کمپانی داشته باشیم.

چه میزان در برندسازی انیمیشن موفق بوده ایم؟
متأسفانه در این زمینه ضعف های جدی وجود دارد. شکرستان عروسکی را در نظر بگیرید، در سری اول خود واقعا فاجعه آمیز بود و به شخصیت های کارتون شکرستان ضربه زد. امیدوارم صدا و سیما ادامه ساخت شکرستان را به تیمی که آن را شروع کرده بودند بسپارد.

در مورد شکرستان آیا در بحث مالکیت اثر با صبا به مشکلی برخورد نکردید؟

ما به قراردادی که با صبا داریم معترض هستیم ولی مالکیت این اثر برای صبا است و ادعایی هم نداریم. عروسک هایی هم که قبلاً تولید کرده بودیم به فروش نرساندیم و به خیریه ها دادیم. امیدوارم صدا و سیما ادامه ساخت شکرستان را به تیمی که آن را شروع کرده بودند بسپارد. چرا در مورد جناب خان می توانند مذاکره کنند؟ چون روز اول قرارداد تصادفی بسته

و در آن به صورت جدی این موضوع را که سود سازنده در پخش باشد و نه تولید را در نظر گرفته ایم. کار دیگری که در برنامه هایمان وجود دارد این است که افرادی را در کل کشور جستجو کنیم که ظرفیت این دیالوگ ها را داشته باشند. یکی دیگر از اقتضات صنعتی کردن تولید انیمیشن، بحث کنترل پروژه است که قصد داریم در بحث آموزش آن ورود کنیم. همچنین شناسایی قانون هایی نظیر قانون حمایت از حقوق مولفین و مصنفین و آگاه کردن شرکت های انیمیشن سازی از آنها دیگر فعالیت ما خواهد بود چرا که ایجاد زیست بوم بدون آگاهی از قواعد بازی باعث سردرگمی می شود.

برخی از شرکت های انیمیشن سازی مدعی اند که صنعتی شده اند. چقدر این صحبت به حقیقت نزدیک است؟

این طور نیست، امروز تصویری راجع به تولید صنعتی وجود دارد که اگر ۲۰۰ قسمت از یک انیمیشن ساخته شد میتوان آن را صنعتی نام برد. یعنی تولید انبوه را مساوی با صنعتی می دانند که غلط است. تولید صنعتی یعنی قابل انتقال بودن. به این معنا که اگر ادامه تولید به کس دیگری سپرده شد، انیمیشن آسیب نبیند. برای مثال شکرستان را در نظر بگیرید، اگر تغییری در تولید کننده اتفاق بیفتد مطمئن در محصول خودش را نشان می دهد. همانطور که گفتم اینکه یک شرکت بتواند فلان دقیقه در هفته خروجی داشته باشد فاکتوری برای موفقیتش محسوب نمی شود. دانشگاه ها و جشنواره ها دیگر مقصرینی هستند که حتی جلوی صنعتی شدن را به یک معنا گرفته اند. در جشنواره ها معمولاً آثار از منظر هنر برای هنر انتخاب می شوند چرا که عموم مردم تمایلی به حضور در آنها و تماشای آثار ندارند. اما برخی هنرمندان وقتی در اینگونه جشنواره های خلوت جایزه می برند برایشان این امر مشتبه می شود که کارشان

احسان کاوه مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری با اشاره به فعالیتهای حوزه برای ایجاد زیرساخت مناسب صنعتی سازی انیمیشن، قراردادهای بد، عدم دانش کافی و وجود جشنواره های بی مخاطب را از آفت های تولید انیمیشن در ایران عنوان کرد.

وی در نشست صمیمانه به تشریح کم و کیف برنامه های مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری، وضعیت امروز حوزه و به صورت جزئی تر به روند انیمیشن سازی کشور پرداخت و روند صنعتی سازی آن مورد بررسی قرار گرفت.

حوزه هنری چه اقداماتی در زمینه انیمیشن سازی انجام داده است؟

به نظر من رسالت ما باید ایجاد زیست بوم صحیح کسب و کار برای صنعت انیمیشن باشد. چرا که انیمیشن صنعتی است که می تواند دانش بنیان محسوب شود. به عبارتی تولیدش به سوخت های فسیلی وابسته نیست. همچنین روند تولید یک سریال کاملاً پیش بینی پذیر است. به این مفهوم که شما می دانید رندر «3D» چقدر طول می کشد و حتی تقریباً از چگونگی خروجی کارت مطلع هستید. در صورتی که در بقیه مدیوم های تصویری مانند مستند یا سینمایی این مسائل کمتر قابل محاسبه است و خیلی از حوادث پیش بینی نشده روی روند تولید اثر دارد. از نظر من مهمترین حمایت نهادهایی مانند ما باید این باشد که شرایطی ایجاد کنیم تا کمپانی های کوچک پله به پله توسعه پیدا کنند. این شامل مرتبط کردن مشتری های بالقوه به این شرکتها و همچنین مجاب کردن بیمه ها برای بیمه کردن معاملات تولید انیمیشن می شود.

تبدیل تولید انیمیشن به صنعت، یکی از مهمترین راهبردهای ما در مرکز است که با همکاری معاونت علمی صورت می گیرد. در حقیقت برای ایجاد این زیست بوم، هفت سرفصل مطالعاتی در نظر گرفته ایم

وقتی سینماگران مطرح پس از چند دهه تازه به اول راه می‌رسند

جیرانے پس از ۳۰ سال به نظرات شهید آوینے رسید

جواد محرمی

نیست. مردم می‌خواهند به سینما بیايند و سرگرم شوند. سخنان جیرانی درباره اینکه مردم به سینما می‌روند تا سرگرم شوند را نزدیک به ۳۰ سال پیش شهید سید مرتضی آوینی در واکنش به رواج سینمای شبه روشنفکری مخاطب خاص در ماهنامه سوره مطرح می‌کرد، ولی آن زمان گوش شنوایی برای سخنان او وجود نداشت و شبه روشنفکران راه خود را می‌رفتند، البته سخنان اخیر جیرانی هم از سوی قاطبه سینماگران در ایران با بی‌اعتنایی روبه‌رو خواهد شد. جیرانی تأکید می‌کند الان فیلم‌ها براساس شکستن خط قرمزها می‌فروشند، نه براساس داستان‌گویی درخشان.

او به سریال پربیننده ستایش اشاره می‌کند. «من یک سؤال از شما دارم، پربیننده‌ترین سریال سال‌های اخیر تلویزیون چیست؟ یادتان می‌آید؟ پربیننده‌ترین سریال سال‌های اخیر، «ستایش» است. این سریال «ستایش» بود که همه را به وجد آورد. شما فرمول این سریال را بگذارید و روی کاغذ آن را نگاه کنید. مردم آن را دیدند، خوششان آمد، گریه و زاری کردند. دوباره پخش شد، سه باره پخش شد، باز هم دیدند. مردم «ستایش» می‌خواهند. مردم «چرخ فلک» نمی‌خواهند، به خدا «ستایش» مبتذل نیست، تأثیر می‌گذارد و سرگرم می‌کند. بی‌اعتنایی به اهمیت قصه در فیلمنامه‌های ایرانی و اینکه این فیلمنامه‌ها به دلیل ضعف نویسندگان و کمبود دانش و فنون فیلمنامه‌نویسی توان سرگرم کردن ندارند.»

سخنان تازه فریدون جیرانی درباره اینکه مردم اساساً به سینما می‌روند تا سرگرم شوند و سرگرمی وجه اصلی سینماست و تعریض تلویحی او به وضعیت حال سینمای ایران را ۳۰ سال پیش شهید آوینی مطرح کرده بود.

سخنان تازه فریدون جیرانی درباره اینکه مردم اساساً به سینما می‌روند تا سرگرم شوند و سرگرمی وجه اصلی سینماست و تعریض تلویحی او به وضعیت حال سینمای ایران را ۳۰ سال پیش شهید آوینی مطرح کرده بود.

فریدون جیرانی به تازگی درباره وضعیت سینمای ایران عنوان کرده که اغلب آثار کم‌دی پر فروش تفاوت چندانی با فیلمفارسی‌های پیش از انقلاب ندارند. جیرانی را به عنوان حافظه تاریخی سینمای ایران می‌شناسند، او غیر از اینکه فیلمساز مطرحی است به خاطر اشراف بر تاریخ سینمای ایران هر از چندگاه تحلیل‌های جالبی پیرامون وضعیت سینمای ایران ارائه می‌دهد. این سینماگر اخیراً در گفت و گویی به این اشاره کرده که سینمای ما یک اقتصاد ضعیف و بخور و نمیر دارد که در آن یکسری کم‌دی‌های امتحان پس‌داده می‌سازند و یکسری ملودرام ارزان. با اینکه حدود ۴۰ سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، اما در سینمای کم‌دی سال‌های اخیر به جز چند استثنا مثل «نهنگ عنبر» آقای مقدم که دوستش دارم و چند فیلم دیگر، باقی آثار خیلی پر فروش تفاوت چندانی با فیلم‌های فارسی پیش از انقلاب ندارند.

آنهايي که فکر می‌کردند سلیقه می‌سازند، باید بفهمند که ساختن سلیقه به راحتی

نشده بود. برندسازی تخصص می‌خواهد. من شنیده‌ام که سازنده عروسک جناب خان طوری قرارداد را تنظیم کرده بود که طبق آن حق مالکیت عروسک برای خودش بود بنابراین هر وقت می‌خواست می‌توانست آن را بگیرد.

چقدر این قراردادها در عرصه فرهنگ ضمانت اجرایی می‌توانند داشته باشند؟

به نظر من بسیار زیاد، چرا که اگر نداشت صاحب جناب‌خان نمی‌توانست چند میلیارد تومان به خاطرش بگیرد. تلویزیون به این راحتی به کسی پول نمی‌دهد.

انیمیشن سازی چه مشکلاتی در حال حاضر دارد؟

مشکل این است که به مقولات آکادمیک توجهی نداریم. تمرکز سیستم آموزشی ما بر روی تربیت افرادی با عنوان کارگردان انیمیشن است ولی آیا انیمیشن تنها کارگردان نیاز دارد؟ فرضاً چرا یک پزشک متخصص قلب و عروق هیچ وقت نمی‌خواهد یک پزشک متخصص ریه شود؟ و یا آیا تا به حال دیده‌اید یک متخصص قلب و عروق به متخصص حوزه دیگری حسرت داشته باشد و بخواهد به آنجا برسد؟ اما متأسفانه در حوزه سینمای ایران عوامل صحنه مانند تصویربردار یا بازیگر دلش می‌خواهد کارگردان باشد چرا که تنها کارگردان در کانون توجهات وجود دارد.

کی شاهد به ظهور رسیدن نتایج فعالیت‌های حوزه هنری در عرصه انیمیشن هستیم؟

توکل به خدا خرد خرد جلو می‌رویم، در مورد کارهای فرهنگی نمی‌توان تاریخ دقیق داد ولی امیدواریم بتوانیم در حاشیه جشنواره فجر بین‌الملل سال بعد اولین حرکت جدیمان را در ارتباط بین سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان انیمیشن انجام دهیم. مطالعاتی را در همین زمینه شروع کرده‌ایم تا هم کسانی را که پتانسیل تولید دارند و هم سرمایه‌گذارانی که تمایل به ساخت انیمیشن دارند برای این کار شناسایی کنیم همچنین نهادهای را هم در نظر بگیریم که هم روی اجرای قرارداد نظارت داشته باشد و هم ضمانت اجرای آن را بر عهده بگیرد. انشا... این موضوع در اردیبهشت ماه اتفاق می‌افتد.

مقدمات این کارها را با شناسایی نیروهای با استعداد در شهرستان‌ها و سوق دادن آنها برای تاسیس شرکت انجام داده‌ایم. با گروه کرمانی یک سینمایی را در دست ساخت داریم و با گروه مشهدی در حال تجربه یک تکنیک جدید برای ساخت فیلم کوتاه در قالب انیمیشن هستیم. من به شدت معتقد به تمرکز زدایی از پایتخت هستم برای همین اقداماتمان را از شهرستان‌ها شروع کردیم

در مورد فیلم سینمایی که گفتید می‌توانید اطلاعات بیشتری در اختیارمان قرار دهید؟

یک فیلم سینمایی انیمیشن است که با تکنیک سه بعدی رایانه‌ای تولید می‌شود. البته فکر نمی‌کنم به جشنواره فجر برسد چون مشکلات مالی زمان را عقب می‌اندازد.

جایی عنوان کرده بودید برای اینکه انیمیشن پیشرفت کند باید فضا سازی بلند مدت اتفاق بیفتد. در این مورد بیشتر توضیح دهید. انیمیشن موفق یک زنجیره است که نقش بستن کاراکتر در ذهن مخاطب یکی از حلقه‌های آن است. اما برای این کار باید اول باید ادبیاتی که در علم برایش ایجاد شده بشناسیم، بعد باید بیاییم با شرایط بومی خودمان آن را وفق بدهیم.

فکر می‌کنید چه قدر زمان باید بگذرد که در انیمیشن‌های مان کاراکتری مشهور مانند باب اسفنجی داشته باشیم؟

فکر می‌کنم در ایران خیلی زود به این نتیجه می‌رسیم چرا که استعدادهای زیادی در ایران وجود دارد. مشکل این است که در اکثر اوقات بدون اینکه کارهای اولیه را انجام بدهیم به آخر خط می‌پریم. مثلاً اگر چیزی به کسی سفارش دهید می‌سازد ولی اکثر آ تازه بعد از تمام شدن کار به یاد بستن قرارداد می‌افتند.

تسنیم



نگاهی به فیلم سینمایی «اشنوگل»

برگی از دفتر تاریخ دفاع مقدس

الناز نعمتی

جنگ هستیم اما حتی این سکانس‌ها هم اغلب به لحاظ داستانی مغشوش بوده و اطلاعاتی به مخاطب ارائه نمی‌کنند.

فیلم تلاش دارد چالش خیانت/اشتباه را در ذهن مخاطب جا بیندازد. یونس نقش اصلی را در اجرای عملیات داشته و حالا پس از سال‌ها، خواهرش از اردوگاه اشرف بازگشته و پلاک یونس را به همراه دارد. همین موضوع باعث مشکوک شدن نهادهای اطلاعاتی می‌شود. سوال این است، اگر یونس در اردوگاه شهید شده چرا پلاکش از اردوگاه اشرف بازگشته است؟ دلیل اصرار یونس برای کندن معبر چیست؟ چرا یونس مدام اصرار دارد غواص‌ها به آب بزنند؟ در شب عملیات چه اتفاقی می‌افتد؟ متأسفانه فیلم نتوانسته اهمیت جزئیات عملیات حفر تونل و غواصی را نشان دهد و هیچ تلاشی هم نمی‌کند که نشان دهد چرا گروه غواصان مجبور به عملیاتی با ریسک بالا بوده‌اند. یونس باره‌ای گوید چاره‌ای جز به آب زدن غواصان نیست، اما چرا؟ سود عملیاتی که همه شرکت کنندگان می‌دانند برگشتی ندارد، چیست؟ فیلم به این سوالات پاسخ نمی‌دهد.

اگر از ضعف‌های محتوایی فیلم که کاملاً بر گردن فیلمنامه کم‌رمق آن است بگذریم، «اشنوگل» در اجرا کم‌نقص عمل می‌کند. کارگردانان فیلم آشکارا همه تلاش خود را برای ساخت فیلمی استاندارد کرده‌اند و تمامی سکانس‌های جنگی در فرم و تکنیک قابل قبول و باورپذیر هستند. طراحی صحنه و لباس فیلم قابل قبول و استاندارد است و موسیقی شنیدنی از آب درآمده. فیلم همچنین در بخش‌های صداگذاری، صداگذاری و تدوین نیز موفق عمل کرده است.

در مجموع «اشنوگل» می‌توانست فیلم بهتری باشد اگر در گره‌گشایی عجولانه رفتار نمی‌کرد و فیلمنامه منطقی‌تری باورپذیرتری داشت. هادی حاجتمند و علی سلیمانی با ساخت اولین فیلم‌شان در گونه دفاع مقدس نشان دادند قریحه ساخت اثری استاندارد در این حیطه را دارند و اگر ایده، داستان و فیلمنامه‌ای خوب در اختیار داشته باشند می‌توانند فیلمی جذاب در گونه جنگ بسازند و در این عرصه حرف‌های مهمی برای گفتن داشته باشند.

در پایان اشاره به این نکته را ضروری می‌دانم که این فیلم متأسفانه بدون تبلیغات و مراسم رونمایی در سانس‌هایی محدود و سینمایی اندک روی پرده رفته است و مخاطبان از اکران این فیلم بی‌اطلاع هستند. امید است نهادهای مربوطه و عوامل فیلم با تبلیغات بیشتر و اطلاع‌رسانی موثر مخاطبان علاقمند به تماشای فیلم‌های گونه دفاع مقدس را از اکران این فیلم مطلع کنند. 

«اشنوگل» اولین فیلم هادی حاجتمند و علی سلیمانی داستان رزمنده‌ای به نام یونس است که به عنوان فرمانده گردان غواصان سه شب قبل از عملیات در حالی که در صدد حفر تونلی در منطقه عملیاتی بوده، مفقودالثر می‌شود. حالا پس از سی سال اطلاعاتی به دست می‌آید که نشان می‌دهد احتمالاً یونس زنده است و در آن زمان به واسطه منافقین قرارگاه اشرف با دشمن همکاری کرده... این اتفاقات در جریان عملیات کربلای ۴ رخ می‌دهد.

عملیات کربلای ۴ نام عملیات نظامی تهاجمی نیروهای ایرانی در جنگ ایران و عراق بود. این عملیات با رمز محمد رسول الله (ص) در محور ابوالخصب به صورت گسترده در تاریخ ۵ دی ۱۳۶۵ به فرماندهی سپاه انجام شد. لو رفتن این عملیات شکست سختی برای ایرانی‌ها به همراه آورد بطوری که رزمندگان مان پس از حدود یک روز از آغاز عملیات با به جا گذاشتن تلفات فراوان عقب‌نشینی کردند. در سال ۱۳۹۴، یک‌دهشت ۳۰ سال از عملیات کربلای ۴، کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح ایران اعلام کرد که اجساد ۱۷۵ غواص ایرانی را که با دستان بسته کشته شده‌اند در منطقه ابوفلوس، عراق کشف کرده‌اند. فرمانده این ستاد همچنین اعلام کرد که برخی از اجساد کشف شده دارای هیچ جراحاتی نیستند و نیروهای بعضی آن‌ها را زنده به گور کرده‌اند. پیکر پاک شهدای غواص در تاریخ ۲۶ خرداد سال ۹۴ با حضور پرشکوه مردم تشییع شد.

در فیلم «اشنوگل» که دومین فیلم سینمایی درباره شهدای غواص است سعی شده به اجرای این عملیات و اتفاقاتی که پیش از آغاز عملیات برای رزمندگان افتاد پرداخته شود. نقطه تمرکز فیلم بر روی شخصیت یونس و هم‌زمانی است که اکنون در مظان اتهام خیانت و جاسوسی قرار دارد. فیلم با انبوهی از سوالات آغاز می‌شود، سوالاتی که مخاطب مدام در انتظار پاسخ دادن به آنهاست اما در عوض با سوالاتی جدید مواجه می‌شود. سکانس‌های ابتدایی فیلم تماماً حول محور صحبت‌های یکی از بازماندگان جنگ که دوست و هم‌رمز یونس بوده و مأموران اطلاعات می‌گذرد. دیالوگ‌هایی که در این سکانس‌ها می‌شنویم کاملاً برای مخاطب گیج‌کننده هستند. ما از پیشینه این افراد هیچ اطلاعی نداریم و همچنین نمی‌دانیم چرا رزمنده سابق در یک واگن قطار و به تنهایی و درانزو زندگی می‌کند. همه حرف‌ها مبهم هستند و حتی بعد از گذشت چندین دقیقه از این مکالمه مخاطب باز هم متوجه نمی‌شود ماجرا چیست و در گذشته چه خبر بوده؟ کارگردان‌های فیلم برای طرح پاسخ فیلم را غیر خطی تدوین کرده و ما شاهد فلاش‌بک‌هایی به گذشته و زمان



یادداشت حمید جهانگیر فیض آبادی، رزمنده غواص و نویسنده کتاب
«جنون مجنون»

«والا اشنگول...»

اصلاًها در مجتمدها چرا سر بر در درش را دستمال بسته و وارد محیط پرتنش و بر ر صحر شده که در آنج همز یول و یار تر و عشق و حال و سلبیتر ها ر سلفی باز سگ و گربه دوست، ارز شر بر ارز شر ها و چونند لرد؟!

در عالم الان سینما آیا هنر شهرت و پول و یا گذاشتن رور ارز شر ها، چیز دیگر هم مگر هست؟ ماکه بر فبریم اما خود شخ اعتراف مر کنند شهرت و شغل شخ را مدیون اند لام و چهره و لبفنده و چشمک و ناز و ادای شخ هستند.

و آنج هایر که اهل لودگر نیستند و ناخ شرافت شخ را مر خوردند، باید بسوزند و بسازند و انواع فشار ها و بر مصلر ها و بر مهر ها و بر کار ها را تحمل کنند.

خصوصاً اگر شهر ستانر باشند و سوژه مورد نظر، مرتبط با حماسه عظیم دفاع مقدس شهید و ایثار و جساب و تقوا و ایمان و اسلام و قرآن و خدا و پیغمبر باشد.

گل سوژه ناب دفاع مقدس غواصر است، آکب و فرات و لرون و تونل و فیخ و اشنگول ... و

ها در مجتمدها دقیقاً سوژه لمر اهدف گذار کرده که سرشار از حماسه و مظلومیت و غربت و عطش و خستگی کشنده غواصانر است که بعد از ماه ها آموزش شرفست غواصر در لرون و کارون و بهمنشیر، مر خواستند عملیات سرنوشت را رقم بزنند و تکلیف جنگ را یکسره کنند.

اما با همه خستگی بر امان آموزش شو بر خوالر و شنا و غواصر و بدنسوزی گرفتار موج ها ر سهگیخ و ضر و شخ، و کتشر و حسنیانه ضد هوا لیر ها ر دو زمانه دشمن در میان لرون شدند و آنج هایر که مانند، با دستاخ بسته زیر انبوهر از خاک ها ر سرد و ظلمانر زنده به گور شدند تا تاریخ، حماسه بزرگ صاباخ اشنگول را در دمنر اند و منعفانه به قضاوت بنشینند.

ها در جان الاستقامت ارز شمنه تو در این فشار مر قابتی مسموم بسیار ستودنر است، اگر بر مهر مر بینر، شک نقخ که راه و کارت خالمانه، درست و حساب شده و مورد عنایت خدا و شهید است.

اصلاً رنز و راز کار بر لرد خدا و شهید و دفاع مقدس و همین خوخ دل خوردن ها و بر مهر ها و انتقاد ها و بر مصلر ها است.

علیر که بر دو سگر گرفته لمر میخ نقذار هنر مند ارز شر شهر امام مهر بانر ها و رور صایک ما حساب کن...

رزمنده، تفریب چور رفیق غواصاخ شهید:

حمید جهانگیر فیض آبادی

بخوان مجنون کازر ماه ۱۳۹۶





کارگردان: محمد باقر شاهین

«ادوارد»

چگونه از جمع منافقین جدا شد

انجام شد و به طور کلی ما در این فیلم به آسیب‌های جنگ همچون مهاجرت، اسارت و... نیز پرداختیم.

وی با اشاره به چگونگی ساخت مستند «ادوارد» توضیح داد: همیشه هنگام ساخت یک اثر سوژه‌هایم جزیی از زندگی من می‌شوند و اگر این اتفاق نیفتد من شروع به ساخت آن اثر نمی‌کنم. از همین رو برای اینکه بخواهم نظر مثبت ادوارد را برای ساخت این مستند جلب کنم نزدیک ۲ سال با او گفتگوی اسکایپی می‌کردم و البته سفرهایی هم به آنجا داشتم.

کارگردان «مالکیه» اضافه کرد: یکی از موضوعات مهمی که در «ادوارد» به آن پرداخته می‌شود این است که او شخصی از اقلیت‌های مذهبی است، مساله‌ای که چندین سال است ما آن را فراموش کرده ایم و به واسطه همین کم توجهی تاکنون تعدادی از این افراد از کشور مهاجرت کرده اند. برای مثال در حالی که ادوارد یک شخص ارمنی بوده که برای این کشور جنگیده و اسیر شده اما فراموش شده است و همه عوامل دست به دست هم داده که او در برهه ای از زمان عضوی از این سازمان تروریستی شود.

شاهین بیان کرد: ادوارد در حال حاضر در کشور آلمان مشغول انتقال تجربه‌های تلخ و سخت خود از مجاهدین خلق به دیگران و یک فعال علیه این سازمان در اروپا است ولی او حتی در حال حاضر هم در غربتی شبیه به اسارت زندگی می‌کند.

وی با اشاره به دلایل ساخته نشدن چنین آثاری در طول این سال‌ها گفت: سینمای مستند سیاسی در این چند ساله در ایران مهجور مانده است چون ما شاهد فیلم‌هایی بودیم که موضع گیری‌های جانب‌دارانه داشته اند به همین دلیل کمتر کسی سراغ ساخت چنین آثاری رفته است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در این سال‌ها فضای کار کارگردانان بسته بوده و نمی‌توانسته اند همه چیز را بیان کنند به همین دلیل فکر می‌کنم مستند «ادوارد» جزو معدود فیلم‌هایی است که شیوه جدا شدن اعضای گروهک مجاهدین خلق را از طریق زندگی شخصی‌شان نشان داده است. (۱۵)

کارگردان مستند «ادوارد» درباره روند ساخت این اثر که به سرگذشت یکی از اعضای جدا شده سازمان تروریستی منافقین می‌پردازد، توضیحاتی ارائه داد.

محمدباقر شاهین کارگردان مستند بلند «ادوارد» که به بخش مسابقه ملی یازدهمین دوره جشنواره فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» راه یافته است در گفتگو با مهر درباره این اثر گفت: من مستندساز جنگ هستم و قبل از مستند «ادوارد» در عراق، سوریه و افغانستان فیلم‌هایی تولید کردم از همین رو همیشه دوست داشتم به جنگ از یک زاویه دیگر نگاه کنم و در مستند «ادوارد» هم تمام تلاشم را کردم که به این فضا نزدیک شوم.

وی با اشاره به اینکه شخصیت اصلی این مستند با نام ادوارد در سال ۵۹ برای وطنش می‌جنگد اما در حال حاضر شرایط به گونه ای شده است که با همه این سختی‌ها در غربت زندگی می‌کند، افزود: ادوارد شخصی است که در سال ۵۹ یعنی اوایل جنگ و در حالی که مشغول دفاع از کشور بوده است، اسیر می‌شود و ۹ سال از عمر خود را در زندان‌های عراق سپری می‌کند و در مدت اسارت فشارهای زیادی را متحمل می‌شود. او در همین اثنا و در حالی که از سوی همه فراموش شده بود به سازمان مجاهدین خلق می‌پیوندد و حدود ۱۲ سال هم به لحاظ ایدئولوژی و تفکر اسیر منافقین می‌شود.

شاهین با اشاره به چگونگی پیدا کردن ادوارد اظهار کرد: من برای اولین بار ادوارد را در برنامه «به عبارت دیگر» بی بی سی مشاهده کردم و از آنجا سرگذشت زندگی‌اش مرا درگیر کرد. بعد از چند ماه به جشنواره برلین دعوت شدم و تصمیم گرفتم که هر طور شده ردی از او پیدا کنم و بتوانم او را بینم به همین ترتیب بعد از پرس و جوهایی که با دوستان فیلمساز و خبرنگارم در شهر کلن آلمان داشتم شماره ای از ادوارد پیدا کردم. این کارگردان ادامه داد: اولین باری که ادوارد را دیدم متوجه شدم که نمی‌شود این فیلم را با یک سفر و به تنهایی ساخت به همین دلیل ارتباطم را با او بیشتر کردم و در نهایت این کار نزدیک به سه سال طول کشید. شاهین بیان کرد: با توجه به اینکه ادوارد در آلمان زندگی می‌کند تمام فیلمبرداری این اثر در کشور آلمان

آیا عنوان یک فیلم نشانگر کیفیت آن نیز هست یا نه؟



حاضر نیستیم فیلمی را ببینیم که نامش «خالتور» یا «عشقولانه» است.

وی افزود: البته انتخاب این نوع عناوین و یک اسم مسخره برای فیلم گناه کبیره نیست اما اصل حرف من راجع به تأثیرات این انتخاب است. با بررسی برخی از فیلم‌های تاریخ سینما متوجه می‌شویم برخی از فیلم‌ها نام‌هایی دارند که هیچ ربطی به فیلم ندارد مثلاً مسعود کیمیایی فیلمی به نام «دندان مار» دارد که در آن فیلم نه خبری از دندان هست نه مار ولی عنوان به شکل کنایه انتخاب شده است.

برخی اسامی را الساتید دانشگاه هم نمیتواند تفسیر کنند طهماسب صالح جو منتقد پیشکسوت سینما، کیفیت فیلم را مرتبط با نام نمیداند و اما معرف حال و هوای آن دانست و گفت: کارگردانان باید نامی روی فیلمشان بگذارند که به حال و هوای فیلم نزدیک باشد. در خصوص فیلم‌های کمدی هم باید نام با محتوای فیلم تناسب داشته باشد.

وی با اشاره به نام «عشقولانه» گفت: اما کلمه‌ای مثل عشقولانه نوعی شوخی با کلمات و طنز واژه‌هاست. درواقع کلمات محاوره‌ای که میان مردم زیاد استفاده می‌شو و چیزی نیست که بخواهیم برای آن خط و ربط تعیین کنیم. به نظر من منع و ممنوعیتی وجود ندارد اشکال از آنجایی به وجود می‌آید که اسم فیلم هیچ ربطی به حال و هوای آن نداشته باشد.

صالح جو ادامه داد: در این میان عنوان بعضی از فیلم‌ها انقدر زیاد و روشنفکرانه است که کسی معنی آن را درک نمی‌کند و به نظر من این کار خیلی بدتر از نامگذاری‌های سبک و سطحی است. اینکه برخی اسم‌های آنچنانی روی کارشان می‌گذارند که حتی استاد دانشگاه هم نمی‌تواند آن را تفسیر کند از آن دست کارهایی که اسم سطحی روی کارشان می‌گذارند بدتر است.

وی در پایان توضیح داد: برخی با اسم گذاری سعی می‌کنند خودشان را تافته جدا بافته معرفی کنند و اسم فیلمشان به گونه است مخاطب احساس می‌کند تمام مسائل خلقت را در فیلم می‌بیند. نکته جالب این است که کسی از آن دست فیلم‌هایی که نام‌های روشنفکرانه دارد ایرادی نمی‌گیرد و حتی فیلمساز نمی‌پرسد این اسم را از کجا آورده‌اید. نمونه این فیلم‌ها زیاد است. کسی هم به آنها نمی‌گوید که چرا با این کلمات بازی می‌کند و می‌خواهید ژست روشن فکری بگیرید و با اسم فیلمتان خودتان را بالا ببرید. ولی از این اسم‌های سطحی ایراد می‌گیرند در واقع نام‌های عجیب و سخت را فریب نمی‌داند ولی از اسم‌های محاوره را ایراد می‌گیرند. ⑩

نمی‌کند. اما اگر همین الان کسی نام فیلمش را حسین کچل بگذارد همه انتقاد می‌کنند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا عنوان یک اثر می‌تواند کیفیت آن را به مخاطب معرفی کند یا نه اظهار داشت: به نظر من رابطه مستقیمی با هم ندارند ضمن اینکه عنوان فیلم لزوماً نباید معرف کیفیت آن باشد. چون بسیاری از فیلم‌های بی‌کیفیت اسم‌های روشنفکرانه‌ای دارند و البته برعکس این هم وجود دارد. اما هدف از عنوان گذاری فیلم معرفی آن و ایجاد حس کنجکاوی برای مخاطب است. به عنوان مثال واژه غیر ممکن در فیلم سینمایی «ماموریت غیر ممکن» باعث برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب می‌شود تا ببینند غیر ممکن چطور ممکن می‌شود. در این میان برخی نام‌ها انقدر طولانی هستند و قبل از اینکه مخاطب بداند فیلم ساز خودش آن را کوتاه می‌کند مثل «حقایق درباره زندگی الی» که بعدها به «درباره الی» تغییر کرد.

راست گفتار انتخاب عناوین عجیب و بی‌ربط را عقده‌گشایی برخی افراد دانست و گفت: بعضی از فیلم‌سازان ما هم به خاطر اینکه به نوعی نسبت به روشنفکران عقده‌گشایی کنند اسم‌هایی انتخاب می‌کنند که بسیار ساده انگارانه است. البته من لزوماً راجع به فیلم‌هایی مثل «خالتور» و «عشقولانه» نمی‌گویم و حرفم کلی است.

در این میان سراغ احمد طالبی نژاد؛ منتقد سینما، رفتم تا نظر او را نیز در این باره بدانیم. او با اشاره به کارکرد انتخاب اسم برای یک فیلم سینمایی گفت: انتخاب نام برای فیلم دو کارکرد دارد یک جذب مخاطب و دوم اینکه به موضوع و مضمون فیلم اشاره‌ای کند. البته این‌ها معیارهای کلی است و در عمل ما می‌بینیم که بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان به جز من برای اینکه توجه عامه مردم را به خود جذب کنند از اصطلاحات عامیانه برای اسم فیلمشان استفاده می‌کنند. این امر در صورتی که موضوع فیلم متناسب با نام آن باشد فی‌الفسه ایرادی ندارد. اما نام «عشقولانه» واژه غلطی است و در طی سال‌های اخیر از طریق سریالهای تلویزیونی وارد فرهنگ زبانی ما شده است. ما در ادبیات فارسی واژه‌ای به نام عشقولانه نداریم و این به نوعی استفاده از سوءاستفاده از سلیقه مخاطب عام است. طالبی نژاد برخی از این عناوین را مورد علاقه مخاطب دانست و گفت: طبیعی است که این عناوین برای یک عده جذاب باشد و برای عده‌ای دیگر که مخاطبان فرهیخته هستند جذاب نباشد و هرگز از دیدن فیلم استقبال نکنند. البته این نکته بسیار حائز اهمیت است که با انتخاب این عناوین یک سری مخاطب به دست می‌آیند و عده‌ای دیگر از دست می‌روند. مثلاً من هرگز

عنوان بعضی از فیلم‌ها انقدر زیاد و روشنفکرانه است که کسی معنی آن را درک نمی‌کند و به نظر من این کار خیلی بدتر از نامگذاری‌های سبک و سطحی است. به بهانه اکران فیلم سینمایی «خالتور» و «عشقولانه» بر آن شدیم تا در رابطه با انتخاب عجیب و غریب عناوین برخی از فیلم‌ها با کارشناسان و منتقدان در این زمینه آن را آسیب‌شناسی کنیم. از این رو با سه تن از منتقدان و کارگردانان صحبت کرده‌ایم که نظر آن‌ها را در ادامه می‌خوانید.

کاظم راست‌گفتار؛ کارگردان سینما، با اشاره به اینکه انتخاب عنوان فیلم یکی از ملاک‌هایی است که کارگردان باید روی آن حساس باشد گفت: به نظر من اگر عنوان فیلم متناسب با حال و هوای آن و برای جذب مخاطب باشد اشکالی ندارد. اغلب فیلمسازان عنوانی را انتخاب نمی‌کنند که مخاطب آن را نپسندد. به نظر من اصلی‌ترین وظیفه عنوان فیلم معرفی کردن حال و هوای فیلم و جذب مخاطب است. در سینمای آمریکا عناوین فقط برای جذب مخاطب انتخاب میشود.

کارگردان «پسر تهرونی» با بیان اینکه یک روشنفکری سطحی در انتخاب عنوان فیلم‌ها وجود دارد ادامه داد: البته فکر می‌کنم نوعی نگاه روشن‌فکرانه در سینمایی ایران در مواجهه با این مساله حاکم است. مانند عناوینی که برای فیلم‌ها انتخاب می‌شود که گاهی به گونه‌ای هستند که نمی‌توانند تماشاگر را جذب کنند یا حتی اصلاً در ذهن مخاطب نمی‌ماند. اما کشورهایی از جمله آمریکا که سینمای جهان را تسخیر کرده‌اند دنبال این نیستند نام روشنفکرانه‌ای را انتخاب کنند و تنها جذب و کنجکاوی کردن تماشاگر برایشان اهمیت دارد.

راست‌گفتار درباره عناوینی که برای فیلم‌های خودش انتخاب کرده بود توضیح داد: من نیز زمانی برای انتخاب عنوان فیلم‌هایم دچار مشکل بودم اما الان سعی می‌کنم از اسم‌های تک کلمه‌ای استفاده کنم. برای اولین فیلمی که ساختم فیلمنامه‌ای به «دنیا روی صندلی راحتی» داشتم که در نوع خود نامی پرطمطراق و جذاب اما گنگ بود. من نیز بدون اینکه هیچ معذوریتی داشته باشم اسم کار را به «عروس خوش قدم» تغییر دادم. به واسطه نام این فیلم تماشاگر زیادی جذب آن شد، گرچه فیلم روشنفکرانه بود ولی عنوانش ظاهراً عنوان مبتدلی به نظر می‌رسید همین باعث شد بسیاری از افراد روشن فکر یا منتقد به عنوان این فیلم ایراد بگیرند.

وی افزود: زمانی که مرحوم علی حاتمی هم فیلم کمدی ساخت نامش را «حسن کچل» گذاشت، حالا که گذشته و علی حاتمی به عنوان یک اسطوره سینمایی شناخته شده کسی از اسم حسن کچل دیگر انتقاد

گزارشی از برنامه زنده «فار ۳۰ نما»

مدیریت فرهنگی نقشه راهبردی ندارد



فیلم‌ها سرگرمی‌لودگی است. اگر هوشمندانه با این آثار برخورد شود از پس سرگرمی‌لودگی هم باید مفهومی به مخاطب منتقل شود. اما این هوشمندی وجود ندارد این درایت و سیاستگذاری نیست سینمای صرف سرگرم کننده استفاده کنیم. باید سرگرم کننده بودن فیلم هم آنالیز شود همه انواع ژانر باید سرگرم کننده باشد و جذابیت، قصه، زیبایی‌شناسی و هنرپیشه شاکله اصلی فیلم است که باید درست انتخاب شود تا مفاهیم درست منتقل شود.

مدیریت فرهنگی نقشه راهبردی ندارد

الماسی درباره وضعیت مدیریت فرهنگی در کشور گفت: مدیریت فرهنگی از مجموعه فیلم‌های تولید شده نقشه و راهبردی ندارد تا بتواند از طریق چیدمان درست یک هدف را دنبال کند. هدف در آمریکا جامعه سرمایه داری و سکولار است در شوروی قدیم مسئله رسیدن به راه رشد غیر سرمایه داری در سینما وجود داشت اما در سینمای ایران هیچ نقشه و راهبردی وجود ندارد.

سفارت خارجی برای فیلمساز تعیین تکلیف می‌کند

وی در ادامه گفت: فیلمساز ما به جشنواره‌های جهانی توجه دارد. یک مثال ساده به خارجی‌ها باج می‌دهیم وقتی دایره ساخته شد نیروی انتظامی سرمایه‌گذار بود اما سفارت خارجی پشت فیلم بود و در نهایت فیلمی شد علیه نظام اسلام. اینجاست که این سوال مطرح می‌شود چرا مدیریت فرهنگی ما نباید از خود سینما باشد. وزیر ارشاد با چه تناسبی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب می‌شود. وقتی انتخاب‌ها در حوزه سینما و وزیر درست صورت نمی‌گیرد در

سینمای دغدغه‌مند گفت: فارغ از تعاریف سینما، سینمای دغدغه‌مند یک ارتقاء و رفعت نسبت به مسایل روز جامعه است و مفاهیمی را به مخاطب ارائه می‌دهد. اینکه برخی سینما صرفاً سرگرمی می‌دانند من به این معتقد نیستم صرفاً سینمای سرگرم کننده وجود ندارد. اگر در مقطعی سینما به عنوان سرگرمی اعمال شد به این دلیل بود که مردم را دچار غفلت نسبت به مسایل روز جامعه کند. برای سینمای سرگرم کننده نیز یک سیاست پشت وجود دارد، حاکمیت‌هایی که مردم را فریب می‌دهند این سیاست را اعمال می‌کنند. خاصیت سینما صرفاً سرگرم کننده نیست. این پدیده کشف شد و آرام کارکردش مشخص شد و از این ابزار می‌توانند به عنوان سرگرمی و انتقال مفاهیم سیاسی، اجتماعی و نظامی استفاده کنند. در حال حاضر شاکله سوءاستفاده کننده این سینما، هالیوود است. هر جایی که بخواهد مخاطب را می‌برد. سیاستمداران فرهنگی مخاطب را مانند گله‌ای با سیاست‌های کلی کشور مخاطب را جهت می‌دهند. به عقیده من سینمای دغدغه‌مند در نظام جمهوری اسلامی سینمای رفعت و آگاهی بخشی است. سینمایی که مخاطب را دچار تحول و ارتقاء روحی و معنوی کند و اطلاعات را بالا ببرد. می‌تواند در قالب سرگرمی، کودک یا درام باشد. سرگرمی یکی از وجوه سینما است و وجه جذب مخاطب سینما است.

سیاستمداران فرهنگی سیاستگذاری

مشخصی ندارند

کارگردان «۳۳ روز» ادامه داد: متأسفانه در سیاست‌های کلی کلان فرهنگی این درایت و هوشمندی وجود ندارد که بخواهد از سینما در جهت سیاست‌های نظام استفاده کند. برخی

به گزارش سوره سینما به نقل از فارس، در برنامه زنده «فار ۳۰ نما» استودیوی خبرگزاری فارس جمال شورشه تهیه‌کننده و کارگردان و جهانگیر الماسی بازیگر و کارگردان حاضر شدند و «جایگاه فیلم‌های متعهد در سینمای امروز» را با اجرای محمد نجفی زاده بررسی کردند.

سینماگران در قبال انقلاب مسئولیت خود را

ادا کردند

جهانگیر الماسی در ابتدا به حضور پور شور مردم در کمک‌رسانی به مردم آسیب دیده کرمانشاه اشاره کرد و مردم ایران را قدر شناس خواند. وی درباره تعریف از سینمای دغدغه‌مند گفت: اگر تعریف سینما را درست در نظر بگیریم به جزء ابزار و وسیله مدرنیته، ماشینیسم اروپا در کشورهای زادگاه خود چند هدف را باهم طی کرده است. یکی از این هدف‌ها کسب معیشت و درآمد و سرگرمی است. اما تأثیرگذاری این ابزار ارتباط جمعی و زبان نویافته در ذهن و رفتار مردم در تحریک آنی و تاریخی مردم در کاشتن مفاهیم در اذهان عمومی و کمک به رشد فکری فرهنگی و جمعی بسیار موثر بود و بحث تأثیرگذاری و هدفمندی سینما و فیلمساز می‌مهمتر از موضوع سرگرمی صرف است. دغدغه‌مندی یعنی سینماگر با این اعتبار فیلم بسازد که بتواند در اذهان عمومی تأثیر بگذارد. می‌توان به جرات گفت مسئولیتی که به عهده سینماگران بعد از انقلاب بوده خوب ادا شده این یعنی دغدغه است.

سینمای سرگرم کننده صرف وجود ندارد

جمال شورشه هم در ابتدای برنامه به بازماندگان حادثه زلزله کرمانشاه تسلیت گفت و در خصوص

سیاست‌های غرب است و دهانمان آب می‌افتد کن، لوکارنو، اسکار را نام می‌بریم. خاکبر سر جایزه اسکاری بکند که کشور من را به ذلت بکشاند و فیلم کثیف و سیاه نشان بدهد این چه افتخاری است برای ما. ما چه مراوده‌ای با آمریکا و اسکار داریم. در کلان نظام آمریکا دشمن ما هستند و در تضاد هستیم. چرا «بتیم خانه ایران» در کشورهای اروپایی پخش نمی‌شود.

الماسی در ادامه گفت: باید در سینما اهداف انسانی را دنبال کنیم. اگر غرب ۶۰ سال پیش با نظریات رنه گنون شروع کرده است ما زودتر از آن با این رشد شروع کردیم. چرا درباره مدینه فاضله فیلم نمی‌سازیم و همیشه به گذشته در فیلمسازی بر می‌گردیم. بیاید در سینما راجع به انقلاب، عقلانیت و شعور حرف بزنیم ما در این حوزه از غربی‌ها خیلی جلوتر هستیم.

نام وزارت ارشاد در این دولت تغییر کند

شورجه در خاتمه به قانون سینما اشاره کرد و گفت: کمیسیون فرهنگی و شورای انقلاب فرهنگی قانون سینما را مدون کنند، آنچه باید باشد و قله اوج فرهنگ ماست را ترسیم کنند. تا هر کسی براساس ظرفیت و اندیشه خودش به آن سمت برود. خاستگاه فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی را مشخص کنند. سینمای ارزشمند و دغدغه‌مند را مشخص کنند.

با این عملکردی که در وزارت ارشاد شاهد هستیم بهتر است نام این نهاد از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وزارت فرهنگ و هنر تغییر یابد. در این دولت اسمش را عوض کنید. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است باید اسلام را تبلیغ کند و در این زمینه باید جدی‌تر ورود کند.

مفاهیم استراتژیک در سینمای ما وجود ندارد

وی ادامه داد: ما باید متناسب با نیاز فرهنگی مردم، روشنفکران و... فیلم بسازیم و جامعیت آثار به سمت عقلانیت برود. سینما چقدر در نظام کلان جمهوری اسلامی حرکت کرده است. وقتی سردار سلیمانی می‌گوید دو ماه دیگر داعش برچیده می‌شود و امروز ما شاهد این اتفاق در موعدی زودتر هستیم نشان از تاثیرگذار بودن ایران در منطقه است این تاثیرگذاری در سینمای ما دیده می‌شود؟! در سینمای ما چقدر از این مفاهیم وجود دارد.

الماسی در ادامه صحبت‌های شورجه گفت: یک سریال ساخته می‌شود تمام شخصیت‌ها عقب مانده هستند. شخصیت‌ها مربوط به یک منطقه مهم این مملکت است. چرا به عقب ماندگی خودمان باید بخندیم. در سینمای آمریکا اگر به مواد مخدر توجه می‌شود به سراغ مصرف کننده نمی‌رود بلکه ریشه‌ها را بررسی می‌کند اما سینمای ما مصرف مواد را آموزش می‌دهد و قبح ماجرا را می‌شکند. نگاه ما به مسایل اجتماعی تخصصی نیست.

اسکاری که کشور را چرک و سیاه نشان دهد چه ارزشی دارد

شورجه در ادامه گفت: بعد از انقلاب یک فیلم نشان بدهید که عزت انقلاب و توانمندی نظام را به نمایش گذاشته باشد و در جشنواره‌ها جایزه کسب کرده باشد. هرچه فیلم سیاه، تلخ و بدبختی و گرفتاری مردم را نشان داده است جایزه می‌گیرد بعد از مدتی نیز این فیلم‌ها را به عنوان سند به ما نشان می‌دهند. فیلم‌ها را می‌خرند و جوان‌ها را تخدیر فکری می‌کنند. جشنواره‌های خارجی سیاست‌هایی را طراحی و اعمال می‌کنند و چون بدون برنامه هستیم فیلمساز ما عید و عید

من فیلمساز اغتشاش ذهنی ایجاد می‌شود. دست پنهان خارجی اغتشاش در فرهنگ ایجاد می‌کند و ما از داخل می‌پوسیم. من عاشق همکارانم هستم. حتی کسی که مبتذل می‌سازد، سینما را سرگرمی می‌بیند. اما مدیر باید درست عمل کند. تمام مشکل سینمای ایران در سالهای بعد از انقلاب مدیریت بوده است. متأسفانه مدیران فرهنگی فاقد بینش هستند و تعاریف، ابزار، تکنولوژی را در سینما نمی‌شناسند نکته جالب دیگر این که ما ۲۰۰۰ سینماگر داریم اما وزارت ارشاد ۸۰۰۰ کارمند دارد که باید به هنرمندان خدمات بدهند. جالب است که این ۸۰۰۰ نفر خدمات رفاهی دارند اما سینماگر هیچ یک از این خدمات رفاهی را ندارد این چه معادله‌ای است؟ و این افراد دسترنج یک سال یا چند ساله فیلمساز را می‌گویند ساخته شود یا ساخته نشود!

مشکلی اصلی سینما نداشتن قانون مدون است

جمال شورجه مشکل اصلی سینما را نبود قانون دانست و گفت: مشکل اصلی سینما این است که قانون سینما نداریم. ما هیچ قانونی نداریم که هنرمند حیطه تکلیف و وظیفه خود را بداند و به همین دلیل سینما با قله اهداف نظام هیچ‌گاه بالانس نمی‌شود. مدیر با سلیقه خود سید سینما را می‌چیند. در نگاه کلان باید هدفمند و درست چیده شود و آمیزه رنگی مناسبی برای مخاطب وجود داشته باشد و خاطر کلان فرهنگی نظام خشنود شود. به همین دلیل است که از یک سو سینما از فیلمهای نازل و سطحی سرریز می‌شود و از یک سو سینما از فیلم‌های چرک، روشنفکرزده و غریخواه پر شده؛ من هیچ کدام را رد نمی‌کنم اما باید درست چیده شود و کفه ترازو به سمت نگاه استراتژیک نظام برود.



دکتر اصلانی رئیس سازمان بسیج زنان کشور:

سینمای مادر بحث خانواده موفق نبوده است



سینما به عنوان یکی از ارکان مهم هنر در جهت دهی افکار و دادن فاکتور به خانواده ها متأسفانه موفق نبوده است.

دکتر مینو اصلانی رئیس سازمان بسیج زنان کشور در گفتگو با سوره سینما؛ با بیان این مطلب افزود: سینما در دهه‌های گذشته به لحاظ تأثیرات عمیق حضور مردم در دفاع مقدس و نقش خانواده‌ها در پیروزی‌های انقلاب اسلامی پر رنگ بود و این را هنرمندان ما در آثار خود منعکس کردند اما در دهه‌های اخیر یک تغییر ذائقه‌ای اتفاق افتاده که به نفع جامعه نیست.

وی معتقد است جهت دهی در تولید محتوای سینمایی مطلوب نبوده است، اگر همه با هم خوب کار کنند و سینما هم خوب کار کند ما نباید آمار طلاقمان آنقدر بالا باشد. الان فیلم‌ها به سمتی رفته که به جای استفاده از بازیگران پیشکسوت به دنبال چهره‌های بدون هنر هستند.

این استاد دانشگاه خاطر نشان ساخت: فیلم «جدایی نادر از سیمین» در مضمون خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که گفتمان صحیحی نتوانستند برقرار کنند، در مهمترین مسائل خانواده با یکدیگر مشکل دارند. خیلی از فیلم‌ها به این صورت است و این به جامعه خانواده ناتوان را القا می‌کنند. سینما به سمتی رفته که خانواده‌ها فیلم‌هایی با این مضمون را می‌پسندند و این نشانه آن است که سینماگران مردم و ذائقه مردم را خوب نشناختند. نشناختن ذائقه مخاطب یعنی خیانت؛ زیرا با این عدم شناخت منجر به تغییر منفی ذائقه مخاطب می‌شود.

وی اضافه کرد: سینمای ما خیلی در بحث خانواده موفق نبوده است. در سینما به مسئله طلاق اساسی پرداخته نشده، نقش خانواده‌ها در زندگی جوانها و نسل امروز به طور صحیح دیده نشده؛ به خصوص دو دهه اخیر خیلی رو به افول بوده است.

رئیس سازمان بسیج زنان کشور عنوان کرد: در زمینه کودک به لحاظ مطالعاتی و تعریف جایگاه فرزند در خانواده و همچنین وظایف و مسئولیت‌هایی که خانواده در قبال فرزند دارند کارهایی انجام دادیم که ان‌شاءالله بتوانیم خانواده‌ای که همه مسئولیت‌پذیرند و به دنبال انجام وظایف در برابر یکدیگر و ایثار و فداکاری که در خانواده مورد نیاز است را الگوسازی کرده و این فرهنگ را پررنگ‌تر کنیم.

وی با بیان اینکه ایجاد یک قطب فراگیر

عنوان یکسری سرفصل‌های درسی تبیین کنیم. زن نه شرقی و نه غربی که مقام معظم رهبری در پیامشان به کنگره ۷ هزار زن شهید ارائه می‌فرمایند، چگونه زنی است؟ امروزه نه زن شرقی که فردی خنثی و بدون اثرگذاری در تاریخ است و نه زن غربی که بی‌هویت و ابزار گونه در جامعه است و هیچ تلاشی برای تغییر این وضعیت نداشته است، نمی‌تواند الگو باشند. زن مسلمان، انقلابی و مجاهد و تأثیرگذاری که نه تنها خود در میدان است و به شهادت می‌رسد بلکه انقدر اثرگذار است که مردانسی را تربیت می‌کند که دنیا را تغییر می‌دهند. این الگوی سوم است. زن نه شرقی نه غربی. اتفاقاً رهبری در پیامشان به هنرمندان و رسانه‌ها می‌فرمایند که شما وظیفه دارید که زن نه شرقی و نه غربی؛ الگوی زن در جهان را به واسطه هنر به دنیا بشناسانید.

اصلانی یادآور شد: امروزه، در غرب انجمن‌هایی تشکیل شده برای احیای شأنیت مادری چرا که جایگاه مادری در غرب منکوب و از بین رفته است. لذا برخی از آزاداندیشان با پیام انقلاب اسلامی به دنبال احیای هویت و جایگاه مادری هستند. جایگاه مادری در فیلم‌ها یکی دیگر از موضوعاتی است که باید به آن توجه ویژه داشت. متأسفانه برخی فیلم‌های تولیدی نه تنها برای تغییر ذائقه بلکه صرفاً برای گیشه ساخته می‌شوند. این دسته فیلم‌ها از نظر موضوع و محتوا بسیار سطحی و سطحی و سخیف بوده و سلیقه مخاطب را پایین می‌آورند و بعضاً به شعور مخاطب توهین می‌کنند

سینمایی و تربیت تهیه‌کنندگان، نویسندگان و کارگردانان هم تراز با محتواهای غنی نیاز است تأکید کرد: بسیج توانست کارهای خوبی را در عرصه هنر شکل بدهد، متأسفانه تاکنون کادرسازی قوی در زمینه کارهای هنری بخصوص سینما نداشتیم؛ که بسیج وارد کار شده و در حال کادر سازی در مسیر تقویت و تربیت کارگردانان تراز انقلاب اسلامی است و به زودی این کارگردانان به عرصه فیلم‌سازی خواهند آمد.

به اعتقاد وی، یکی دیگر از خلأهای موجود در حوزه سینما، نبود فیلم‌نامه با موضوع گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده در تمام ابعادش است.

رئیس بسیج جامعه زنان کشور بر این باور است موضوع خانواده در فیلم‌ها حتی، در آن دسته از فیلم‌های موثر و ارزشمند نیز رعایت نشده است. برخی فیلم‌ها که کاملاً برخلاف نظام حقوق زن حرکت کرده‌اند. به طور مثال در فیلم واکنش پنجم به موضوع حضانت فرزند به طور سطحی پرداخت شده و لایه‌های این موضوع فقهی دیده نمی‌شود. کارگردان این فیلم یک پوسته ظاهری را از حکم فقهی گرفته و لایه‌های بعدی را یا سهواً و یا عمداً نمی‌شناسند و لذا چیزی که تولید می‌شود اثری است که فقط تحریک احساسات عمومی را به دنبال دارد و باعث شکل‌گیری یک شکاف میان احکام و مسائل نظام حقوق زن در اسلام و کارگردان و فیلم‌نامه و بقیه موارد که حال شاهد آن هستیم، م‌شود.

وی اضافه کرد: ما باید جایگاه واقعی زن در اسلام و الگوی زن نه شرقی و نه غربی را به

زلزله در آئینه سینما

پری سینما منجزی

خوشایند نیست. داستان فیلم در مورد زندانی ای است که در زندان کرمان بوده. شب زلزله مرخصی می‌گیرد که به خانواده سر بزند که ناگهان زلزله می‌شود. همسر، مادر و دخترش (آرزو) زیر آوار از دنیا می‌روند. در این میان اتفاقاتی می‌افتد که این فیلم را بسیار تلخ می‌کند. در آخر هم زندانی دوباره به زندانش برمی‌گردد.

در سال ۱۹۷۶ میلادی زلزله‌ای به بزرگی ۷.۶ ریشتر شهر تانگشان در چین را لرزاند به طوری که حدود ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند. آن زلزله الهام‌بخش بسیاری از کارگردانان چینی برای ساخت فیلم سینمایی شد. از معروف‌ترین‌های آنها «بعد از زلزله» است که در سال ۲۰۱۰ ساخته شد. این فیلم درامی طولانی اما دلنشین برای پاسداشت کشته‌شده‌های آن زلزله است. اثر معروف دیگر، «آسمان‌خراش جهنمی» به کارگردانی «مارک رابسون» آمریکایی است که در سال ۱۹۷۴ میلادی ساخته شد. به غیر از فیلم‌های سینمایی، سریال‌های زیادی هم در مورد زلزله ساخته شد که معروف‌ترین آنها «سال‌های دور از خانه»، با نام معروف «اوشین» است. سریالی که به عنوان تأثیرگذارترین سریال در

بعد از زلزله رودبار و منجیل در خرداد ۶۹، زلزله «بم» در اوایل دی سال ۸۲ در رده دوم بدترین زلزله‌ها، به لحاظ تعداد کشته، در ایران قرار دارد. این زلزله هم سوژه جدیدی برای فیلمسازی بود. سه سال بعد از این اتفاق، «امیر شهاب رضویان» که آن موقع ۳۱ سال داشت و تا قبل از آن «سفر مردان خاکستری» را ساخته بود فیلمی با نام «میانی شهر خاموش» با محوریت زلزله بم ساخت. این فیلم با اینکه سیمرغ بهترین کارگردانی جشنواره بیست و پنجم فجر را هم گرفت ولی در سینما با استقبال خوبی روبه‌رو نشد. این فیلم زندگی یک پزشک ایرانی را روایت می‌کند که ۳۳ است در آلمان زندگی می‌کند و بعد از این مدت تصمیم می‌گیرد به کشورش برگردد. او که زندگی چندان خوبی نداشته در طول زمان برگشتش به ایران به زادگاهش بم می‌رود و در آنجا متوجه می‌شود که مادرش عشق فرد دیگری بوده. نقش اصلی این فیلم را «عزت‌الله انتظامی» بازی می‌کرد.

دومین فیلم معروفی که در مورد زلزله بم ساخته شد «خاک سرد» نوشته یزدان عشیری به کارگردانی «رضا سبحانی» و بازی «محمد رضا فروتن» است.

دغدغه و تب تولید فیلم با محوریت حادثه دلخراش زلزله همواره تعدادی از سینماگران داخلی و خارجی را بر آن داشت تا آن را کانون تولید آثارشان قرار دهند. در میان فیلمسازان داخلی می‌توان به عباس کیارستمی، کیانوش عیاری، رضا سبحانی، امیر شهاب رضویان اشاره کرد.

اولین و تنها سه‌گانه زلزله را در سینمای ایران «عباس کیارستمی» ساخته است. اولین فیلم این سه‌گانه در سال ۶۵ و در شهرهای شمالی و با نام «خانه دوست کجاست» ساخته شد. کیارستمی این فیلم را با مشارکت کانون پرورش فکری ساخته است. البته داستان این فیلم ربطی به زلزله ندارد و به خاطر اینکه دو فیلم بعدی در ادامه این داستان است یکی از فیلم‌های سه‌گانه محسوب می‌شود. مضمون داستان در مورد پسر بچه‌ای است که یک بار دفتر مشق دوستش را اشتباه با خود به خانه می‌برد و مجبور می‌شود مشق دوستش را هم بنویسد. داستان دوم به نام «زندگی و دیگر هیچ» که یک سال بعد از زلزله مرگبار «رودبار» ساخته شد داستانی در مورد همان زلزله است. داستان این قسمت به قسمت قبلی مربوط می‌شود. یعنی پدر



ایران شناخته شد. پخش این سریال از سال ۱۳۶۵ شروع شد و تا چند سال طول کشید. داستانش در مورد زندگی زنی ثروتمند بود که قصه زندگی‌اش را تعریف می‌کرد. اوشین در جوانی و بعد از زلزله ویرانگری که در سال ۱۹۲۳ در توکیو اتفاق می‌افتد تمام هستی و خوشبختی‌اش را از دست می‌دهد و تمام بدبختی‌هایش از همان زمان شروع می‌شود.

سینماگران در مواجهه با اتفاقات و حوادث دلخراشی چون زلزله می‌توانند حمایت‌های متفاوت و موثری داشته باشند. ساخت فیلم و انعکاس ابعاد حادثه، آلام و دردهای مردم و نیز، درام تلخ و شیرین زندگی یک بخش ماجراست و بخش دیگر و آنی تر آن، به دلیل جایگاه اجتماعی که دارند قادرند با ایجاد کمپین‌های اجتماعی و عمومی فرض و ظرفیت‌های مناسبی را برای حمایت از زلزله زدگان و آسیب دیدگان فراهم نمایند.

به هر حال، توقع و انتظار جامعه و تاریخ از هنرمندان و سینماگران برای همدردی، همدلی و دستگیری از زلزله زدگان و ثبت و ضبط آن بالاست.

این فیلم روایتگر داستان زندگی خانواده‌ای است که بعد از زلزله بم باید با سختی کویر دست و پنجه نرم می‌کردند تا بتوانند زنده بمانند. این فیلم در سال ۸۴ ساخته شد و در جشنواره فجر در بخش مسابقه حضور داشت. اگرچه این فیلم در فجر با بی‌مهری هیات داوران روبرو شد ولی بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی رشد آن سال شد و در جشنواره توکیو هم مورد تمجید قرار گرفت.

یکی از کارهای متفاوت و فوق‌العاده‌ای که همین تازگی‌ها از شبکه نمایش پخش شد کاری بود با نام «بیدار شو آرزو» به کارگردانی «کیانوش عیاری». این کار دقیقاً بعد از زلزله بم ساخته شد. عیاری برای ساخت این فیلم، فیلمبرداری «روزگار قریب» را نیمه رها کرد و به بم رفت. ساخت این فیلم یک سال طول کشید. خود عیاری گفته بود این فیلم برای جشنواره‌ها و اکران ساخته نشده ولی در جشنواره بیست و سوم فجر اکران شد و سیمرغ بلورین «بهترین اثر هنر و تجربه» را دریافت کرد. عیاری در مورد این فیلمش گفته دیدنش اصلاً

و پسری، سه روز بعد از زلزله خرداد ۶۹ به گیلان می‌روند تا بازیگران فیلم قبلی را که در رودبار زندگی می‌کردند پیدا کنند. ولی با راه‌بندان شدید مواجه می‌شوند. در آخر داستان این دو نفر به آن دونفر نمی‌رسند ولی از سلامت جسمی‌شان مطلع می‌شوند. آخرین و سومین قسمت از این سه‌گانه دو سال بعد یعنی در سال ۷۲ با نام «زیر درختان زیتون» ساخته می‌شود. باز هم داستان در مورد رودبار است. این قسمت درامی عاشقانه دارد در مورد علاقه پسری به دختری در همان روستا. اما خانواده دختر و خود دختر با این ازدواج مخالف هستند تا اینکه زلزله می‌آید و پدر و مادر دختر از دنیا می‌روند. ولی باز هم دختر تن به ازدواج با پسر نمی‌دهد. در این میان گروهی برای فیلمبرداری به رودبار می‌روند و از این دونفر به عنوان بازیگر غیر حرفه‌ای در کار دعوت می‌کنند. کارگردان که به علاقه پسر به دختر پی می‌برد به داستان آنها علاقه‌مند می‌شود و می‌خواهد داستان آنها را جلوی دوربین ببرد.

پانزدهمین برنامه پاتوق فیلم «برداشت کوتاه» به رونمایی، نقد و بررسی فیلم کوتاه «اینجا هوا ابری است» به کارگردانی امیر بیاتی است. این برنامه سه‌شنبه ۱۴ آذرماه ۹۶ برگزار شد.



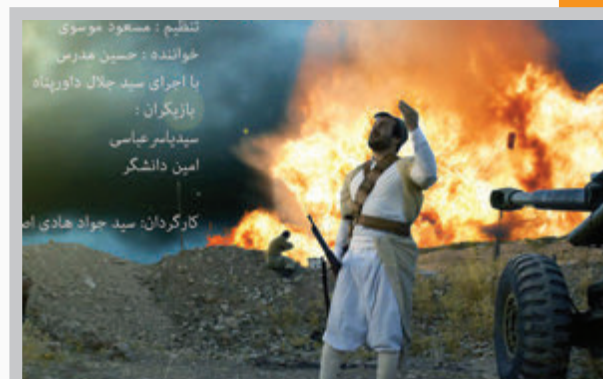
رونمایی از نماهنگ «همسنگری» در یاسوج

مراسم رونمایی از نماهنگ همسنگری با حضور فرماندهان و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس در سالن اجتماعات کنگره سرداران و شهدا استان کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد. نماهنگ همسنگری تولید مشترک واحد موسیقی این مرکز و گروه تلویزیونی سپاه فتح استان است.

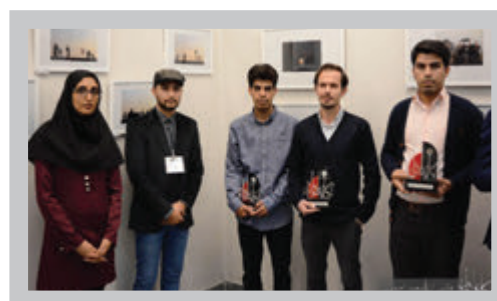
سید جواد هادی اصل کارگردان این اثر دفاع مقدسی است و مسعود موسوی کار تنظیم آنرا بر عهده داشته است.

شاعر اشعار این نماهنگ که حسین مدرس خواننده آن است، رسول سنایی از شاعران شناخته شده استان کهگیلویه و بویراحمد است.

اجرای این نماهنگ باسید جلال داورپناه بود و سید یاسر عباسی و امین دانشگر نیز در این اثر هنری نقش بازی می‌کردند. پخش این نماهنگ مورد استقبال بسیار خوب حاضران قرار گرفت.



«رضا عیسی پور» هنرمند اردبیلی؛ در بین برگزیدگان چهارمین سوگواره نگاه عاشورایی مشهد





درباره روز سه‌شنبه ۷ آذرماه پاتوق
فیلم «برداشت کوتاه»، مراسم رونمایی،
نقد و بررسی فیلم مستند «قارشلق»
جدیدترین فیلم رضا غلامی مطلق با
حضور کارگردان اثر برگزار شد.

تولید مستند «خالق» در حوزه هنری کرمان



فیلم مستند «خالق» به نویسندگی و کارگردانی «صادق حسین‌خانی» در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان تولید شد.
فیلم مستند «خالق» با موضوع اجتماعی به نویسندگی و کارگردانی «صادق حسین‌خانی» در حوزه هنری استان کرمان تولید شد.
بر اساس این گزارش؛ فیلم روایت کودک ۱۴ ساله افغانی است که کلیه‌هایش از کارافتاده است و صندوق کودکان سازمان ملل یونسف، خانواده خالق را به دلیل بیماری وی، برای درمان به یکی از کشورهای اروپایی می‌فرستد و ...
صادق حسین‌خانی نویسنده و کارگردان، فرحناز نامجو تصویربردار، علی‌محمدی صدابردار، صادق حسین‌خانی تدوین و صداگذاری، محمدصادق اسماعیلی مشاور کارگردان و حمید حسین‌خانی مدیر تولید فیلم مستند «خالق» را برعهده دارند.
گفتنی است؛ این فیلم به تهیه‌کنندگی محمدحسین ملکی و در حوزه هنری استان کرمان تهیه شده است.

تولید فیلم داستانی «همدم» در حوزه هنری استان کرمان

فیلم کوتاه داستانی «همدم» به نویسندگی و کارگردانی مجتبی دهقانی در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان تولید شد.
فیلم کوتاه داستانی «همدم» با موضوع اجتماعی به نویسندگی و کارگردانی مجتبی دهقانی در حوزه هنری استان کرمان تولید شد. این فیلم به تجسم رویاهای کودکی با مفاهیمی کودکانه می‌پردازد و در عین حال اشاراتی هم به آفرینش و خلق دارد که هر خلقی نیاز به تلاش و دمیدن روح در آن از سوی خالق اثر دارد.
مجتبی دهقانی نویسنده و کارگردان، علیرضا نجیب‌زاده تصویربردار، محمد میقاتی دستیار تصویربردار، سیدهادی مهدوی تدوین، مسعود محمدرضا خانی استاپ موشن و مهرزاد دهقانی عکاسی فیلم کوتاه داستانی «همدم» را برعهده دارند.
این فیلم به تهیه‌کنندگی محمدحسین ملکی و در حوزه هنری استان کرمان تهیه شده است.



فیلم کوتاه «جوجه پر» در جشنواره کل گراش

فیلم کوتاه «جوجه پر» به نویسندگی و کارگردانی فرشاد صالحی تولید حوزه هنری چهارمحال و بختیاری به سیزدهمین جشنواره فیلم کوتاه کل گراش راه یافت.

معاون فرهنگی و هنری حوزه هنری چهارمحال و بختیاری گفت: سیزدهمین جشنواره ای منطقه ای فیلم کوتاه «کل گراش» با رویکرد بومی و با هدف رشد و بالندگی هنر سینما و فیلم سازان منطقه ای با حضور ۸ استان فارس، بوشهر، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد و خوزستان از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گراش استان فارس برگزار شد.

به گفته وی فیلم کوتاه داستانی «جوجه پر» اثر تولیدی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری اثر راه یافته به اسماعیلی افزود: «جوجه پر» به نویسندگی و کارگردانی فرشاد صالحی از تولیدات حوزه هنری است که در مدت زمان ۱۶ دقیقه تلاش برای زنده بودن و تاثیر امید در زندگی را به تصویر می کشد. اسماعیلی اظهار داشت: «جوجه پر» تولید حوزه هنری در سال ۱۳۹۵ است و تا کنون در جشنواره های مختلفی چون فیلم کودک، رشد، بسیج و ... شرکت داشته است و نیز در بخش اصلی این جشنواره با ۲۰ فیلم کوتاه دیگر به رقابت پرداخت.

معاون فرهنگی هنری حوزه هنری گفت: همچنین فیلم کوتاه داستانی «آن سوی جاده» به کارگردانی رضا علوی از هنرمندان استان چهارمحال و بختیاری نیز به سیزدهمین جشنواره کل گراش راه یافته است.

سیزدهمین جشنواره «کل گراش» در دو بخش اصلی و جنبی در قالب فیلم های کوتاه مستند، داستانی و تجربه گرا از ۱۵ الی ۱۷ آذرماه ۱۳۹۶ در شهرستان گراش استان فارس برگزار شد.

شرکت حوزه هنری کردستان با ۱۲ اثر در جشنواره مردمی عمار

حوزه هنری استان کردستان با ۱۲ اثر تولیدی در بخش های داستانی، مستند، پویانمایی و فیلمنامه در جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.

امین مرادی رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان گفت: جشنواره مردمی فیلم عمار با موضوعات تاریخ معاصر، فتنه ۸۸، نقد درون گفتمانی، بیداری اسلامی و جهانی، جنگ نرم، اقتصاد مقاومتی و ملت قهرمان از ۶ تا ۱۵ دیماه برگزار می شود.

مرادی ادامه داد: در بخش داستانی ۵ فیلم «جی ژوان» به کارگردانی اشکان ساعد پناه، «جایرای نفس تنگ است» به کارگردانی سینا ایوبی، «اسب» به کارگردانی رسول احمدی، «تارنجی» به کارگردانی آرمان محمدی، «شمع سرد» به کارگردانی نوید زارع، در بخش مستند ۳ فیلم «شهید محمد سعید توفیقی» به کارگردانی زانبار لطفی در بخش ملت قهرمان و فیلم های «امید سپید» به کارگردانی جمشید فرجوند فردا و «شهد سنگ» به کارگردانی ستار چمنی گل در این جشنواره حضور یافته اند.

رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی کردستان افزود: در بخش پویانمایی دو اثر «معلق» به کارگردانی خانم آذرمنصوری و «باران های رنگی» ماشاله محمدی به این جشنواره ارسال شده است.

وی تصریح کرد: دو فیلمنامه «انیسه» به نویسندگی مریم البرزی و «صندوق سبز پدر» به نویسندگی زانبار لطفی از تولیدات حوزه هنری استان کردستان به این جشنواره ارسال شده است.

وی جشنواره فیلم عمار را از مهمترین جشنواره های مردمی سینمایی عنوان کرد و افزود: با توجه به موضوعات متنوع جشنواره و پتانسیل های بالای فیلمسازان استان در زمینه تولید آثار متناسب با جشنواره هنرمندان فیلمساز را به حضور در این جشنواره دعوت کرد.

فیلم کوتاه «استیج» به تهیه کنندگی حوزه هنری
استان اردبیل و کارگردانی فیاض بهرام به
جشنواره ((GREEN BAY)) راه یافت.



فیلم کوتاه داستانی «خاطره یک جشن» به مرحله نهائی جشنواره ملی فیلم کوتاه امید راه یافت

فیلم کوتاه داستانی «خاطره یک جشن» به نویسندگی و کارگردانی «حسام حسینی» از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان به بخش نهائی نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه امید یزد راه یافت.

حسام حسینی نویسنده و کارگردان، محمدحسین ملکی تهیه‌کننده، عماد قربانی دستیار کارگردان، آناهیتا نوروزی منشی صحنه، دانیال اسماعیل زاده مشاور و برنامه ریز، مهدیه آگاهی عکاس، سهیل گوهری پور تصویربردار و نورپرداز، شهریار احدی تصویربردار هوایی، نگین حیدری دستیار تصویر، احسان حیدری صداپرداز، امید ضیاءالدینی دستیار صدا، حسام حسینی طراح صحنه، عماد قربانی دستیار صحنه، سروناز امیدی طراح لباس، فاطمه مالکی گریم، احسان حیدری صداگذار، محمد جمال زاده تدوین، نیما فشننگی افتر افکت و جلوه‌های بصری، سارا کریمیان، اقبال آری، لطفعلیان، اهورا علی نژاد تشکری، ریحانه سلمانیان بازیگران فیلم کوتاه داستانی «خاطره یک جشن» را برعهده دارند.

بر اساس این گزارش؛ مجموعاً ۳۳۸ اثر داستانی به دبیرخانه این جشنواره رسیده بود که ۱۳ اثر داستانی توسط اسماعیل میهن دوست، بهمن ارک و پرویز جاهد از اعضای هیئت انتخاب بخش داستانی برای حضور در مرحله نهائی نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه امید یزد معرفی شدند.

گفتنی است؛ نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه امید با محوریت موضوع‌های حوادث، آگاهی از مخاطرات، ارتقای تاب‌آوری جامعه، افزایش امید، ترویج فرهنگ ایمنی، کاهش خطرپذیری بلایای طبیعی، مدیریت بحران و رفتار انسانها در بحران سوم تا پنجم دی ماه سالجاری به میزبانی استان یزد برگزار می‌شود.



حوزه هنری خراسان جنوبی با ۲۵ اثر در هشتمین جشنواره مردمی عمار



حوزه هنری خراسان جنوبی با ۲۵ اثر در هشتمین جشنواره مردمی عمار حضور دارد. مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خراسان جنوبی اعلام کرد: هنرمندان حوزه هنری خراسان جنوبی برای حضور در هشتمین جشنواره عمار بیش از ۲۵ اثر را در بخش‌های مختلف جشنواره شرکت کرده‌اند.

محمد براتی به تنوع آثار و حضور پررنگ هنرمندان در بخش‌های مختلف جشنواره اشاره کرد و افزود: از مجموع ۲۵ اثر ارسالی ۲ اثر در بخش فیلمنامه، ۴ اثر در بخش نمایش، ۲ اثر در بخش اقامت تبلیغی، ۴ اثر در بخش تولیدات رادیویی، ۲ اثر در بخش تولیدات تلویزیونی، ۴ اثر در بخش فیلم مستند و ۷ اثر در بخش فیلم داستانی کوتاه ارسال شده است.

لازم به ذکر است هشتمین جشنواره مردمی عمار، همزمان با ایام بزرگداشت حماسه مردمی «نه دی»، از ۶ تا ۱۵ دی ماه در تهران برگزار می‌شود.

رئیس حوزه هنری کرمانشاه تاکید کرد:

هنرمندان سرمایه‌های اصلی و معنوی جامعه‌اند



هنرمندان در سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری خبر داد و گفت: کمک به فرهنگ و ایجاد تسهیلات در جهت ارتقای سطح کیفی و کمی آثار هنرمندان رسالت اصلی این سازمان است. با استفاده از نظرات کارشناسی فرهیختگان سینمایی می‌توان برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری در جهت تولید محصولات فرهنگی از سوی متولیان امر صورت گیرد که برآیند آن حضور آثار فاخر سینمایی هنرمندان کرمانشاهی در جشنواره‌های مطرح خواهد بود.

وی برنامه‌ریزی مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک و تولید مشترک را رکن اصلی این تفاهم‌نامه خواند و اظهار داشت: با تعریف جامع ساز و کار تولید و همچنین ایجاد فضای مساعد هنرمندان برای تولید اثر هیچ مشکلی نخواهند داشت.

در ادامه این جلسه کامران رضایی، مسئول انجمن سینمای جوان کرمانشاه، خواستار ایجاد فضای آموزشی استاندارد شد و گفت: تولید یک اثر مطلوب برآیند آموزش صحیح است.

رضایی همچنین به دغدغه اصلی فیلم‌سازان در مواجهه با سازمان‌های فرهنگی اشاره کرد و گفت: حفظ شأن هنرمند اولویت اصلی سازمان‌های فرهنگی و هنری باید باشد. وی سینمای هنر و تجربه را بسیار با اهمیت خواند و خواستار ایجاد فضای آکران این گروه فیلم‌ها در کرمانشاه شد.

رئیس حوزه هنری کرمانشاه هم در پایان این جلسه اعلام کرد: جلسه دوم و پایانی بررسی تفاهم‌نامه هفته آینده در انجمن سینمای جوان کرمانشاه برگزار خواهد شد.

دومین جلسه بررسی تفاهم‌نامه همکاری حوزه هنری با سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری و انجمن سینمای جوان در بخش تولید فیلم با حضور مدیران و کارشناسان این حوزه برگزار شد.

دومین جلسه بررسی تفاهم‌نامه همکاری حوزه هنری با سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری و انجمن سینمای جوان شنبه، ۳۰ آبان با حضور مدیران و کارشناسان این سازمان فرهنگی در حوزه هنری کرمانشاه برگزار شد.

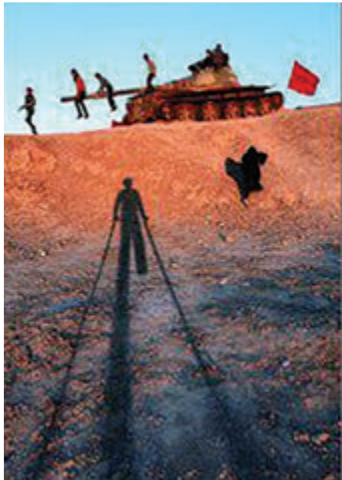
امین مرادی، رئیس حوزه هنری کرمانشاه، در ابتدای این جلسه با بیان این مطلب که موثرترین و موجزترین ابزار برای انتقال مفاهیم، هنر و به خصوص هنر هفتم است گفت: انتقال پیام‌ها و مفاهیم ارزشی در قالب سینما به خصوص فیلم کوتاه می‌تواند در کمترین زمان بیشترین تاثیر را داشته باشد. همچنین برگزاری کارگاه‌های تخصصی با حضور اساتید برجسته در حوزه فیلم‌سازی و توجه به ظرفیت‌های موجود استان کرمانشاه می‌تواند یکی از پایگاه‌های اصلی فیلم‌سازی در کشور باشد.

این مقام فرهنگی در ادامه تصریح کرد: با توجه به حضور هنرمندان جوان و صاحب‌سبک در استان کرمانشاه، اگر فرایند تولید از سوی سازمان‌های متولی امور فرهنگی و هنری برای این هنرمندان تسهیل شود، در بازه زمانی کوتاه شاهد خلق آثاری فاخر از سوی هنرمندان خواهیم بود.

وی همچنین هنرمندان را سرمایه‌های اصلی و معنوی جامعه خواند و در عین حال فلسفه وجودی نهادها و سازمان‌های فرهنگی و هنری خدمت به این قشر تأثیرگذار و ایجاد امکانات مناسب برای تولید کمی و کیفی آثار هنری دانست.

در ادامه این جلسه مهدی عبدالمالکی، قائم مقام شهردار کرمانشاه، از وجود عزم جدی برای حمایت همه‌جانبه از

افتخارآفرینی عکاس گلستانی در مسابقه عکس کشور اسلوونی



رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی استان گلستان از کسب مدال طلا در هر دو بخش مسابقه بین‌المللی کشور اسلوونی توسط داوود عامری خبر داد.

رئیس این مرکز با اعلام این خبر گفت: این مسابقه در سطح بین‌المللی و در دو بخش عکس‌های دیجیتال و عکاسی معلولین برگزار شد و داوود عامری در هر دو بخش موفق به کسب مدال طلا شد.

نقی محمدنژاد در ادامه به حضور موثر این هنرمند ارزشی در کانون عکس حوزه هنری استان گلستان اشاره کرد و افزود: داوود عامری جانباز ۷۰ درصد است و تاکنون علاوه بر کسب بیش از ۶۰ عنوان و رتبه ملی و بین‌المللی در مسابقات جهانی مختلفی چون: آساهی شیمبون ژاپن (سه دوره)، لیتوانی، بلژیک، هندوستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، هلند، کره جنوبی، آمریکا، لهستان، آرژانتین، روسیه و... عناوین متعددی کسب کرده است.

این مدیر فرهنگی در ادامه به حضور فعال این هنرمند در حوزه هنری استان اشاره کرد و اظهار داشت: این هنرمند عکاس دارای مدرک درجه ۲ هنری (کارشناسی ارشد) عکاسی از وزارت ارشاد است و تاکنون در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی حضور داشته و داوری بسیاری از مسابقات و جشنواره‌های عکاسی کشور را به عهده گرفته است.

محمدنژاد در پایان به حضور این عکاس جانباز به مدت هفتاد ماه داوطلبانه در جبهه‌های جنگ تحمیلی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: داوود عامری دارای مدرک درجه ۲ هنری (کارشناسی ارشد) عکاسی از وزارت ارشاد است و همچنین عنوان Artist Fiap فدراسیون جهانی عکاسی فرانسه را نیز در کارنامه خود دارد.

دو فیلم از حوزه هنری چهارمحال بختیاری در جشنواره فیلم «رشد»



فیلم‌های تولید حوزه هنری چهارمحال و بختیاری به بخش مسابقه چهل و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «رشد» راه یافتند.

معاون فرهنگی هنری حوزه هنری چهارمحال بختیاری گفت: فیلم کوتاه داستانی «تا فردا...» به کارگردانی علی توکلی زانیانی در بخش مسابقه فیلم‌های ایرانی و فیلم کوتاه مستند «بلیت» به کارگردانی مریم آل مومن دهکردی در بخش معلمان به مسابقه چهل و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد راه یافتند. قاسم اسماعیلی دهکردی افزود: جشنواره فیلم رشد با محوریت اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، آموزه‌های دینی، فرهنگ و تمدن، سبک زندگی و حقوق شهروندی، تعلیم و تربیت، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشارکت اجتماعی و فرهنگی، حفظ سرمایه‌های ملی، علم و زندگی و بخش ویژه از سوی وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود.

به گفته وی، فیلم «تا فردا...» راه یافته به جشنواره رشد با موضوع مدافعان حرم به مدت زمان چهار دقیقه است که عشق به اهل بیت (ع) را در نگاه مردمان ایران زمین و سربازان مدافعان حرم به نمایش گذاشته است و سعی در برقراری نوعی ارتباط میان آن‌ها دارد.

وی اظهار داشت: فیلم مستند «بلیت» به کارگردانی مریم آل مومن دیگر اثر راه یافته به جشنواره رشد نیز درباره میوه بلوط و تأثیراتی است که این میوه در زندگی روستاییان مناطق زاگرس نشین دارد.

اسماعیلی گفت: «بلیت» تلاش زنان روستایی و عشایری استان را در آبادانی و گذراندن زندگی به تصویر کشیده شده و نوعی راوی سبک زندگی آن‌هاست. به گفته وی، تاکنون آثار تولیدی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری در جشنواره‌های مختلف ملی و بین‌المللی زیادی شرکت داشته‌اند و جوایز و عناوین برگزیده برخی از این جشنواره‌ها را نیز از آن خود کرده‌اند.

اسماعیلی افزود: در این دوره از جشنواره بالغ بر ۱۳۰۰ فیلم کوتاه و بلند به دبیرخانه جشنواره ارسال شده است که از این میان ۱۷۶ فیلم کوتاه و بلند در بخش بین‌الملل، ۴۰ فیلم از گروه فرهنگیان فیلم‌ساز، ۱۱ فیلم از گروه دانشجوی معلمان و ۳۵ فیلم کوتاه از گروه دانش‌آموزان فیلم‌ساز برای حضور در بخش مسابقه انتخاب شده‌اند. معاون فرهنگی هنری حوزه هنری چهارمحال و بختیاری افزود: فیلم‌سازی در استان چهارمحال و بختیاری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و جوانان فیلم‌ساز با استعدادی در این زمینه در استان فعالیت می‌کنند.

چهل و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در آذرماه سال جاری به میزبانی مشهد مقدس برگزار خواهد شد.

«۵ هفته ۵ فیلم» به پایان رسید



مسیر پیشرفت ماجرا را یک ضرورت عنوان کرد و گفت: ما آن تغییر لازم را در سوژه اصلی نمی بینیم و از این رو جریان اصلی روایت به عمق لازم نمیرسد.

گفتنی است «مهدی زمانپور کیاسری» نیز پس از نقل دشواریهای ساخت فیلمهای اینچنینی که دائم در مسیرهای شلوغ میگذرد گفت: یکی از رویکردهای مهم فیلم قرار گرفتن سوژه در موقعیتهای متفاوت و ثبت و ضبط برخوردهای وی با این مسائل است که فیلم را واجد جذابیت میکند.

همچنین در ادامه، بررسی فیلم با مشارکت فعال حضار و طرح پرسشها و بیان دیدگاههایی از سوی آنان و پاسخهایی از سوی منتقد برنامه و کارگردان فیلم پی گرفته شد.

مهدی معصومی گر جی معاون فرهنگی هنری حوزه هنری مازندران در حاشیه این نشست ضمن کارآمد خواندن چنین محافلی برای هنرمندان و مسئولان هنری خاطر نشان کرد: باید این برنامه ها را بطور دائمی در سطح استان برگزار کرد تا هم آثار فیلمسازان به شایستگی دیده شده و از آنان تجلیل شود و هم اینکه این نشست ها بستری باشد برای پیوند هر چه بیشتر هنرمندان جوان با فیلمسازان حرفه ای، پاسخ به پرسش های آنان و ایجاد شرایطی برای تولیدات بعدی.

مهدی زمانپور کیاسری، فیلمساز مطرح مازندرانی کارگردانی فیلمهایی همچون «تورا من چشم در راهم» «مشتی اسماعیل» «پاپلی» «راه دل» و... همچنین عنوان بیش از چهل جشنواره معتبر داخلی و خارجی از جمله جشنواره های فجر، مستند حقیقت، رویش، ویزون دوریل سوییس، فلاهر تیار و سیه، مذاهب ایتالیا، مستند قاهره و... را در کارنامه دارد.

«راه دل» کاری از «مهدی زمانپور کیاسری» به عنوان آخرین گزینه برنامه «۵ هفته ۵ فیلم» در جمع فیلمسازان و علاقمندان مازنی مورد بررسی قرار گرفت.

«انجمن فیلم بهار نارنج» آخرین برنامه خود را، چهارشنبه ۱۷ آبان سال جاری با نمایش مستند «راه دل» کاری از «مهدی زمانپور کیاسری» و با حضور کارگردان و بازیگران فیلم در خیل علاقمندان برگزار کرد.

«انجمن فیلم بهار نارنج» معاونت فرهنگی شهرداری ساری با همکاری حوزه هنری مازندران و شورای اسلامی شهر ساری، ویژه برنامه «۵ هفته ۵ فیلم» را که ویژه نمایش و نقد فیلمهای آیینی و عاشورایی بود، به پایان رسانید.

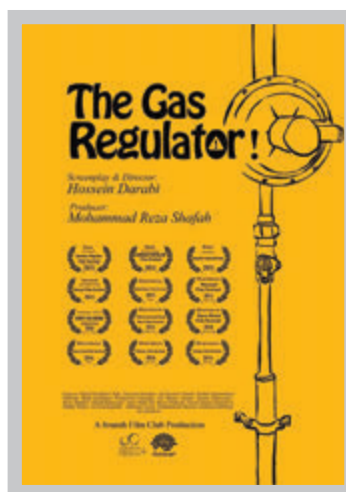
در هفته پنجم این برنامه، که با حضور ویژه «علی اصغر یوسف نژاد» نماینده مردم مرکز استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی برگزار شد، فیلم مستند «راه دل» به کارگردانی «مهدی زمانپور کیاسری»، آخرین اثر این فیلمساز در جمع هنرمندان فیلمساز و علاقمندان مازندرانی به نمایش درآمد و مورد بررسی قرار گرفت.

«اسماعیل یوسفیان» پیرمرد روشندل و سوژه اصلی فیلم «مشتی اسماعیل»، یکی دیگر از فیلمهای زمانپور کیاسری، به همراه یکی از دوستانش به نام «نصیر» در تمنای زیارت بارگاه امام حسین (ع) و پیاده روی اربعین، راهی کربلا می شود که پس از مواجهه با ماجراهای بسیاری در مسیر، بالاخره به کربلا می رسد.

ایرج فلاح - نویسنده و منتقد - که در این محفل، برای بررسی فیلم حضور یافت، ضمن برشمردن ویژگی های فیلمهای سفر و جاده ای، نگاه متفاوت کارگردان و پرداخت دیگر گونه وی به پیاده روی اربعین را از امتیازات این اثر دانست.

وی در ادامه با اشاره به نمایشی بودن بخشهایی از مستند، ایجاد تغییر در سوژه در

**فیلم کوتاه «علمک» ساخته حسین دارابی به
بخش مسابقه داستانی نخستین جشنواره
ملی فیلم کوتاه امید راه یافت / نخستین
جشنواره فیلم امید ۳ تا ۵ دی ماه ۹۶ در شهر
یزد برگزار می شود.**



مسئول واحد تصویری:

مستند «در مسیر پاکی‌ها» بیانگر عینی وحدت شیعه و سنی است



محمد براتی در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی حوزه هنری خراسان جنوبی با اعلام این خبر گفت: این فیلم با موضوع وحدت شیعه و سنی تهیه شده و روند تولید این فیلم از پاییز ۹۵ در ایران آغاز شده که پس از تصویربرداری در عراق و پاکستان، در آذر ماه ۹۶ به پایان رسیده است.

فیلم مستند «در مسیر پاکی‌ها» محصول مشترک حوزه هنری خراسان جنوبی و اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی می باشد که به تهیه کنندگی و کارگردانی محمد براتی طی سالهای ۹۵ و ۹۶ تولید شده است.

محمد براتی در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی حوزه هنری خراسان جنوبی با اعلام این خبر گفت: این فیلم با موضوع وحدت شیعه و سنی تهیه شده و روند تولید این فیلم از پاییز ۹۵ در ایران آغاز شده که پس از تصویربرداری در عراق و پاکستان، در آذر ماه ۹۶ به پایان رسیده است.

وی با بیان اینکه این فیلم در دو نسخه متفاوت موضوعی تولید شده است گفت: مستند برون مرزی «در مسیر پاکی‌های ۱» روایت سفر پر از مخاطره زائران پاکستانی به عتبات عالیات و بیان عشق و ارادت آنها به اهل بیت می باشد که در ایام اربعین حسینی از شبکه‌های قرآن و سه سیما از رسانه ملی پخش گردید و نسخه دوم آن یعنی «در مسیر پاکی‌های ۲» بیانگر وضعیت مسلمانان پاکستانی است که چند سالیست با پدیده تکفیر مواجه هستند و استعمار جهانی تلاش دارد با ایجاد تفرقه و دشمنی میان شیعه و سنی به اسلام هراسی و خدشه دار کردن اسلام ناب محمدی بپردازد.

براتی خاطر نشان کرد: این فیلم به موضوع تکفیر و نحوه شکلگیری این پدیده می پردازد و در آن تلاش شده است با بیان برخی واقعیت‌ها و اشاره به عظمت و شکوه پیاده روی اربعین، به عنوان جلوه گاه عشق و انسانیت و خواستگاه صلح جهانی، چهره حقیقی اسلام را که استکبار جهانی سعی دارد آن را مخدوش جلوه دهد، به شکل واقعی به مخاطبین ارائه دهد.

از دیگر عوامل این فیلم می توان از مجید کریمیان به عنوان مدیر هماهنگی امور بین الملل، سمانه عباس پور به عنوان دستیار کارگردان، سعید فوداجی به عنوان تصویربردار ایران و عراق، نعیم به عنوان تصویر بردار پاکستان، احمد علی صادقی به عنوان مترجم اردو و پریسا فوداجی به عنوان مترجم انگلیسی نام برد. گفتنی است نسخه دوم این فیلم بزودی طی مراسمی بصورت رسمی رونمایی خواهد شد.

نشست هم‌اندیشی معاونین و مسوولین واحدهای هنری با حضور استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل



بازدید رئیس هیات مدیره محترم موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز، بهمراه مدیر عامل محترم موسسه و مدیر محترم واحد بازرسی موسسه از روند بازسازی سینما فلسطین بروجرد



حضور سازمان سینمایی حوزه هنری با چهار فیلم مستند در یازدهمین جشنواره سینما حقیقت





موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



یکتا ناصر
ریمارامین فر
امیر آقایی
پژمان بازغی

نویسنده و کارگردان:
نگار آذربایجانی

تهیه کننده:
سحر صباغ سرشت

و

گوهر خیراندیش

فصل نارس

Season of Narges

فیلم
سینمایی



تو از زندگی روزمره زندگی رو به انداز می من نمی دونی...

مدیر فیلمبرداری: تورج منصوری تدوین: سودابه سعیدنیا، خشایار موحدیان مدیر تدوین صدا و میکس: رضا تریمی زاده موسیقی: ستار اورکی
طراح جلوه های بصری: فرید ناظر فصیحی طراح چهره پردازی: عبدالله اسکندری مدیر صدابرداری: عباس رستگار پور مدیر تولید: بهزاد هاشمی
طراح صحنه: مهرزاد ضرابیان طراح لباس: مهرزاد ضرابیان، مه لقا ناقد فیلمبردار: رضا غفاری عکس: امید صالحی

همراه با زیرنویس انگلیسی و پشت صحنه جذاب



موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.

بیست و یک روز بعد

با صدای مهدی یراحی

فیلم سینمایی

Twenty-one Days Later

کارگردان: سید محمد رضا خردمندان
تهیه کننده: محمد رضا شفاه



رسید

ساره بیات
مهدی قربانی
حمیدرضا آذرنگ
امیر حسین صدیق
حسین شریفی / سینارازانی
جلال فاطمی / رضا استادی



نویسنده گان: سید محمد رضا خردمندان، احسان نقی
مدیر فیلمبرداری: علیرضا پرازانده
تدوین: محمد رضا مویینی، هدی مویینی
طراح صحنه و لباس: کامیاب امین عشایری
طراح صحنه و ترکیب صدا: محمود موسوی نژاد
مدیر صداپردازی: امیر نوبخت
طراح گریم: جلال موسوی
جلوه های ویژه رایانه ای: محمد رضا نجفی امامی
مدیر تولید: ابراهیم زاهدی فر
مشاور کارگردان: محمد الهفلی
عکاس: نوید سجادی حسینی
مشاور رسانه ای: هادی فیروزمندی
مدیر تبلیغات: سید علی طباطبایی
مجری طرح: یانگسگاه فیلم سوره
محصول سازمان سینمایی
سوره حوزه هنری



همراه با نماهنگ محبوب بیست و یک روز بعد با بازی و صدای مهدی یراحی + پشت صحنه نماهنگ